



پیام های پژوهشی مبتنی بر شواهد

دانشگاه های علوم پزشکی کشور

(شماره ۲)

فهرست

شماره صفحه

عنوان پیام پژوهشی

- ۶ شناسایی دو نشانگر ژنتیکی کلیدی که خطر ابتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک را افزایش می دهند.
- ۷ بازنگری در طراحی و اجرای مطالعات مرور نظام مند ضروری است؛ در غیر این صورت کیفیت این پژوهش ها کاهش یافته و احتمال ریتکت شدن آن ها افزایش می یابد.
- ۹ پژوهشگران، دو نشانگر ژنتیکی را شناسایی کردند که خطر ابتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک را کاهش می دهند.
- ۱۰ دانشجویان از تلفن های هوشمند بیشتر در امور عمومی، امور آموزشی و تخصصی و امور بالینی استفاده می کردند.
- ۱۲ بیماران رضایت کلی بالایی از سیستم نسخه نویسی الکترونیک داشته و تجربه ی مثبتی با آن گزارش کرده اند.
- ۱۳ آموزش ایمنی پرستاران در بخش مراقبت ویژه نوزادان، عملکرد آن ها را بهبود می بخشد.
- ۱۵ نحوه گزارش اخبار خودکشی در رسانه ها باید مسئولانه تر باشد تا از تشویق رفتارهای خودکشی تقلیدی جلوگیری شود.
- ۱۷ افراد مبتلا به دیابت بیشتر در معرض عفونت هلیکوباکتر پیلوری هستند و نیاز به غربالگری و درمان ویژه دارند.
- ۱۹ عایق های مصنوعی ساختمانی سمی هستند؛ الیاف طبیعی جایگزین سالم تری محسوب می شوند.
- ۲۰ تکنیک فاز جامد پختنی با نانوجاذب سنتزی، روشی مناسب برای نمونه برداری هیپوریک اسید در ادرار است.
- ۲۲ کنه های سخت دام های شهرستان گناباد ممکن است ناقل ویروس تب کریمه کنگو باشند.
- ۲۳ آموزش و ترغیب گروه های سنی پایین تر با استفاده از ابزارها و رسانه های آموزشی بومی، می تواند انگیزه میانسالان را برای انجام غربالگری افزایش دهد.
- ۲۵ ارتباط نزدیک مادر و دختر به بهبود شناخت و نگرش دختران نسبت به قاعدگی و کاهش مشکلات آن کمک می کند.
- ۲۶ استفاده از ضایعات پلی پروپیلن و فوم پلی یورتان، جذب صدا را افزایش و انتقال حرارت را کاهش می دهد.
- ۲۸ قارچ "متارایزیم آنیزوپلیه" به عنوان حشره کش بیولوژیک، مرگ و میر سوسک های آمریکایی را کنترل می کند.
- ۲۹ درک بیماران دیابتی نوع دو از بیماری با پایداری آن ها به رژیم درمانی ارتباط مستقیم دارد.
- ۳۰ سلامت شیر خشک و مکمل های غذایی کودکان نیازمند بازنگری و برنامه ریزی است.
- ۳۲ استفاده از آهنربا می تواند باعث تسکین درد، سوزش و سایر علائم در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ (دارای نوروپاتی محیطی) شود.
- ۳۳ مطابق یافته های این مطالعه، مصرف کیک های کرم دار عرضه شده در بازار شهر گناباد، مشکل بهداشتی خاصی را برای مصرف کنندگان ایجاد نمی کند.
- طراحی موفقیت آمیز میز ارگونومیک برای فراوری گل زعفران، متناسب با ابعاد بدن کارکنان ایرانی، با هدف کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی در محیط های کاری و خانگی.
- ۳۵ دانش، نگرش و رفتار شرکت کنندگان نسبت به تغذیه در دوران همه گیری کووید-۱۹ در ایران، در سطح متوسط و بالاتر قرار داشت.
- ۳۷ رشد و تکامل مطلوب کودکان مستلزم تغذیه صحیح و عادات غذایی مناسب است. عدم آگاهی مادران نسبت به تغذیه کودکان و رفتارهای نامناسب آنها در این خصوص، از مهمترین علل سوءتغذیه است.
- ۳۸ آموزش مهارت های ارتباط زوجین با استفاده از نرم افزارهای چندرسانه ای، به طور معنی داری رضایت زناشویی را افزایش می دهد.
- ۴۰

- ۴۱ پیاده سازی دستورالعمل ترویج زایمان طبیعی مستلزم نگاه فرآیندی، بلند مدت و با مشارکت جامعه است.
- ۴۳ عوامل شغلی و اجتماعی مانند کمبود روشنایی، استرس حرارتی و شرایط اقتصادی-اجتماعی، سلامت اجتماعی زنان شاغل در صنعت چینی سازی را به طور جدی تهدید می کند.
- ۴۴ تمرینات پيلاتس مادران نتوانست رابطه والد-فرزندی و عزت نفس دختران نوجوان را بهبود دهد.
- ۴۶ آموزش خودمدیریتی بر پایه مدل ارتقای سلامت پندر می تواند به کنترل علائم تب مالت و پیشگیری از عود یا مزمن شدن بیماری کمک کند.
- ۴۷ ترجمه و روانسنجی نسخه فارسی مقیاس کیفیت زندگی پرستاران
- ۴۸ نسخه فارسی مقیاس بی تفاوتی اخلاقی پرستار از روایی و پایایی مناسبی برخوردار می باشد.
- ۵۰ سواد سلامت نقشی کلیدی در بهبود و تقویت رفتارهای سلامت محور در زندگی افراد مبتلا به دیابت نوع ۲ دارد.
- ۵۲ بی توجهی به رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابت نوع ۲ می تواند عوارض جدی ایجاد کند و استفاده از ابزار سنجش منبع کنترل سلامت به شناسایی و بهبود این رفتارها کمک می کند.
- ۵۳ سواد سلامت ناکافی در بیماران دیابت نوع ۲ می تواند اضطراب، افسردگی و استرس را افزایش داده و کیفیت زندگی آنان را کاهش دهد.
- ۵۵ دریافت حمایت اجتماعی مناسب از سوی همسر در دوره پس از زایمان منجر به ارتقای کیفیت زندگی جنسی زنان می شود.
- ۵۶ جنسیت، تأهل، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، شغل، سلامت ادراک شده، ناتوانی و حمایت اجتماعی از مهم ترین عوامل پیش بینی کننده سالمندی فعال در سالمندان قزوین هستند.
- ۵۸ حمایت اجتماعی نقشی حیاتی در کاهش اضطراب و تقویت تاب آوری بیماران دیالیزی دارد و پرستاران می توانند با ایجاد این حمایت، به بهبود روانی و بازتوانی بیماران کمک کنند.
- ۶۰ مشاوره جنسی بر اساس مدل اکس پلیسیت باعث افزایش رضایت جنسی در زنان مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس می شود.
- ۶۲ نتایج مطالعه حاضر نشان داد که پرسشنامه ارزیابی بیمار از مراقبت بیماری مزمن پنج عاملی از روایی و پایایی مناسبی در سالمندان دیابتی برخوردار است.
- ۶۳ نانو ذره کردن کورکومین موجود در زردچوبه می تواند کارایی بالینی این ماده را افزایش دهد.
- ۶۴ ترکیب تجربی کایتوزان- بیواکتیوگلاس باعث کاهش عوارض تغییرات مینایی دندانهای بلیچ شده گردید.
- ۶۶ عادات بهداشتی دهان کودکان دبستانی قزوین در دوران همه گیری کرونا نیاز به افزایش آگاهی والدین، در دسترس بودن خدمات اورژانسی دندانپزشکی و بهبود مفهوم و عملکرد دندانپزشکی از راه دور دارد.
- ۶۸ اضافه کردن کورکومین و ملاتونین به صورت ترکیبی به محیط انجماد اسپرم، تأثیر مثبتی بر پارامترهای اسپرم پس از انجماد خواهد داشت.
- ۶۹ در این تحقیق نشان داده شد که مقدار ۱۵۰ میکرومولار از داروی ویتکسین باعث کاهش پاتوژن سرطان سینه می شود.
- ۷۱ باوچنین ترکیبی با اثرات بیولوژیکی قوی است که سبب بروز سمیت سلولی در سلول های سرطانی می شود و این ترکیب به عنوان فلاوونوئیدی با اثرات ضد توموری قوی شناخته شده است.
- ۷۲ تعیین دوز وارفارین بر اساس تفاوت های ژنتیکی برای کاهش عوارض در بیماران قلبی ضروری است.
- ۷۴ ممانتین با تعدیل ترشح گلو تامات می تواند پیش آگهی درمان بیماران دارای رفتارهای خود آسیب رسان را بهبود دهد.
- ۷۶ ملاتنن و ال کارنیتین می توانند به کاهش آسیب های ناشی از دستکاری اسپرم طی پروسه انجماد و ذوب، کمک کند.

- دلائل سقط جنین در زنان متاهل ساکن استان قزوین به سه دسته (الف) رفتار زوجین، مشکلات سلامتی و روابط زوجین، (ب) تجربیات استرس زای مربوط به باروری زنان، و (ج) موقعیت های اجتماعی اقتصادی خانواده مرتبط بود. ۷۷
- رضایت زناشویی، مشوق های دولتی و اعتماد عمومی از جمله عواملی است که بر نگرش خانوار در جهت تصمیمات فرزندآوری موثر است. ۷۹
- در کودکان دچار کم‌وزنی، وضعیت اقتصادی خانواده، اشتغال والدین و عوارض دوران بارداری از عوامل مهم و اثرگذار هستند. ۸۰
- بین دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی در بیماران دیابتی و فراوانی عوارض مرتبط با دیابت ارتباط معنی دار و معکوس وجود داشت. یعنی بیماران دارای دسترسی پایین تر دارای فراوانی عوارض بیشتری بودند. ۸۲
- برآورد شیوع جهانی عفونت اسپیرومتر در مارها، قورباغه‌ها، سگ‌ها و گربه‌ها: اهمیت پیشگیری و کنترل در سیستم‌های آبی‌پروری. ۸۴
- شیوع جهانی انگل توکسوپلاسما گوندی در پرندگان ۲۴٪ است و بیشترین آلودگی در قوش‌ها، بوقلمون‌ها و مرغ‌ها دیده می‌شود. یافته‌ای که زنگ هشدار مهمی برای پایش و کنترل بیماری‌های مشترک انسان و حیوان است. ۸۹
- پیام کلیدی: ۸۹
- هم‌زمانی HIV و سل، خطر پیشرفت به AIDS را به‌طور جدی افزایش می‌دهد؛ در مقابل، درمان ترکیبی ضدویروسی (cART) بقا را به‌طور چشمگیری بهبود می‌بخشد. ۹۱
- افزایش هورمون پاراتیروئید در بیماران کرونایی بستری، خطر مرگ را به‌طور چشمگیری بالا می‌برد و ضرورت پایش این هورمون را برجسته می‌کند. ۹۴
- این پژوهش نشان می‌دهد lncRNA AWPPH با نقش مهم در رشد و گسترش سلول‌های سرطانی، می‌تواند به‌عنوان یک نشانگر تشخیصی و هدف درمانی در انواع سرطان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. ۹۶
- استفاده درست و هدفمند از مواد ضدعفونی‌کننده مناسب (اتانول) در بیمارستان، نقشی کلیدی در کاهش عفونت‌های بیمارستانی و جلوگیری از گسترش میکروب‌های مقاوم دارد. ۹۸
- وجود بلاستوسیتیس در حیوانات دریایی می‌تواند از طریق مصرف غذاهای خام یا آلوده، به‌عنوان یک منبع بالقوه انتقال بیماری به انسان عمل کند. ۹۹
- اگزوزوم‌های حاوی miRNA-۴۷۳۱ استخراج‌شده از سلول‌های بنیادی چربی، در آزمایشگاه توانسته‌اند رشد سلول‌های گلیوبلاستوما انسانی را مهار کنند و به‌عنوان یک رویکرد درمانی نوین مطرح شوند. ۱۰۱
- افراد مبتلا به اختلالات روانی بیش از افراد سالم در معرض عفونت‌های تک‌یاختگی قرار دارند و بالاترین شیوع در اختلالات عصبی-رشدی و با غالبیت انگل توکسوپلاسما گوندی گزارش شده است. ۱۰۳
- عصاره هیدروالکلی یک قارچ گانودرما لوسیدیوم با اثر ضدانگلی قابل توجه، می‌تواند گزینه‌ای امیدوارکننده برای مهار توکسوپلاسما گوندی در شرایط آزمایشگاهی باشد. ۱۰۵
- درمان سرطان با بهره‌گیری از باکتری‌ها و ویروس‌ها رویکردی نوین و امیدوارکننده است که با نفوذ به تومور و هدف‌گیری مستقیم سلول‌های سرطانی، می‌تواند محدودیت‌های روش‌های مرسوم را کاهش دهد. ۱۰۶
- گزارش‌ها نشان می‌دهد S. paucimobilis می‌تواند هم در افراد سالم و هم بیماران با ضعف ایمنی بیماری‌زا باشد و شناسایی آن همراه با الگوی مقاومت آنتی‌بیوتیکی، برای کنترل عفونت در بیماران بستری اهمیت زیادی دارد. ۱۰۷
- آلودگی آب شرب به آمیب‌های آزادزی و ضرورت فیلترینگ آب آشامیدنی برای کاهش خطرات بهداشتی. ۱۰۹
- محصولات لبنی در حفظ سلامت گردنه رحم در زنان موثر است. ۱۱۰

- شیوع قابل توجه کیست هیداتید در بیماران و دام‌های قزوین لزوم معدوم‌سازی احشاء آلوده دام‌ها و آموزش مردم برای پیشگیری از انتقال بیماری را
۱۱۲ برجسته می‌کند.
- شیوع و عوامل خطر بیماری کوکسیدیوز در طیور خانگی بر ضرورت به‌کارگیری راهبردهای پیشگیری و مدیریت مؤثر برای کنترل این بیماری تأکید
۱۱۳ می‌کند.

عنوان طرح تحقیقاتی: ارزیابی فراوانی پلی مورفیسم های (۲۸۵۴۷۴۴rs) ۳BP۲IGF و (۱۴۷۰۵۷۹rs, ۱۱۷۰۵۷۰۱rs) ۲BP۲IGF در زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کستیک مراجعه کننده به کلینیک زنان بیمارستان علی بن ابیطالب (ع) زاهدان
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

فاطمه منتظری فر، استاد علوم تغذیه، گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

سامان سرگزی استادیار بیوشیمی بالینی، گروه بیوشیمی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

مرضیه قاسمی دانشیار نازایی و IVF گروه زنان، دانشکده پزشکی مرکز تحقیقات سلامت بارداری بیمارستان علی ابن ابیطالب (ع) دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

منصور کرجی بانی استاد علوم تغذیه، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

فاطمه گواهی کاخکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

شناسایی دو نشانگر ژنتیکی کلیدی که خطر ابتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک را افزایش می دهند.

پیام کلیدی:

پلی مورفیسم های ۱۴۷۰۵۷۹rs و ۲۸۵۴۷۴۴rs می تواند به عنوان مارکر تشخیصی سندرم تخمدان پلی کیستیک تعریف شود.

متن پیام پژوهشی:

با توجه به شیوع بالای سندرم تخمدان پلی کیستیک (PCOS) به عنوان یک اختلال غدد درون ریز شایع در زنان و عوارض قابل توجه آن از قبیل ناهنجاری های تولید مثلی، مقاومت به انسولین، افزایش خطر ابتلا به دیابت نوع، دیس لیپیدمی آتروژنیک و اثرات متفاوت پلی مورفیسم های تک نوکلئوتیدی در ریسک ابتلا به بیماری های مولتی فاکتوریال در نژادها و قومیت های مختلف، این مطالعه با هدف ارزیابی فراوانی پلی مورفیسم های تک نوکلئوتیدی واقع در ژن های ۳IGFBP و ۲BP۲IGF و ریسک ابتلا به PCOS در شهر زاهدان انجام شد. نرخ رشد شیوع سندرم تخمدان پلی کیستیک رو به افزایش است و هزینه های تشخیصی تحمیلی به سیستم را افزایش می دهد لذا شناسایی مارکرهای تشخیصی این بیماری همچنان ضروری می باشد. بدیهی است شناخت این جایگاه های ژنی می تواند به افزایش درک پژوهشگران از مکانیسم های مولکولی دخیل در بروز این سندرم در زنان ایرانی و پزشکی شخصی سازی شده برای انتخاب الگوی درمانی و غذایی مناسب افراد کمک کند. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می گردد به شیوع سندرم تخمدان پلی کیستیک عوامل اثرگذار بر آن بخصوص ژنتیک بررسی شود.

تأثیرات و کاربردها:

شناسایی مارکرهای تشخیصی زود هنگام

محدودیت های شواهد:

ما به شواهد نسبتاً اطمینان داریم زیرا ارتباط معناداری بین پلی مورفیسم ۱۴۷۰۵۷۹rs و ۲۸۵۴۷۴۴rs و خطر سندرم تخمدان پلی کیستیک یافتیم البته جهت اطمینان کامل لازم است نتایج بدست آمده با مطالعه در جمعیت های با نژادهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

متخصصان و پژوهشگران، سیاستگذاران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
تبعات بهداشتی: با توجه به تأثیرات مثبت مداخلات بر سلامت، این پژوهش می تواند به کاهش بار بیماری ها کمک کند و در نتیجه سلامت عمومی جامعه را ارتقا دهد.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/jcla.25021>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

fmontazerifar@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Meier RK. Polycystic Ovary Syndrome. The Nursing clinics of North America. ۲۰۱۸ Sep; ۲۰-۴۰۷:(۳)۵۳ PubMed PMID: ۳۰۱۰۰۰۰۶. Epub ۲۰۱۸/۰۸/۱۴. eng.
2. Paoli A, Mancin L, Giacona MC, Bianco A, Caprio M. Effects of a ketogenic diet in overweight women with polycystic ovary syndrome. J Transl Med. ۲۰۲۰; ۱۸(۱):۱۰۴-. PubMed PMID: ۳۲۱۰۳۷۵۶. eng.
3. Escobar-Morreale HF. Polycystic ovary syndrome: definition, aetiology, diagnosis and treatment. Nature reviews Endocrinology. ۲۰۱۸ May; ۱۴(۵):۲۷۰-۸۴. PubMed PMID: ۲۹۵۶۹۶۲۱. Epub ۲۰۱۸/۰۳/۲۴. eng.
4. Lizneva D, Suturina L, Walker W, Brakta S, Gavrilova-Jordan L, Azziz R. Criteria, prevalence, and phenotypes of polycystic ovary syndrome. Fertility and sterility. ۲۰۱۶.



عنوان طرح تحقیقاتی: تعیین ویژگی ها و دلایل سلب امتیاز، وضعیت استنادی و کیفیت روش شناسی در مطالعات مرور نظام مند/ متاآنالیز سلب امتیاز شده

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

لیلا کیخا، استادیار مدیریت اطلاعات سلامت گروه کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده پیراپزشکی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
رضا حکیمی، مربی کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، گروه کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
آریتا شهرکی محمدی، استادیار کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، گروه کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
راضیه زاهدی انارکیدانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

بازنگری در طراحی و اجرای مطالعات مرور نظام مند ضروری است؛ در غیر این صورت کیفیت این پژوهش ها کاهش یافته و احتمال ریتراکت شدن آن ها افزایش می یابد.

پیام کلیدی:

لازم است در طراحی و اجرای مطالعات مرور نظام مند بازنگری انجام شود. در غیر این صورت کیفیت این مطالعات کاسته شده و منجر به افزایش موارد ریتراکت می شود.

متن پیام پژوهشی:

شواهد نشان می‌دهد که تعداد مقالات پس گرفته شده، به ویژه در پزشکی، در دهه‌های اخیر گسترش یافته است. کیفیت روش شناسی، انتخاب کلمات کلیدی مناسب و جستجوی جامع در مطالعات مرور نظام‌مند ضروری است، زیرا تفسیر نادرست نتایج این مطالعات می‌تواند بر کیفیت اقدامات پزشکی یا سلامتی بیماران؛ کیفیت و دقت روش شناختی مقالات SR نیز تاثیرگذار باشد. عدم توجه به کیفیت و نحوه اجرای مطالعات مرور نظام‌مند و در نتیجه افزایش ریتراکت مقالات موجب کاهش امتیاز فردی و سیستم دانشگاهی خواهد شد. لذا آموزش اجرای صحیح روش مطالعه امری ضروری است. شایع‌ترین دلایل بازپس‌گیری به ترتیب، بررسی‌های جعلی و داده‌های غیرقابل اعتماد بود. سردبیران و ناشران بیشترین درخواست کننده بازپس‌گیری بودند. بیشتر مطالعات مرور نظام‌مند باز پس گرفته شده در مجلاتی با ضریب تأثیر بالای ۲ منتشر شدند و کیفیت روش‌شناسی پایینی داشتند. نویسندگان و پژوهشگران مطالعات مرور نظام‌مند جهت کاهش خطر سوگیری و ناهمگونی باید مهارت‌های خود را در زمینه انتخاب کلمات کلیدی مناسب، جستجوی جامع با مشارکت یک کتابدار پزشکی ارتقاء دهند و همچنین برای انجام تحلیل‌های آماری از کارشناسان کمک بگیرید. علاوه بر این در نوشتن گزارش مقالات از اصول اخلاقی و دستورالعمل‌های موجود پیروی کنند.

تأثیرات و کاربردها:

برگزاری کارگاه‌های آموزشی روش اجرای مطالعات مرور نظام‌مند

کاهش ریتراکت مقالات و بهبود کیفیت مقاله

محدودیت‌های شواهد:

ما اطمینان داریم با آموزش و هدایت مناسب محققان، کیفیت مطالعات پژوهشی بهبود یافته و قطعاً میزان ریتراکت مقالات کاهش خواهد یافت.

مخاطبان طرح پژوهشی:

متخصصان و پژوهشگران، سیاست‌گذاران

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
تبعات قانونی: یافته‌های پژوهش می‌تواند بر تدوین یا اصلاح قوانین مرتبط با موضوع تأثیر بگذارد و نیاز به ایجاد سیاست‌های مؤثرتر را برجسته کند.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://systematicreviewsjournal.biomedcentral.com/articles/10.1186/s13643-023-02439-3>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

Azita.shahraki.m@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Wager E, Barbour V, Yentis S, Kleinert S. Retractions: guidance from the Committee on Publication Ethics (COPE)/Retraksiyonlar: Yayin Etigi Komitesi (COPE) kilavuzu. Anadolu Kardiyoloji Dergisi: AKD. ۲۰۰۹;۹(۶):۴۴۷.
2. Moylan EC, Kowalczyk MK. Why articles are retracted: a retrospective cross-sectional study of retraction notices at BioMed Central. BMJ open. ۲۰۱۶;۶(۱۱):e۰۱۲۰۴۷.
3. Budd JM, Coble Z, Abritis A. An investigation of retracted articles in the biomedical literature. Proceedings of the Association for Information Science and Technology. ۲۰۱۶;۵۳(۱):۱-۹.
4. Stern A, Casadevall A, Steen R, Fang F. Financial costs and personal consequences of research misconduct resulting in retracted publications. Rodgers P, editor. Elife. eLife Sciences Publications, Ltd; ۲۰۱۴.



عنوان طرح تحقیقاتی: ارزیابی فراوانی پلی مورفیسم های ژن (rs33989964, rs33932899, rs243327) در زنان مبتلا به سندروم تخمدان پلی کیستیک مراجعه کننده به بیمارستان علی بن ابیطالب (ع) زاهدان
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

منصور کرجی بانی، استاد علوم تغذیه، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
سامان سرگزی، استادیار بیوشیمی بالینی، گروه بیوشیمی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
مرضیه قاسمی، دانشیار نازایی و IVF گروه زنان، دانشکده پزشکی مرکز تحقیقات سلامت بارداری بیمارستان علی ابن ابیطالب (ع) دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
فرزانه منتظری فر، استاد علوم تغذیه، گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
نیلوفر رخشانی زاده، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

عنوان پیام پژوهشی:

پژوهشگران، دو نشانگر ژنتیکی را شناسایی کردند که خطر ابتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک را کاهش می دهند .
پیام کلیدی:

پلی مورفیسم های rs33989964, rs33932899, rs243327 می تواند به عنوان مارکر تشخیصی سندروم تخمدان پلی کیستیک تعریف شود. با توجه به شیوع سندرم تخمدان پلی کیستیک عوامل اثرگذار بر آن بخصوص ژنتیک بررسی شود. بدیهی است شناخت این جایگاه های ژنی می تواند به افزایش درک پژوهشگران از مکانیسم های مولکولی دخیل در بروز این سندروم در زنان ایرانی و پزشکی شخصی سازی شده برای انتخاب الگوی درمانی و غذایی مناسب افراد کمک کند. نرخ رشد شیوع سندرم تخمدان پلی کیستیک رو به افزایش است و هزینه های تشخیصی تحمیلی به سیستم را افزایش می دهد لذا شناسایی مارکرهای تشخیصی این بیماری همچنان ضروری می باشد. نتایج این تحقیق نشان داد که ارتباط مثبتی بین rs33989964 و خطر سندرم تخمدان پلی کیستیک و ارتباط منفی بین rs243327 و rs33932899 و خطر سندرم تخمدان پلی کیستیک وجود دارد. بررسی ارتباط پلی مورفیسم های rs33989964, rs33932899, rs243327 به عنوان مارکر تشخیصی سندرم تخمدان پلی کیستیک در جوامع مختلف

تأثیرات و کاربردها:

شناسایی مارکرهای تشخیصی زود هنگام

محدودیت های شواهد:

ما به شواهد نسبتاً اطمینان داریم زیرا ارتباط معناداری بین پلی مورفیسم rs243327, rs33932899, rs33989964 و خطر ابتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک یافتیم البته جهت اطمینان کامل لازم است نتایج بدست آمده با مطالعه در جمعیت های با نژادهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

متخصصان و پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
تبعات بهداشتی: با توجه به تأثیرات مثبت مداخلات بر سلامت، این پژوهش می تواند به کاهش بار بیماری ها کمک کند و در نتیجه سلامت عمومی جامعه را ارتقا دهد.

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

۱. Oz Gul O, Cander S, Gul CB, Budak F, Oral B, Ersoy C. Cytokine signal suppressor (SOCS) ۱-۱۴۷۸ CA/del gene polymorphism in Turkish patients with polycystic ovary syndrome. Journal of Obstetrics and Gynaecology. ۲۰۱۷;۳۷(۷):۸۹۶-۹۰۱.
۲. Khan MJ, Ullah A, Basit S. Genetic basis of polycystic ovary syndrome (PCOS): current perspectives. The application of clinical genetics. ۲۰۱۹;۱۲:۲۴۹.
۳. Rostamtabar M, Esmaeilzadeh S, Tourani M, Rahmani A, Bae M, Shirafkan F, et al. Pathophysiological roles of chronic low-grade inflammation mediators in polycystic ovary syndrome. Journal of cellular physiology. ۲۰۲۱;۲۳۶(۲):۸۲۴-۳۸.
۴. Fauser BC, Tarlatzis BC, Rebar RW, Legro RS, Balen AH, Lobo R, et al. Consensus on women's health aspects of polycystic ovary syndrome (PCOS): the Amsterdam ESHRE/ASRM-Sponsored ۳rd PCOS Consensus Workshop Group. Fertility and sterility. ۲۰۱۲;۹۷(۱):۲۸-۳۸. e۲۵



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی میزان استفاده از تلفن هوشمند توسط دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

افسانه کریمی، دانشیار مدیریت اطلاعات سلامت، گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

جهان پور علی پور، دانشیار مدیریت اطلاعات سلامت، گروه مدیریت اطلاعات سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

علی علی آبادی، استادیار فناوری اطلاعات، گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
مریم رفیعی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

دانشجویان از تلفن های هوشمند بیشتر در امور عمومی، امور آموزشی و تخصصی و امور بالینی استفاده می کردند.

پیام کلیدی:

لازم است آموزش مناسب جهت کاربری تلفن های هوشمند در حوزه های تخصصی و تحصیلی و آموزش در اختیار دانشجویان قرار بگیرد.

متن پیام پژوهشی:

با توجه به رشد فزاینده کاربرد گوشی های هوشمند توسط دانشجویان پزشکی برای مقاصد شخصی و حرفه ای و برای اطمینان از توسعه اپلیکیشن های کارآمد و مرتبط و ایجاد محتوای مناسب، شناسایی کاربردهای رایج گوشی های هوشمند ضروری به نظر می رسد. با توجه به رشد فزاینده کاربرد گوشی های هوشمند توسط دانشجویان پزشکی برای مقاصد شخصی و حرفه ای و برای اطمینان از توسعه اپلیکیشن های کارآمد و مرتبط و ایجاد محتوای مناسب، شناسایی کاربردهای رایج گوشی های هوشمند ضروری به نظر می رسد. دانشجویان از تلفن های هوشمند بیشتر در امور عمومی، امور آموزشی و تخصصی و امور بالینی استفاده می کردند. کمترین کاربرد گوشی های هوشمند در امور آموزشی مربوط به شرکت در همایش ها و

سمینارهای علمی، جستجوی منابع کتابخانه‌ای در کتابخانه دانشکده و تمدید مهلت امانت الکترونیکی کتاب‌های امانتی از کتابخانه دانشگاه بود. در امور بالینی کمترین کاربرد گوشی‌های هوشمند مربوط به تهیه و ارسال محتوای آموزشی برای بیماران بستری و تریخیص شده بود. با توجه به نتایج این تحقیق، برگزاری کارگاه‌های آموزشی معرفی وب سایت کتابخانه دانشگاه و نحوه استفاده از آن با استفاده از گوشی‌های هوشمند، تشویق دانشجویان به شرکت در همایش‌ها و سمینارهای علمی و ایجاد محتوای آموزشی مناسب و با کیفیت برای بیماران با استفاده از تلفن هوشمند و ارسال آنها را به بیماران برای بهبود کیفیت درمان باید در نظر گرفته شود.

تأثيرات و کاربردها:

بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان

کاهش، عوارض، ناشی، از تلفن‌های هوشمند

محدودیت‌های شواهد:

ما اطمینان داریم با آموزش مناسب کارآرایی‌های تلفن‌های هوشمند کیفیت تحصیلی و تخصصی دانشجویان بهبود خواهد یافت.

مخاطبان طرح پژوهشی:

رسانه ها و مردم، سیاستگذاران

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as_sdt%2F%3D&q=The+Most+Common+Uses+of+Smartphones+among+Medical+Interns+and+Residents+in+Iran%2F+A+A+Cross-Sectional+Study+at+Zahedan+University+of+Medical+Sciences&btnG=https://doi.org/10.22034/jmlis.v4i1.44444

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

afsanehkarami۲۰۱۴@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Varmaghani M ,Varmaghani S. Mobile health services: past, present, future. Education Strategies in Medical Sciences. ۲۰۱۷.
۲. RodriguezRios A, EspinozaTellez G ,MartinezEzquerro JD, RendonMacias ME. Information and communication technology, mobile devices ,and medical education. J Med Syst ۲۰۲۰.
۳. Ellaway R. The informal and hidden curricula of mobile device use in medical education. Med Teach ۲۰۱۴.
۴. Klímová B .Mobile learning in medical education. J Med Syst ۲۰۱۸ .



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی وضعیت ادراک بیماران مراجعه کننده به بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان نسبت به نسخه نویسی الکترونیک در سال ۱۴۰۲

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

افسانه کریمی، دانشیار مدیریت اطلاعات سلامت، گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
جهان پور علی پور، دانشیار مدیریت اطلاعات سلامت، گروه مدیریت اطلاعات سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
جاوید دهقان حقیقی، دانشیار پزشکی اجتماعی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
مهرناز هاشم زهی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

بیماران رضایت کلی بالایی از سیستم نسخه نویسی الکترونیک داشته و تجربه‌ی مثبتی با آن گزارش کرده‌اند.

پیام کلیدی:

سیستم نسخه نویسی الکترونیک برای بیماران خوشایند و مورد اقبال می‌باشد.

متن پیام پژوهشی:

سیستم‌های نسخه نویسی الکترونیک (e-prescribing system) پتانسیل افزایش کیفیت مراقبت و کاهش هزینه‌ها را دارند. به طور رسمی، از ۲۲ دسامبر ۲۰۲۱، نسخه نویسی الکترونیکی در ایران اجباری شده است. این مطالعه با هدف بررسی ادراک بیماران از سیستم تجویز الکترونیکی انجام شد. مطالعه توصیفی-تحلیلی مقطعی در سال ۱۴۰۲ انجام شد. نمونه پژوهش شامل ۳۹۴ بیمار مراجعه کننده به داروخانه‌های پنج بیمارستان آموزشی بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برآورد شد. جمع آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته انجام شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد) و تحلیلی (همبستگی پیرسون و اسپیرمن، آنالیز واریانس یک طرفه و t-test) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

حدود ۸۵ درصد از بیماران از سیستم نسخه نویسی الکترونیکی آگاهی داشتند و ۷۰ درصد آنها نسخه نویسی الکترونیک را ترجیح دادند. تقریباً ۵۷ درصد از بیماران معتقد بودند که تجویز الکترونیکی تأثیری بر پایداری آنها به دارو ندارد. میانگین نمره رضایت بیماران از نسخه نویسی الکترونیکی، نگرش بیماران نسبت به نسخه نویسی الکترونیکی و تأثیر تجویز الکترونیکی بر مراقبت از بیمار به ترتیب $3/91 \pm 0/046$ ، $3/45 \pm 0/028$ و $3/10 \pm 0/050$ از ۵ بود. بین تأثیر نسخه نویسی الکترونیکی بر مراقبت از بیمار و نگرش بیماران نسبت به نسخه نویسی الکترونیکی همبستگی معنادار وجود داشت. علاوه بر این، بین رضایت بیمار با تأثیر تجویز الکترونیکی بر مراقبت از بیمار و نگرش بیماران نسبت به تجویز الکترونیکی همبستگی معنادار اما ضعیف وجود دارد.

اکثر بیماران نسبت به سیستم نسخه نویسی الکترونیکی آگاهی داشتند و ترجیح می‌دادند نسخه الکترونیکی برای آن‌ها استفاده شود. بدلیل مشکلات نسخه نویسی دستی و سنتی استفاده از سیستم نسخه نویسی الکترونیک می‌تواند موجب افزایش کیفیت مراقبت و کاهش هزینه‌ها شود. بیماران رضایت کلی مثبت و همچنین ادراکات و تجربیات نسبتاً مثبتی را از سیستم نسخه نویسی الکترونیک مورد ارزیابی گزارش کردند. از دیدگاه بیماران، دریافت کد رهگیری نسخه الکترونیکی از طریق پیامک محبوب‌ترین روش برای ردیابی نسخه‌های آنها بود. تمرکز بیشتر بر مشارکت بیمار و در نظر گرفتن الزامات و نیازهای آنها در سیستم برای بهبود ارائه مراقبت بیمار محور بسیار مهم است.

تأثیرات و کاربردها:

افزایش کیفیت مراقبت و کاهش هزینه‌ها

توسعه سیستم نسخه نویسی الکترونیک

محدودیت‌های شواهد:

ما اطمینان داریم با افزایش سیستم نسخه نویسی الکترونیک، کیفیت مراقبت افزایش یافته و کاهش هزینه‌ها را خواهیم داشت.

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه دهندگان خدمات سلامت، مدیران، سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
نتایج این پژوهش می‌تواند به شناسایی نیازهای خاص یک یا چند گروه از جامعه کمک کند و به توسعه برنامه‌های حمایتی منجر شود که به کاهش مشکلات اجتماعی در گروه‌های آسیب‌پذیر کمک می‌کند.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S1386505623003003?via=ihub>

Doi: <https://doi.org/10.1016/j.ijmedinf.2023.105282>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

afsanehkarimi2014@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Savari E, Ajami S. Electronic Prescription and Medication Errors. Health Information Management. ۲۰۱۵.
2. Wrzosek N, Zimmermann A, Balwicki Ł. A Survey of Patients' Opinions and Preferences on the Use of E-Prescriptions in Poland. International journal of environmental research and public health. ۲۰۲۱.
3. Samadbeik M, Ahmadi M, Sadoughi F, Garavand A. Developing a Multifaceted Evaluation Tool for Electronic Prescribing System: A Study from a Developing Country. Iranian Journal of Pharmaceutical Research. ۲۰۲۲.
4. Brundin-Mather R, Soo A, Zuege DJ, Niven DJ, Fiest K, Doig CJ, et al. Secondary EMR data for quality improvement and research: a comparison of manual and electronic data collection from an integrated critical care electronic medical record system. Journal of critical care. ۲۰۱۸.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی تاثیر آموزش بر عملکرد ایمن پرستاران در بخش‌های مراقبت ویژه نوزادان بیمارستان علی بن ابیطالب زاهدان در سال ۱۴۰۲

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

نسرين محمودی، مربی، کارشناسی ارشد مراقبت ویژه نوزادان، گروه پرستاری کودکان، مرکز تحقیقات پرستاری جامعه، دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

آموزش ایمنی پرستاران در بخش مراقبت ویژه نوزادان، عملکرد آن‌ها را بهبود می‌بخشد.

پیام کلیدی:

لازم است پرستاران در بخش‌های مراقبت ویژه نوزادان همواره آموزش‌های لازم را دریافت کنند.

متن پیام پژوهشی:

یکی از مهمترین وظایف و دغدغه های سیاستگذاران و برنامه ریزان خدمات سلامت، کاهش مدت زمان بستری به جهت جلوگیری از بار مالی وارده به پیکر نظام سلامت می باشد، بدین منظور بررسی های اعتبار بخشی بیش از پیش با دقت و در کمال صحت انجام می گیرد و یکی از مولفه های بسیار مهم در اعتبار بخشی نیز ایمنی بیمار می باشد که به نسبت گذشته توجه ویژه ای را می طلبد و از آنجایی که یکی از ارکان مهم ارائه خدمات سلامت به مراجعه کنندگان مراکز درمانی، پرستاران می باشند لذا ارتقا عملکرد ایمن در آنها از موارد مهم در بیمارستان ها می باشد. بنابراین به جهت ارتقا سطح عملکرد ایمن پرستاران، برگزاری دوره های آموزش مداوم در این باره و همچنین دوره های بازآموزی باید توسط مدیران آموزشی مورد توجه قرار گیرد. یکی از مهمترین وظایف و دغدغه های سیاستگذاران و برنامه ریزان خدمات سلامت، کاهش مدت زمان بستری به جهت جلوگیری از بار مالی وارده به پیکر نظام سلامت می باشد لذا آموزش مناسب عملکرد ایمن پرستاران در بخش های مراقبت ویژه نوزادان را می تواند بهبود بخشد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که با برگزاری کارگاه های آموزشی در رابطه با کنترل عفونت و سایر موارد مربوط به ایمنی چون سقوط، دارو و ... می توان تاثیر به سزایی در ارتقای عملکرد ایمن پرستاران داشت. این روش با امکاناتی مختصر چون تعیین رابط آموزشی در بخش ها قابلیت اجرا داشته و مقرون به صرفه نیز می باشد و در نهایت سبب کاهش بار اقتصادی وارده به سیستم های درمانی خواهد شد. از کاربرد نتایج طرح می توان به برگزاری کارگاه های آموزشی و کنترل عملکرد پرستاران اشاره کرد.

تأثیرات و کاربردها:

کاهش بار اقتصادی وارده به سیستم های درمانی

محدودیت های شواهد:

ما اطمینان داریم با برنامه های آموزشی مناسب می توان بار اقتصادی وارده به سیستم های درمانی کمتر کرد و عملکرد ایمن پرستاران در بخش های مراقبت ویژه نوزادان را بهبود بخشید.

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه دهندگان خدمات سلامت، مدیران، سیاستگذاران، برنامه ریزان

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
تبعات بهداشتی: با توجه به تأثیرات مثبت مداخلات بر سلامت، این پژوهش می تواند به کاهش بار بیماری ها کمک کند و در نتیجه سلامت عمومی جامعه را ارتقا دهد.

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

Mahmoodi.088@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Arshadi Bostanabad M, Jebreili M. Patient safety culture assessment in neonatal intensive care units of Tabriz from the perspective of nurses in ۲۰۱۳. Iranian Journal of Nursing Research. ۲۰۱۵; ۱۰(۳): ۲۶-۳۵. Persian.
2. Khalksar A, Abbasi M. The impact of SBAR communication model on observance of patient safety culture by nurses of the emergency department of Shahid Beheshti Hospital in Qom in ۱۳۹۶. Iranian Journal of Nursing Research. ۲۰۲۰.
3. Molaee M, Karbandi S, Boskabadi H, Esmaeily H. The effects of massage on intra ventricular hemorrhage in preterm infants in the neonatal intensive care unit. Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences. ۲۰۱۶.
4. Kaleci E, Arslan FT. Patient safety related implementations of nurses working in the neonatal intensive care unit and related factors. J Pediatr Res. ۲۰۲۰.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی فراوانی اخبار خودکشی منتشر شده در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های ملی در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ و انطباق آن با راهنمای چاپ اخبار خودکشی در رسانه‌ها: یک مطالعه پیگیر

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۴/۱/۲۶

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

حسن احمدی نیا، استادیار آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران.
دکتر محسن رضاییان، استاد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول)

عبدالله رحمانی، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران.
مهديه نبردی، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

نحوه گزارش اخبار خودکشی در رسانه‌ها باید مسئولانه‌تر باشد تا از تشویق رفتارهای خودکشی تقلیدی جلوگیری شود.

پیام کلیدی:

گزارش اخبار خودکشی در رسانه‌های ایران هنوز با استانداردهای بین‌المللی تطابق کامل ندارد و در برخی موارد، این گزارش‌ها می‌تواند به انتشار اخبار هیجان‌انگیز یا بزرگنمایی شده منجر شود که می‌تواند تأثیر منفی بر رفتارهای خودکشی‌گونه در جامعه داشته باشد. پیشنهاد می‌شود که رسانه‌ها و خبرنگاران با آگاهی بیشتر از دستورالعمل‌های بین‌المللی در خصوص گزارش‌دهی اخبار خودکشی عمل کنند. برگزاری کارگاه‌ها و وبینارهای آموزشی برای پرسنل رسانه‌ها، سردبیران و ویراستاران و اجرای برنامه‌های نظارتی می‌تواند بسیار مفید باشد.

متن پیام پژوهشی:

گزارش‌های غیرمسئولانه خودکشی در رسانه‌ها می‌تواند منجر به افزایش رفتارهای خودکشی تقلیدی در افراد آسیب‌پذیر شود. توجه به شیوه‌های صحیح و مسئولانه در انتشار اخبار خودکشی، به ویژه با توجه به دستورالعمل‌های بین‌المللی، می‌تواند به کاهش این خطرات کمک کند. این مطالعه بر لزوم آموزش خبرنگاران و مسئولان رسانه‌ها و نیز نظارت دقیق‌تر بر نحوه پوشش اخبار خودکشی تأکید دارد تا از آسیب‌های احتمالی به سلامت روانی جامعه جلوگیری شود.

گزارش اخبار خودکشی در رسانه‌های ایران هنوز با استانداردهای بین‌المللی تطابق کامل ندارد و در برخی موارد، این گزارش‌ها می‌تواند به انتشار اخبار هیجان‌انگیز یا بزرگنمایی شده منجر شود که می‌تواند تأثیر منفی بر رفتارهای خودکشی‌گونه در جامعه داشته باشد. ضروری است رسانه‌ها و خبرنگاران با آگاهی بیشتر از دستورالعمل‌های بین‌المللی در خصوص گزارش‌دهی اخبار خودکشی عمل کنند. و انتشار اخبار خودکشی با دقت و مسئولیت بیشتری صورت گیرد.

موارد کاربرد نتایج طرح

در شهرستان رفسنجان: دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان: از جمله مسئولین دانشگاه که در حوزه بهداشت روان و سلامت جامعه فعالیت دارند و می‌توانند از نتایج این مطالعه برای تدوین برنامه‌های آموزشی و پیشگیری استفاده کنند.

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان رفسنجان: که نقش مهمی در نظارت بر رسانه‌ها و آموزش خبرنگاران در زمینه اصول اخلاقی و استاندارد های خبری دارد.

سازمان‌های بهداشتی و درمانی شهرستان رفسنجان: از جمله بیمارستان‌ها و مراکز مشاوره روان‌شناسی که می‌توانند برای ارتقای سلامت روانی جامعه و کاهش آسیب‌های ناشی از گزارش‌های نادرست خودکشی، از این نتایج استفاده کنند.

مراکز مشاوره و روان‌شناسی رفسنجان: که ممکن است نتایج تحقیق به‌ویژه در رابطه با تأثیرات گزارشگری خودکشی بر افراد آسیب‌پذیر به کمک مشاوران و روان‌شناسان بیاید.

نهادهای اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی (NGOs): که در زمینه سلامت روانی و پیشگیری از خودکشی فعالیت می‌کنند، می‌توانند این نتایج را در برنامه‌های خود به کار ببرند.

در سطح کشور وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: به‌ویژه بخش سلامت روان که می‌تواند نتایج این تحقیق را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های پیشگیری از خودکشی در رسانه‌ها استفاده کند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: به‌ویژه در بخش نظارت بر رسانه‌ها و توسعه دستورالعمل‌های خبری برای تضمین گزارشگری مسئولانه. خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ملی و محلی: برای ایجاد تغییرات در نحوه گزارش‌گری اخبار خودکشی و آموزش خبرنگاران و ویراستاران به‌منظور کاهش پیامدهای منفی آن.

سازمان‌های مردم‌نهاد و تخصصی (NGOs) در زمینه بهداشت روانی و خودکشی: مانند انجمن‌های پیشگیری از خودکشی و سلامت روان که می‌توانند نتایج تحقیق را در آموزش‌های عمومی و برنامه‌های پیشگیرانه به کار برند.

پژوهشگران و دانشگاه‌ها: به‌ویژه گروه‌های روان‌شناسی، علوم اجتماعی و رسانه که می‌توانند از این نتایج برای مطالعات آینده و برنامه‌ریزی‌های تحقیقاتی استفاده کنند.

سازمان صدا و سیما: برای بهبود کیفیت و دقت در نحوه پوشش اخبار خودکشی و تلاش در راستای پیشگیری از رفتارهای خودکشی تقلیدی.

تأثیرات و کاربردها:

در سطح شهرستان: بکارگیری نتایج توسط اداره بهداشت روان حوزه معاونت بهداشتی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، بیمارستان‌ها و مراکز مشاوره و روزنامه نگاران و خبرنگاران در راستای اجرای برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی و افزایش نظارت‌ها، استفاده از نتایج در راستای سیاست‌گذاری برنامه‌های پیشگیری از خودکشی توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، استفاده از نتایج توسط خبرگزاری و رسانه‌های ملی با هدف تغییر در نحوه گزارش‌دهی و استانداردسازی گزارشات خودکشی، بکارگیری نتایج توسط سازمان‌های مردم‌نهاد، پژوهشگران برای اجرای برنامه‌های آموزش عمومی و انجام تحقیقات.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

بررسی روزنامه‌های ملی و عدم بررسی روزنامه‌های محلی و کانال‌های اجتماعی

مخاطبان طرح پژوهشی:

دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

سازمان‌های بهداشتی و درمانی

مراکز مشاوره و روان‌شناسی

نهادهای اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی (NGOs)

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ملی و محلی

پژوهشگران و دانشگاه

سازمان صدا و سیما

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟

خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

https://journal.rums.ac.ir/browse.php?a_id=۷۲۴۴&slc_lang=fa&sid=۱&printcase=۱&hbnr=۱&hmb=۱

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

h.ahmadinia@gmail.com

moeygmr۲@yahoo.co.uk

منابع و مراجع:

۱. Nabardi M, Vazirinejad R, Ahmadinia H, Rahmani A, Rezaeian M. A Survey on the Frequency of Suicide News Published in Newspapers and National News Agencies in Iran in the Year of ۲۰۱۸ and Its Concordance with the Suicide News Publishing Guideline in the Media. JSP ۲۰۲۱.
۲. McTernan N, Spillane A, Cully G, Cusack E, O'Reilly T, Arensman E. Media reporting of suicide and adherence to media guidelines. IJSP ۲۰۱۸.
۳. Wu C -Y, Lee M -B, Liao S -C, Chan C -T, Chen C - Y. Adherence to World Health Organization guideline on suicide reporting by media in Taiwan: A surveillance study from ۲۰۱۰ to ۲۰۱۸ JFMA ۲۰۲۱.
۴. Chandra PS, Doraiswamy P, Padmanabh A, Philip M. Do newspaper report of suicides comply with standard suicide reporting guidelines? A study from Bangalore, India. IJSP ۲۰۱۴.
۵. Pirkis J, Francis C, Pirkis J, Francis C, Warwick Blood R, Burgess P, et al. Reporting of suicide in the Australian media. ANZJP ۲۰۰۲.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط تیتراژ آنتی بادی هلیکوباکتر پیلوری با دیابت نوع دو در مراجعه کنندگان به بیمارستان بهلول گناباد

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

دکتر جعفر حاجوی، گروه ایمنوولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
دکتر علیرضا محمدزاده، گروه میکروبیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
دکتر سید حسین ابطی، گروه بیوشیمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
خانم نسیم خواجهیان، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

افراد مبتلا به دیابت بیشتر در معرض عفونت هلیکوباکتر پیلوری هستند و نیاز به غربالگری و درمان ویژه دارند.

پیام کلیدی:

عفونت هلیکوباکتر پیلوری در افراد دیابتی نسبت به افراد غیر دیابتی، شایع تر می باشد. بنابراین این افراد از نظر هلیکوباکتر پیلوری باید غربالگری شده و مشاوره و آموزش مناسب در جهت ریشه کنی عفونت هلیکوباکتر پیلوری، دریافت کنند.

متن پیام پژوهشی:

عفونت هلیکوباکتر پیلوری به عنوان یکی از مشکلات بهداشتی در دنیا شناخته می شود و همزمانی آن با دیابت باعث بروز مشکلات بهداشتی و اقتصادی فراوان در جوامع مختلف گردیده است. نتایج نشان داد که در مطالعه حاضر ۷۱/۴ درصد از مبتلایان به دیابت نوع ۲، سابقه ابتلا یا برخورد با باکتری هلیکوباکتر پیلوری را داشته اند. و از طرف دیگر افرادی که سابقه برخورد با این باکتری را داشته باشند، شانس بالاتری برای ابتلا به دیابت

نوع دو، دارند. چون عفونت هلیکوباکتر پیلوری در افراد دیابتی نسبت به افراد غیر دیابتی، شایع تر می باشد. بنابراین این افراد از نظر هلیکوباکتر پیلوری باید غربالگری شده و مشاوره و آموزش مناسب در جهت ریشه کنی عفونت هلیکوباکتر پیلوری، دریافت کنند. عفونت هلیکوباکتر پیلوری در افراد دیابتی نسبت به افراد غیر دیابتی، شایع تر می باشد. بنابراین این افراد از نظر هلیکوباکتر پیلوری باید غربالگری شده و مشاوره و آموزش مناسب در جهت ریشه کنی عفونت هلیکوباکتر پیلوری، دریافت کنند. بررسی ارتباط تیتراژ آنتی بادی هلیکوباکتر پیلوری با دیابت نوع دو در مراجعه کنندگان به بیمارستان بهلول گناباد از می تواند از موارد کاربرد نتایج طرح باشد.

تأثیرات و کاربردها:

بررسی ارتباط تیتراژ آنتی بادی هلیکوباکتر پیلوری با دیابت نوع دو در مراجعه کنندگان به بیمارستان بهلول گناباد

محدودیت های شواهد: ندارد

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاستگذاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://publish.kne-publishing.com/index.php/SSU/article/view/۱۳۹۴۶>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

hajavi.jaf@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Bener A, Micallef R, Afifi M, Derbala M, Al-Mulla HM, Usmani MA. Association Between Type ۲ Diabetes Mellitus and Helicobacter Pylori Infection. Turk J Gastroenterol , ۲۰۰۷.
۲. Pounder RE, Ng D. The Prevalence of Helicobacter Pylori Infection in Different Countries. Aliment Pharmacol Ther ; ۱۹۹۵. Suppl ۲: ۳۳-۹
۳. Darvishi M, Forootan M. Azmodeh O, Forootan M, Matinfar H. Studying the Frequency of elicobacter Pylori Infection among Women Suffering from Polycystic Ovary Resorting to Hospital Infertility Center. Biomedical and Pharmacology Journal ۲۰۱۷.
۴. Yavasoglu I, Kucuk M, Cildag B, Arslan E. Gok M, Kafkas S. A Novel Association between Polycystic Ovary Syndrome and Helicobacter Pylori. Am J Med Sci ۲۰۰۹.



عنوان طرح تحقیقاتی: مقایسه ویژگی های اشتعال پذیری، آکوستیکی، جذب رطوبت و مورفولوژیکی الیاف پشم حیوانی و باگاس نیشکر

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

محمد حسین بهشتی، گروه بهداشت حرفه ای، انشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

اکرم تبریزی، گروه بهداشت حرفه ای، انشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

علی فیروزی چاهک، گروه بهداشت حرفه ای، انشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

مصطفی جعفری زاوه، گروه بهداشت حرفه ای، انشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

روح اله حاجی زاده، گروه بهداشت حرفه‌ای، انشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

عایق‌های مصنوعی ساختمانی سمی هستند؛ الیاف طبیعی جایگزین سالم‌تری محسوب می‌شوند

پیام کلیدی:

عایق فعلی مورد استفاده در ساخت و ساز، یک ماده مصنوعی است که می‌تواند با انتشار مواد سمی مانند بنزن، فرمالدئید و سایر ترکیبات آلی فرار خطرناک (VOCs) بر سلامت و رفاه انسان تأثیر بگذارد. الیاف طبیعی ممکن است جایگزین خوبی برای جاذب‌های صوتی مصنوعی در ساختمان‌ها باشد.

متن پیام پژوهشی:

استفاده از ضایعات کشاورزی و الیاف طبیعی اثرات زیست محیطی را به حداقل می‌رساند و می‌تواند شرایط صوتی و حرارتی ساختمان‌ها را بهبود بخشد. الیاف طبیعی می‌توانند جایگزینی برای مواد جذب کننده صدا مصنوعی غیرقابل تخریب باشند. در این مطالعه، پنج ماده عایق مختلف ساخته شده از پشم گوسفند، پشم شتر، الیاف بز، مغز و الیاف باگاس نیشکر بر اساس جذب صوتی، رسانایی و مقاومت حرارتی، جذب رطوبت و خواص آتش‌نشانی تهیه و مورد آزمایش قرار گرفت. نمونه عایق پشم شتر بهترین خاصیت جذب صوتی، عایق حرارتی و مقاومت در برابر آتش را نشان داد. بیش از ۷۰ درصد از نویز را جذب می‌کند. با این حال، جذب رطوبت بالا یک اشکال عمده است که می‌تواند عملکرد آن را در شرایط رطوبت بالا کاهش دهد. مواد عایق ساخته شده از پشم خواص آتش بهترین نسبت به مغز و الیاف باگاس دارند. الیاف طبیعی ممکن است جایگزین خوبی برای جاذب‌های صوتی مصنوعی در ساختمان‌ها باشد. در این تحقیق، پنج ماده عایق مختلف ساخته شده از پشم گوسفند، پشم شتر، الیاف بز، مغز و الیاف باگاس نیشکر بر اساس جذب صوتی، رسانایی و مقاومت حرارتی، جذب رطوبت و خواص آتش‌نشانی تهیه و مورد آزمایش قرار گرفت. نمونه عایق پشم شتر بهترین خاصیت جذب صوتی، عایق حرارتی و مقاومت در برابر آتش را نشان داد. بیش از ۷۰ درصد از نویز تصادفی (۶۳-۶۳۰۰ هرتز) را جذب می‌کند. با این حال، جذب رطوبت بالا یک اشکال عمده است که می‌تواند عملکرد آن را در شرایط رطوبت بالا کاهش دهد. مواد عایق ساخته شده از پشم خواص آتش بهترین نسبت به مغز و الیاف باگاس دارند. پشم یک الیاف ضد شعله است. با این حال، پشم ساختار پروتئینی دارد و به احتمال زیاد توسط کپک مورد حمله قرار نمی‌گیرد، اما اصلاح شیمیایی برای جلوگیری از حملات حشرات و انگل‌ها ضروری است. در نتیجه، عایق فعلی مورد استفاده در ساخت و ساز، یک ماده مصنوعی است که می‌تواند با انتشار مواد سمی مانند بنزن، فرمالدئید و سایر ترکیبات آلی فرار خطرناک (VOCs) بر سلامت و رفاه انسان تأثیر بگذارد. الیاف طبیعی ممکن است جایگزین خوبی برای جاذب‌های صوتی مصنوعی در ساختمان‌ها باشد. موارد کاربرد نتایج طرح عبارت است از:

- تعیین هدایت و مقاومت حرارتی
- تعیین میزان جذب رطوبت
- تعیین ویژگی‌های اشتعال‌پذیری
- تعیین ویژگی‌های ساختاری
- تأثیرات و کاربردها:
- تعیین هدایت و مقاومت حرارتی
- تعیین میزان جذب رطوبت
- تعیین ویژگی‌های اشتعال‌پذیری
- تعیین ویژگی‌های ساختاری

محدودیت‌های شواهد:

تهیه وسایل اندازه‌گیری‌های مورد نظر

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، پژوهشگران، مردم
آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/15440478.2023.2237675>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

beheshtihasan@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Ahmed, A., and A. Qayoum. Investigation on the thermal degradation, moisture absorption characteristics and antibacterial behavior of natural insulation materials. *Materials for Renewable and Sustainable Energy*. ۲۰۲۱.
2. Asdrubali, F., F. D'Alessandro, and S. Schiavoni. ۲۰۱۵. A review of unconventional sustainable building insulation materials. *Sustainable Materials and Technologies*. ۲۰۱۵.
3. Asis, P., M. Mvubu, S. Muniyasamy, A. Botha, and R. D. Anandjiwala. Thermal and sound insulation materials from waste wool and recycled polyester fibers and their biodegradation studies. *Energy and Buildings*. ۲۰۱۵.
4. Balaji, A., B. Karthikeyan, J. Swaminathan, and C. Sundar Raj. Effect of filler content of chemically treated short bagasse fiber-reinforced cardanol polymer composites. *Journal of Natural Fibers*. ۲۰۱۹.



عنوان طرح تحقیقاتی: توسعه روش ریز استخراج با جاذب هیدروکسیدهای لایه‌ای دو گانه جهت تعیین مقدار بیومارکر پایش بنزن (ترانس-
ترانس موکونیک اسید) در نمونه‌های ادرار کارکنان پمپ بنزین
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

علی فیروزی چاهک، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
علی عالمی، گروه اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
دانیال سلیمانی قوژدی، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
رزاق رحیم پور، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی لارستان، لارستان، ایران
خالد مورتادا، گروه شیمی تجزیه، دانشگاه واترلو، کانادا

عنوان پیام پژوهشی:

تکنیک فاز جامد پخشی با نانوجاذب سنتزی، روشی مناسب برای نمونه‌برداری هیپوریک اسید در ادرار است.

پیام کلیدی:

تکنیک فاز جامد پخشی همراه با نانو جاذب سنتز شده می‌تواند جهت نمونه برداری از هیپوریک اسید در ادرار به کار رود.

متن پیام پژوهشی:

با استفاده از روش نانو استخراج، نمونه برداری و آنالیز هیپوریک اسید در ادرار با حساسیت، دقت و گزینش پذیری بالاتری نسبت به روش های مرسوم انجام می گیرد. هم چنین نتایج این مطالعه نشان داد که روش پیشنهادی می تواند به عنوان یک روش سازگار با محیط زیست، قابل اعتماد، حساس و کارآمد به عنوان جایگزین روش های قبلی در محیط های کار مورد استفاده قرار گیرد. در کل می توان نتیجه گرفت که روش پیشنهادی یک روش کارآمد قابل اعتماد با کارایی بالا در نمونه برداری از هیپوریک اسید در مقایسه با روش NIOSH می باشد. ارائه روشی جدید با دارا بودن تمامی مزیت های روش های ریز استخراج با عملکرد مطلوب تر نسبت به روش های رایج جهت استخراج و تعیین مقدار ترانس-ترانس موکونیک اسید در نمونه های ادرار می تواند نتیجه کاربرد طرح باشد.

تأثیرات و کاربردها:

۱. تعیین مناسب ترین حلال جهت آماده سازی جاذب LDH-PANI برای استخراج ترانس-ترانس موکونیک اسید از ادرار با روش ریزاستخراج با جاذب انباشته شده
۲. تعیین مناسب ترین حلال جهت شستشوی جاذب LDH-PANI برای استخراج ترانس-ترانس موکونیک اسید از ادرار با روش ریز استخراج با جاذب انباشته شده
۳. تعیین مناسب ترین حلال استخراج کننده از جاذب LDH-PANI برای استخراج ترانس-ترانس موکونیک اسید از ادرار با روش ریزاستخراج با جاذب انباشته شده

محدودیت های شواهد:

در صورت تامین بودجه، محدودیتی وجود ندارد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S157002322300171X>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

ali_firoozi66@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. K. Oginawati et al. Urinary hippuric acid level as a biological indicator of toluene exposure on batik workers Heliyon. ۲۰۲۱.
۲. D. Krupp et al. Hippuric acid in ۲۴-hour urine collections is a potential biomarker for fruit and vegetable consumption in healthy children and adolescents J. Nutr. ۲۰۱۲.
۳. P. Kongtip et al. Modified method for determination of hippuric acid and methylhippuric acid in urine by gas chromatography J Chromatogr B Analyt Technol Biomed Life Sci. ۲۰۰۱.
۴. F. Ahmadi et al. Post-derivatization procedure for determination of hippuric acid after extraction by an automated micro solid phase extraction system and monitoring by gas chromatography J Chromatogr B. ۲۰۰۹.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی میزان عفونت ویروس تب خونریزی دهنده کریمه کنگو (CCHF) در کنه های دامی شهرستان گناباد با روش PCR - RT - سال ۱۳۹۶

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

حامد رضائی اولریایی، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

کنه های سخت دام های شهرستان گناباد ممکن است ناقل ویروس تب کریمه کنگو باشند.

پیام کلیدی:

با توجه به اینکه گونه های کنه صید شده ناقل بیماری ویروسی تب کریمه کنگو هستند و ۱۴٪ کنه ها آلوده بوده اند بنابراین نیاز است با همکاری شبکه دامپزشکی اقدامات سم پاشی در روستاهای مورد نظر انجام شده و آموزش لازم به قصابان از نظر رعایت حفاظت فردی داده شود.

متن پیام پژوهشی:

شهرستان گناباد با توجه به داشتن صنعت دامپروری و از آنجایی که ۱۴ درصد آلودگی به ویروس تب کریمه کنگو در کنه های سخت شناسایی شده نیاز به توجه جدی است. با توجه به اینکه گونه های کنه صید شده ناقل بیماری ویروسی تب کریمه کنگو هستند و ۱۴٪ کنه ها آلوده بوده اند بنابراین نیاز است با همکاری شبکه دامپزشکی اقدامات سم پاشی در روستاهای مورد نظر انجام شده و آموزش لازم به قصابان از نظر رعایت حفاظت فردی داده شود. موارد کاربرد نتایج طرح عبارت است از:

- انتقال دانش به ذینفعان مرتبط با بیماری در زمینه پیشگیری و کنترل بیماری در سطوح مختلف
- عمومیت دادن اطلاعات حاصله از نتایج مطالعه به سایر نقاط هم جوار جهت اجرای برنامه های آموزش
- برنامه ریزی جهت آموزش دامداران منطقه
- شناسایی کانون های خطر و بررسی دام های وارداتی به این مناطق
- سم پاشی کانون های خطر بیماری با همکاری دامپزشکی

تأثیرات و کاربردها:

- تعیین پراکنش گونه های مختلف کنه در منطقه مورد مطالعه
- تعیین روند فصلی آلودگی کنه ها به ویروس CCHF
- تعیین میزان آلودگی کنه های سخت به ویروس CCHF به تفکیک نر و ماده

محدودیت های شواهد:

عمده ترین محدودیت ها ممانعت دامداران از دسترسی به دام می باشد که این موضوع با هماهنگی سازمان دامپزشکی مرتفع خواهد شد. در دسترس نبودن دام ها در منطقه که با هماهنگی بهورز منطقه جهت پیشگیری از خروج آنها هماهنگ خواهد شد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

https://jrh.gmu.ac.ir/files/site1/user_files_۶a۶۳b۶/hamedram-A-۰۰۳-۴۶۱-۱۰e۴۶f۲a.pdf

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

hamedramazany@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Mostafavizadeh K, Ataei B, Rostami M, Salehi H, Karimi R, Javadi AA, et al. Crime congo emorrhagic fever epidemy :Apreliminary report of Isfahan province in Iran. Journal of Re-search in Medical Sciences. ۲۰۰۲; ۷(۱):۷۸-۷۹
۲. Vasoukolaei N, Telmadarraiy Z, Vatandoost H, YaghoobiM, Hosseini Vasoukolaei M, Oshaghi MA. Survey of tick spe-cies parasitizing domestic ruminants in Ghaemshahr county,Mazandaran province, Iran. Asian Pacific Journal of TropicalMedicine.۲۰۱۰.
۳. Emadi Kochak H, Yalda AR ,Haj Abdolbaghi M, Soud-bakhsh AR. [Crimean Congo Hemorrhagic Fever (CCHF) inIran and world (Persian)]. Tehran University of Medical Sci-ences Journal. ۲۰۰۳; ۶۱(۵):۳۴۳-۵۸۴; Mokhtari H, Faraji P. [Evaluation of epidemiologic and clini-cal manifestations of suspected and definitive CCHF referredto health center of khorasanrazavi province. Journal Managment System, ۲۰۱۷; ۴(۲):۱-۱۴
۴. Ergonul O: Crimean- Congo haemorrhagic fever.Iancet Infect Dis .۲۰۰۶.



عنوان طرح تحقیقاتی: تاثیر مداخله آموزشی بر غربالگری سرطان روده بزرگ براساس تئوری انگیزش محافظت در میانسالان ۴۵ تا ۵۵ ساله در طبس ۱۴۰۲

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

میترا دوگونچی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

مجتبی حبی زاده، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

مهدی مشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

نسیم خواجهیان، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

عنوان پیام پژوهشی:

آموزش و ترغیب گروه های سنی پایین تر با استفاده از ابزارها و رسانه های آموزشی بومی، می تواند انگیزه میانسالان را برای انجام غربالگری افزایش دهد.

پیام کلیدی:

با انجام مداخلات موثر در گروه های سنی مناسب (پایین تر از گروه هدف برنامه غربالگری سرطان روده بزرگ) می توان بر ترغیب میانسالان برای انجام غربالگری سرطان روده بزرگ تاثیر گذاشت. همچنین استفاده از ابزارها و رسانه های آموزشی نوین که نگاه بومی داشته باشند می توانند بر تقویت آموزش و نهایتا انگیزش محافظت تاثیر داشته باشند.

متن پیام پژوهشی:

با توجه به بروز روزافزون بیماری سرطان روده بزرگ و کاهش سن ابتلا، آموزش با پشتوانه تئوری های آموزش سلامت برای ترغیب افراد به انجام مراقبت ها و غربالگری های در دسترس به شدت احساس می شود، لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی براساس تئوری انگیزش محافظت بر غربالگری میانسالان شهرستان طبس انجام شد. با انجام مداخلات موثر در گروه های سنی مناسب (پایین تر از گروه هدف برنامه غربالگری سرطان روده بزرگ) می توان بر ترغیب میانسالان برای انجام غربالگری سرطان روده بزرگ تاثیر گذاشت. همچنین استفاده از ابزارها و رسانه های

آموزشی نوین که نگاه بومی داشته می توانند بر تقویت آموزش و نهایتاً انگیزش محافظت تاثیر داشته باشند. میانسالان جز حلقه های مراقبتی گروه های سنی هستند که طی چند دهه گذشته کمتر به آنان توجه شده است و اکنون طی حداقل یک دهه گذشته با اجرای برنامه های غربالگری به نحو موثرتر سعی بر تقویت مراقبت ها است و از جمله موثرترین برنامه ها غربالگری سرطان روده بزرگ است که مداخلات این چینی می تواند به نحو موثری بر اجرای بهتر و پوشش کامل تر برنامه غربالگری سرطان روده بزرگ تاثیر بگذارند و این امر در این پژوهش به خوبی مشهود و اثرات خود را نشان داد. موارد کاربرد نتایج طرح عبارت است از:

تعیین و مقایسه میزان آگاهی در خصوص انجام غربالگری جهت پیشگیری از سرطان روده بزرگ قبل و بعد از مداخله آموزشی در گروه آزمون و کنترل.

تعیین و مقایسه میزان حساسیت درک شده در خصوص انجام غربالگری جهت پیشگیری از سرطان روده بزرگ قبل و بعد از مداخله آموزشی در گروه آزمون و کنترل

تأثیرات و کاربردها:

تعیین و مقایسه میزان شدت درک شده در خصوص انجام غربالگری جهت پیشگیری از سرطان روده بزرگ قبل و بعد از مداخله آموزشی در گروه آزمون و کنترل.

تعیین و مقایسه میزان پاداش درک شده در خصوص انجام غربالگری جهت پیشگیری از سرطان روده بزرگ قبل و بعد از مداخله آموزشی در گروه آزمون و کنترل.

محدودیت های شواهد: ندارد

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

dogonchi.mitra@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Institute NC. Cancer Screening Overview ۲۰۲۰.
۲. Maddux JE, Rogers RW. Protection motivation and self-efficacy: A revised theory of fear appeals and attitude change. Journal of experimental social psychology. ۱۹۸۳; ۱۹(۵):۴۶۹-۷۹.
۳. Karimi ZA, Saadat A, JALALIAN HR, Esmaeili M. Epidemiology and survival analysis of colorectal cancer and its related factors. ۲۰۱۱.
۴. JAVADZADEH SHA, MOSTAFAVI F, EMAMI SMH, HASSANZADEH A, SHARIFIRAD G. FACTORS ASSOCIATED WITH THE FECAL OCCULT BLOOD TESTING FOR COLORECTAL CANCER SCREENING BASED ON HEALTH BELIEF MODEL STRUCTURES IN MODERATE RISK INDIVIDUALS, ISFAHAN, IRAN. ۲۰۱۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط دلبستگی مادر و فرزند با دیسترس قاعدگی و نگرش به قاعدگی دختران دانش آموز شهر گناباد- ۱۴۰۱

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

نرجس بحری، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مهشید زمانی، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
فریبا عسکری، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
نسیم خواجهیان، گروه انفورماتیک آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

ارتباط نزدیک مادر و دختر به بهبود شناخت و نگرش دختران نسبت به قاعدگی و کاهش مشکلات آن کمک می کند.

پیام کلیدی:

ارتباط مادر و فرزند می توانند در شکل گیری نگرش دختران به موضوعات مرتبط با قاعدگی تأثیرگذار باشند. این موارد می توانند به بهبود نگرش و شناخت دختران نسبت به قاعدگی و کاهش مشکلات مرتبط با دیسترس قاعدگی کمک کنند.

متن پیام پژوهشی:

قاعدگی یکی از رویدادهای طبیعی زندگی است که می تواند همراه با احساسات منفی همچون اضطراب و یا احساسات مثبت نسبت به بلوغ، قدرت باروری و همچنین توانایی ازدواج همراه باشد. والدین نقش اساسی در شکل گیری باورهای نوجوان نسبت به بلوغ و قاعدگی دارند و نگرش ها و باورهای خود را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به دختران خود انتقال می دهند. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط دلبستگی مادر و فرزند با دیسترس قاعدگی و نگرش به قاعدگی در دختران دانش آموز شهر گناباد در سال ۱۴۰۲ بود. ارتباط مثبتی بین دلبستگی مادر و فرزند با نگرش مثبت به قاعدگی و دلبستگی مادر و فرزند با کمترین دیسترس قاعدگی وجود دارد. این نتایج تأکید می کند که ارتباط مادر و فرزند می تواند در شکل گیری نگرش مثبت به قاعدگی نقش مهمی داشته باشد و باعث کاهش مشکلات مرتبط با دیسترس قاعدگی شود. ارتباط مادر و فرزند می تواند در شکل گیری نگرش دختران به موضوعات مرتبط با قاعدگی تأثیرگذار باشند. این موارد می توانند به بهبود نگرش و شناخت دختران نسبت به قاعدگی و کاهش مشکلات مرتبط با دیسترس قاعدگی کمک کنند. موارد کاربرد نتایج طرح عبارت است از:

تعیین میانگین نمره دلبستگی مادر و فرزند در دختران دانش آموز شهر گناباد

تعیین میانگین نمره نگرش نسبت به قاعدگی در دختران دانش آموز شهر گناباد

تعیین میانگین نمره دیسترس مرتبط با قاعدگی در دختران دانش آموز شهر گناباد

تأثیرات و کاربردها:

تعیین ارتباط بین دلبستگی مادر و فرزند با نگرش به قاعدگی دختران دانش آموز شهر گناباد

تعیین ارتباط بین دلبستگی مادر و فرزند با دیسترس مرتبط با قاعدگی در دختران دانش آموز شهر گناباد

محدودیت های شواهد:

باتوجه به موضوع پژوهش و نگرش های منفی و تابوهای زیادی که درمورد قاعدگی وجود دارد، عدم همکاری دانش آموزان، پنهان کاری، شرم و عدم صداقت کافی برای پاسخ به برخی سوالات در پرسشنامه ها ممکن است از مشکلات احتمالی باشد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاستگذاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

nargesbahri@yahoo.com

منابع و مراجع:

1. Armsden GC, Greenberg MT. Inventory of parent and peer attachment (IPPA): University of Washington Seattle; ۱۹۸۹.

۲. Brooks-Gunn J, Ruble DNJPM. The menstrual attitude questionnaire. ۱۹۸۰.
۳. Chen HM, Chen CHJTKjoms. Related factors and consequences of menstrual distress in adolescent girls with dysmenorrhea. ۲۰۰۵;۲۱(۳):۱۲۱-۷.
۴. Moos RHJPM. The development of a menstrual distress questionnaire. ۱۹۶۸;۳۰(۶):۸۵۳-۶۷



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی تاثیر استفاده از ضایعات پلی پروپیلن و پلی یورتان به عنوان جاذب صوت و عایق حرارتی: استفاده از پسماندها جهت بهبود آسایش اجتماعی و سلامت عمومی
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

محمد حسین بهشتی، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
روح اله حاجی زاده، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
علیرضا کوهپایی، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
فوزیه خانی، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

استفاده از ضایعات پلی پروپیلن و فوم پلی یورتان، جذب صدا را افزایش و انتقال حرارت را کاهش می‌دهد.

پیام کلیدی:

میزان جذب صدا و انتقال حرارت از طریق استفاده از ضایعات پلی پروپیلن و فوم پلی یورتان به ترتیب افزایش و کاهش یافت
متن پیام پژوهشی:

آلودگی صوتی به دلیل ماهیت محیط‌های کاری و ماشین آلات صنعتی یکی از عوامل زیان آوری است که در اکثر محیط‌های شغلی وجود دارد. علاوه بر این، استرس حرارتی علاوه بر ایجاد اختلالات فیزیولوژیک و بیماری‌های ناشی از گرما می‌تواند پاسخ‌های شناختی ایجاد کند و بر روی عملکرد و بهره‌وری کارکنان نیز اثر بگذارد. با توجه به اهمیت موضوع کاهش صدا و کاهش مصرف انرژی، ساخت جاذب‌هایی که بتوانند ضریب جذب صوت بالا و هدایت حرارتی کمتری داشته باشند، لازم به نظر می‌رسد. سالانه مقدار بسیاری از پلی پروپیلن و فوم‌های پلی یورتان پس از استفاده از آن‌ها، به صورت ضایعات به هدر می‌رود و این ضایعات باعث آلودگی زیست محیطی می‌شود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان دهنده افزایش ضریب جذب صدا، مقاومت در برابر جریان هوا، چگالی کامپوزیت‌ها و همچنین کاهش ضریب هدایت حرارتی نسبت به فوم پلی یورتان خالص بازیافتی بود که همین امر منجر به افزایش اثربخشی در کاهش صدا و افزایش ویژگی عایق حرارتی کامپوزیت‌ها نسبت به فوم‌های خالص شد. همچنین، در میزان کاهش صدا در فرکانس‌های پایین، میکروکامپوزیت‌های بازیافتی کارایی حدود ۱۰۰٪ بیشتر از پلی یورتان خالص و بازیافتی داشتند. به طور متوسط نیز در کل باند فرکانسی هم، کارایی جذب صوت میکروکامپوزیت‌های بازیافتی بیشتر از نمونه‌های خالص معمولی و بازیافتی بود. به طور کلی، بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه می‌توان اذعان کرد که با استفاده از فوم‌های پلی یورتان بازیافتی و پلی پروپیلن می‌توان جاذب صدا و عایق حرارت مناسبی جهت کاهش صدا و کاهش انتقال حرارت تولید کرد. ترکیب میکروذرات و الیاف پلی پروپیلن با فوم پلی یورتان بازیافتی به عنوان یک ترکیب پایدار نوآورانه، عملکرد مناسبی از نظر ویژگی‌های حرارتی و صوتی از خود نشان داد. موارد کاربرد نتایج طرح عبارت است از:

ارایه جاذب صوتی با بالاترین ضریب جذب با استفاده از ضایعات پلی پروپیلن و فوم پلی یورتان ضایعاتی

ارایه عایقی حرارتی با پایین‌ترین میزان انتقال یا ضریب انتقال حرارت با استفاده از ضایعات پلی پروپیلن و فوم پلی یورتان ضایعاتی

کمک به کنترل آلاینده های زیست محیطی و کاهش هزینه ها
کنترل صدا در با منابع صوتی با تراز فشار صوت بالا
کنترل حرارت به منظور جلوگیری از اتلاف انرژی و کاهش مصرف آن
رفع مشکل قارچ زدن جاذب ها که باعث طول عمر کمتر می شد
تأثیرات و کاربردها:

ارائه جاذب صوتی با بالاترین ضریب جذب با استفاده از ضایعات پلی پروپیلن و فوم پلی یورتان ضایعاتی
ارایه عایقی حرارتی با پایین ترین میزان انتقال یا ضریب انتقال حرارت با استفاده از ضایعات پلی پروپیلن و فوم پلی یورتان ضایعاتی
کمک به کنترل آلاینده های زیست محیطی و کاهش هزینه ها
کنترل صدا در با منابع صوتی با تراز فشار صوت بالا
کنترل حرارت به منظور جلوگیری از اتلاف انرژی و کاهش مصرف آن
رفع مشکل قارچ زدن جاذب ها که باعث طول عمر کمتر می شد
محدودیت های شواهد: ندارد

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران
آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/38517832/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

beheshtihasan@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Börner HE, Lassowski S. Health and safety leadership: A study of employee perceptions and company leader responses in New Zealand's electricity supply industry. International Journal of Public Leadership. ۲۰۱۹;۱۵(۴):۲۵۷-۷۳.
۲. Boubel A, Garoum M, Bousshine S, Bybi A. Investigation of loose wood chips and sawdust as alternative sustainable sound absorber materials. Applied Acoustics. ۲۰۲۱;۱۷۲:۱۰۷۶۳۹.
۳. Lee Y, Joo C. Sound absorption properties of recycled polyester fibrous assembly absorbers. AUTEX Research Journal. ۲۰۰۳;۳(۲):۷۸-۸۴.
۴. Cao L, Fu Q, Si Y, Ding B, Yu J. Porous materials for sound absorption. Composites Communications. ۲۰۱۸;۲۵:۱۰-۳۵.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی کارایی قارچهای *Beauveria bassiana* و *Metarhizium anisopliae* بر میزان مرگ و میر
مراحل بالغ سوسری آمریکایی پرورش یافته در آزمایشگاه- گناباد، سال ۱۳۹۸

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

حامد رضانی، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

مهران غزوی، مرکز تحقیقات گیاه پزشکی تهران، تهران، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

قارچ "متارایزیم آنیزوپلیه" به عنوان حشره کش بیولوژیک، مرگ و میر سوسک های آمریکایی را کنترل می کند.

پیام کلیدی:

قارچ حشره کش متارایزیوم آنیزوپلیه می تواند به عنوان یک حشره کش بیولوژیک بر مرگ و میر سوسری آمریکایی به عنوان یک معضل بهداشتی تاثیر گزار باشد.

متن پیام پژوهشی:

سوسری ها از مهمترین ناقلین بیماریزا در اماکن آماده سازی غذا و سرو آن محسوب می شود استفاده از حشره کش های شیمیایی در مقابله با سوسری آمریکایی در اماکن انسانی خطری برای سلامتی انسان به شمار می رود بنابراین استفاده از قارچ های بیمارگر حشرات به عنوان مهمترین روش کنترل بیولوژیک سوسری ها مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به نتایج این مطالعه و تایید اثر بخشی قارچ متارایزیوم آنیزوپلیه بر مرگ و میر سوسری آمریکایی می توان با تهیه فرمولاسیون مناسب و ترکیب با برخی مواد شیمیایی همچون بوریک اسید به عنوان جایگزین سموم شیمیایی در مکان های رشد و تکثیر این حشره که بیشتر سیستم های فاضلاب شهری می باشد به کار برد. همچنین با استفاده از دانش نانو و فرمولاسیون اسپور قارچ در میکرو تیوپ هایی که قابلیت اتصال به بدن حشره داشته باشد بویژه در ناحیه پرونوتوم سوسری یک بیو آفتکش تولید کرد که علاوه بر کنترل جمعیت سوسری آمریکایی دوستدار محیط زیست بوده و از آلودگی سفره های آب زیرزمینی که به دنبال استفاده از حشره کش های شیمیایی رخ می دهد پیشگیری نمود. سلامت عموم جامعه می تواند از موارد کاربرد نتایج طرح باشد.

محدودیت های شواهد:

ندارد

مخاطبان طرح پژوهشی:

مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/۳۷۵۴۹۲۴۸/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

hamedramazany@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Abedi A, Dayer MS. Evaluation of the effect of the fungus *Metarhizium anisopliae*, as a biological control agent .on German cockroaches (*Blattella germanica*). *Pathobiol Res*. ۲۰۰۶.
۲. Aw KMS, Hue SM. Mode of infection of *metarhizium* spp .fungus and their potential as biological control agents. *J Fungus*. ۲۰۱۷.
۳. Baggio-Deibler MV, Da Costa Ferreira M, Monteiro AC, De Souza-Pollo A, Lemos MVF. Management of the American cockroach's oothecae: the potential of entomopathogenic fungi control. *J Invertebr Pathol*. ۲۰۱۸.

۴. Benjamin MA, Zhioua E, Ostfeld RS. Laboratory and field evaluation of the entomopathogenic fungus *Metarhizium anisopliae* (deuteromycetes) for controlling questing adult *Ixodes scapularis* (Acari :Ixodidae). J Med Entomol. ۲۰۰۲.



عنوان طرح تحقیقاتی: ارتباط درک از بیماری و پایداری آن به رژیم درمانی در بیماران مبتلا به دیابت نوع II مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان آموزشی پژوهشی درمانی علامه بهلول گنابادی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

علی دلشاد نوقابی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
سینا ثابتی بیلندی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
حسین اعلمی، بیمارستان علامه بهلول گنابادی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

درک بیماران دیابتی نوع دو از بیماری با پایداری آن ها به رژیم درمانی ارتباط مستقیم دارد.

پیام کلیدی:

درک از بیماری و پایداری به رژیم درمانی در بیماران مبتلا به دیابت نوع II ارتباط دارد.

متن پیام پژوهشی:

پیر شدن جمعیت و کاهش شیوع بیماری های عفونی و بهبود مراقبت های بهداشتی و درمانی از یک سو و شیوه نامناسب زندگی از سوی دیگر، سبب افزایش شیوع بیماری مزمن در دنیا شده اند. یکی از شناخته شده ترین بیماری های مزمن در سراسر دنیا، دیابت است. رژیم درمانی دیابت، بسیار پیچیده است. بررسی ها نشان داده اند که بیماران از رژیم پیچیده نسبت به ساده کمتر تبعیت می کنند. تبعیت ضعیف بیماران از درمان یکی از اصلی ترین نگرانی ها و مشکلات بالینی است که کارکنان نظام سلامت به کرات با آن مواجهه اند و به عنوان یکی از مشکلات پیچیده و مهم عصر حاضر در دو دهه گذشته مورد توجه تعداد زیادی از پژوهشگران بین المللی قرار گرفته است. زمانی که ادراک بیماری پایین باشد، احتمال پایداری به رژیم درمانی نیز کاهش یابد. بین درک از بیماری و پایداری به رژیم درمانی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو رابطه معنی داری وجود دارد. بنابراین تقویت ادراک بیماری به منظور افزایش تبعیت از درمان بیماران، به عنوان یک راهبرد مهم درمانی در مداخله های آموزشی ضروری به نظر می رسد. نتیجه طرح می تواند سبب تقویت ادراک بیماری به منظور افزایش تبعیت از درمان شود.

تأثیرات و کاربردها:

هدف تعیین ارتباط بین ادراک از بیماری و تبعیت از رژیم درمانی در بیماران مبتلا به دیابت نوع II مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان آموزشی، پژوهشی، درمانی علامه بهلول گنابادی انجام خواهد شد.

محدودیت های شواهد:

افرادی که سواد ندارند و نابینا هستند به منظور اهمیت تکمیل پرسشنامه به صورت کامل به صورت مصاحبه با آنها پرسشنامه برایشان تکمیل می گردد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاستگذاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/۳۵۶۰۳۲۳۳/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

ali_delshad۲۰۰۰@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Samini M, Shafarood H, Sehat V, Allahdini S. Self-therapy and culture of drug use. Razi Drug Journal ۲۰۰۵; ۹:۳۷-۴۷. <https://doi.org/۱۰.۲۱۲۰۳/rs.۳.rs-۴۲۶۱۵۲/v۱>
۲. Shamsi M, Bayati A. A survey of the prevalence of self-medication and the factors affecting it in pregnant mothers referring to health centers in Arak city, ۲۰۰۹. Journal of Jahrom Medical School ۲۰۱۰; ۷:۳۴-۴۱. <https://doi.org/۱۰.۲۹۲۵۲/jmj.۷.۴.۵>
۳. Dormandy JA, Charbonnel B, Eckland DJ, Erdmann E, Massi-Benedetti M, Moules IK, Skene AM, Tan MH, Lefèbvre PJ, Murray GD, Standl E. Secondary prevention of macrovascular events in patients with type ۲ diabetes in the proactive Study (Prospective Pioglitazone Clinical Trial In Macrovascular Events): a randomised controlled trial. Lancet ۲۰۰۵. [https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/S۰۱۴۰-۶۷۳۶\(۰۵\)۶۷۵۲۸-۹](https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/S۰۱۴۰-۶۷۳۶(۰۵)۶۷۵۲۸-۹)
۴. Maddah M. Association of parental diabetes with overweight in Iranian children and adolescents. Int J Cardiol ۲۰۰۸; ۱۲:۱-۳.



عنوان طرح تحقیقاتی: ارزیابی ریسک فلزات سنگین از طریق مصرف شیر خشک و مکمل های غذایی کودکان زیر ۲ سال در ایران در سال ۱۳۹۸
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

رویا پیروی، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 محمود تقوی، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 مرضیه حریمی، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 احمد زارعی، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

سلامت شیر خشک و مکمل های غذایی کودکان نیازمند بازنگری و برنامه ریزی است.

پیام کلیدی:

با توجه به این که تغذیه کودکان از شاخص های مهم بهداشتی است و نتایج حاصله از این مطالعه نشان دهنده ی آلودگی شیر خشک و مکمل غذایی به فلزات می باشد که نیازمند معطوف ساختن نگاه ها به حوزه ی سلامت تغذیه کودکان به عنوان نسل آینده ساز جامعه است.

متن پیام پژوهشی:

مصرف فلزات سنگین مانند سرب، جیوه، کادمیوم و جیوه توسط کودکان و نوزادان می تواند عوارض جدی برای سلامتی آنها داشته باشد. این فلزات در محصولات مانند شیر خشک و مکمل های غذایی ممکن است به دلیل آلودگی محیط یا فرآورده های تولید در آنها حضور داشته باشند. این

مسئله برای سلامتی نوزادان و کودکان اهمیت بالایی دارد. فلزات سنگین مانند سرب و جیوه می‌توانند به مغز و سیستم عصبی نوزادان آسیب برسانند. مصرف مقادیر بالای این فلزات می‌تواند به مشکلات توسعه‌ی عقلی و حتی مشکلات سلامتی دیگر منجر شود. مصرف فلزات سنگین ممکن است برای سیستم ایمنی نوزادان آسیب زنده باشد و باعث ضعف سیستم ایمنی آن‌ها گردد و همچنین برخی فلزات سنگین مانند کادمیوم ممکن است منجر به مشکلات در رشد و تقویت استخوان‌های نوزادان شوند. برای جلوگیری از این مشکلات و افزایش اهمیت سلامتی نوزادان، پایش و کنترل میزان فلزات سنگین در محصولات غذایی بسیار حیاتی است. سازمان‌های مختلف به این موضوع توجه ویژه‌ای دارند و استانداردهایی برای محدود کردن میزان فلزات سنگین در محصولات غذایی ایجاد کرده‌اند. در کل، مصرف فلزات سنگین در محصولات غذایی، به ویژه محصولاتی که برای نوزادان و کودکان طراحی شده‌اند، یک موضوع حساس است و نیازمند پایش دقیق و کنترل است. با اتخاذ اقدامات مناسب برای کنترل و کاهش میزان فلزات سنگین و همچنین پایش دقیق این مواد در محصولات غذایی، می‌توان به حفظ سلامت نوزادان و کودکان کمک زیادی کرد. با توجه به این که تغذیه کودکان از شاخص‌های مهم بهداشتی است و نتایج حاصله از این مطالعه نشان دهنده‌ی آلودگی شیر خشک و مکمل غذایی به فلزات می‌باشد که نیازمند معطوف ساختن نگاه‌ها به حوزه‌ی سلامت تغذیه کودکان به عنوان نسل آینده ساز جامعه است. اندازه‌گیری میزان فلزات سنگین باتوجه به مصرف گسترده شیر خشک‌های نوزاد و مکمل‌های غذایی کودک در ایران و احتمال بالابودن فلزات سنگین بیش از حد مجاز در آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. این مطالعه با هدف ارزیابی ریسک فلزات سنگین از طریق مصرف شیر خشک و مکمل‌های غذایی کودکان زیر ۲ سال در ایران در سال ۱۳۹۸ انجام خواهد شد.

تأثیرات و کاربردها:

ارزیابی ریسک مواجهه با فلزات سنگین در اثر مصرف مکمل‌های غذایی و شیر خشک کودکان زیر ۲ سال عرضه شده در ایران

محدودیت‌های شواهد: ندارد

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست‌گذاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0278691524001546>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

peirovir@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Al-Saleh et al. Risk assessment of environmental exposure to heavy metals in mothers and their respective infants Int. J. Hyg Environ. Health. ۲۰۱۷.
۲. F.A. Amarh et al. Health risk assessment of some selected heavy metals in infant food sold in Wa, Ghana Heliyon. ۲۰۲۳.
۳. E. Amaya et al. Placental concentrations of heavy metals in a mother-child cohort Environ. Res. ۲۰۱۳.
۴. B. Başaran An assessment of heavy metal level in infant formula on the market in Turkey and the hazard index J. Food Compos. Anal. ۲۰۲۲.



عنوان طرح تحقیقاتی: تاثیر مغناطیس درمانی موضعی بر نشانه های بالینی نوروپاتی محیطی بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

علی محمدپور، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
آرمین ناظری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مجتبی کیان مهر، گروه فیزیک پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
محمدهادی سعید مدقق، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

استفاده از آهنربا می تواند باعث تسکین درد، سوزش و سایر علایم در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ (دارای نوروپاتی محیطی) شود.

پیام کلیدی:

مغناطیس درمانی منجر به کاهش و تسکین نشانه ها، علایم، درد نوروپاتی محیطی و همچنین افزایش کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ می شود. اگرچه پژوهش های بیشتری در این زمینه لازم است اما نتایج به دست آمده از اهمیت بالینی در مراقبت های پرستاری برخوردار است. زیرا کاهش و تسکین شدت نشانه ها، علایم و درد نوروپاتی محیطی دیابتی می تواند کیفیت زندگی بیماران را بهبود بخشد و تقاضا برای ارجاع به متخصص را کاهش دهد و همچنین ممکن است باعث کاهش اتکا به درمان های دارویی مضر با عوارض جانبی زیاد شود.

متن پیام پژوهشی:

دیابت نوع ۲ بیماری شایعی است که بیش از ۱/۵ میلیون مبتلا در ایران وجود دارد. این بیماری عوارض مختلفی دارد که نوروپاتی (درگیری اعصاب) از عوارض جدی و مهم این بیماری است که منجر به زخم های پا و حتی قطع اندام های تحتانی می شود. نوروپاتی علایم متعدد و رنج آوری همانند درد، سوزش، گزگز، بی حسی و... به همراه دارد که تأثیر مخربی بر سلامت روان بیماران دارد و موجب کیفیت زندگی ضعیف در بیماران دیابتی می شود. مغناطیس درمانی یکی از انواع طب مکمل می باشد که به صورت استفاده از آهنربا در نزدیک بدن استفاده می شود و تأثیر مثبتی در کاهش درد و سایر علایم داشته است. مغناطیس درمانی منجر به کاهش و تسکین نشانه ها، علایم، درد نوروپاتی محیطی و همچنین افزایش کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ می شود. اگرچه پژوهش های بیشتری در این زمینه لازم است اما نتایج به دست آمده از اهمیت بالینی در مراقبت های پرستاری برخوردار است. زیرا کاهش و تسکین شدت نشانه ها، علایم و درد نوروپاتی محیطی دیابتی می تواند کیفیت زندگی بیماران را بهبود بخشد و تقاضا برای ارجاع به متخصص را کاهش دهد و همچنین ممکن است باعث کاهش اتکا به درمان های دارویی مضر با عوارض جانبی زیاد شود. موارد کاربرد نتایج طرح عبارت است از:

تعیین تاثیر مغناطیس درمانی موضعی بر نشانه های بالینی نوروپاتی محیطی بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲
تعیین شدت نشانه های بالینی نوروپاتی محیطی بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ در دو گروه مورد مطالعه قبل از مداخله

تأثیرات و کاربردها:

مغناطیس درمانی موضعی بر شدت نشانه های بالینی نوروپاتی محیطی در مبتلایان به دیابت نوع ۲ موثر است.
مغناطیس درمانی موضعی بر شدت علایم نوروپاتی محیطی در مبتلایان به دیابت نوع ۲ موثر است.

محدودیت های شواهد:

از محدودیت های پژوهش ما این است که ما برای گزارش درد و نشانه های نوروپاتی محیطی بر گزارش خود بیماران اتکا کردیم. محدودیت دیگر پژوهش، اطمینان از بسته بودن میچ بندها توسط بیماران در طول پژوهش بود که در این جهت محقق هر هفته یک بار با هر بیمار به صورت تلفنی تماس برقرار می کرد و این امر را به بیماران یادآوری و از بسته بودن میچ بندها اطمینان حاصل می کرد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC10318723/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

dr.mohammadpour@gmu.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Shanb AA, Youssef EF, Al Baker WI, Al-Khamis FA, Hassan A, Jatoi N-A. The efficacy of adding electromagnetic therapy or laser therapy to medications in patients with diabetic peripheral neuropathy. J Lasers Med Sci. ۲۰۲۰; ۱۱(۱):۲۰.
2. Wang L-Q, Wang F, Wang X-H. Effectiveness of warm needling acupuncture for pain relief in patients with diabetic peripheral neuropathy: a protocol of systematic review. Medicine. ۲۰۲۰.
3. Selvarajah D, Kar D, Khunti K, Davies MJ, Scott AR, Walker J, et al. Diabetic peripheral neuropathy: advances in diagnosis and strategies for screening and early intervention. Lancet Diabetes Endocrinol. ۲۰۱۹.
4. Almuhanadi H, Ponirakis G, Khan A, Malik RA. Diabetic neuropathy and painful diabetic neuropathy: cinderella complications in South East Asia. J Pak Med Assoc. ۲۰۱۸.



عنوان طرح تحقیقاتی: ارزیابی ریسک سلامتی ناشی از دریافت بنزوئیک اسید از طریق مصرف کیک های کرم دار

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

محمود تقوی، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

احمد زارعی، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

حسن رضا رکنی، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

مطابق یافته های این مطالعه، مصرف کیک های کرم دار عرضه شده در بازار شهر گناباد، مشکل بهداشتی خاصی را برای مصرف

کنندگان ایجاد نمی کند.

پیام کلیدی:

مصرف کیک های کرم دار عرضه شده در بازار شهر گناباد، مشکل بهداشتی خاصی را برای مصرف کنندگان ایجاد نمی کند.

متن پیام پژوهشی:

بنزوئیک اسید یکی از مهمترین نگهدارنده های مواد غذایی بوده که باعث ایجاد عوارض متعددی برای سلامتی مصرف کنندگان می شود. مطابق یافته های این مطالعه، مصرف کیک های کرم دار فعلی عرضه شده در بازار شهر گناباد مشکل خاصی را برای مصرف کنندگان از لحاظ وجود بنزوئیک اسید ایجاد نمی کند. لذا با ارائه نتایج فعلی به ارگان های ذیربط، کمک شایانی در جهت سلامت و امنیت غذایی برای عموم مردم ایفا می گردد و

باعث اطمینان خاطر برای مصرف کنندگان گردد. مصرف کیک های کرم دار عرضه شده در بازار شهر گناباد، مشکل بهداشتی خاصی را برای مصرف کنندگان ایجاد نمی کند.

موارد کاربرد نتایج طرح:

- شناسایی وضعیت ادراک از محیط یادگیری در بین دانشجویان
- شناسایی وضعیت مشغولیت تحصیلی در بین دانشجویان
- شناسایی وضعیت پایستگی تحصیلی در بین دانشجویان

تأثیرات و کاربردها:

- تعیین اثر مستقیم ادراک از محیط یادگیری بر مشغولیت تحصیلی دانشجویان
- تعیین اثر مستقیم ادراک از محیط یادگیری بر پایستگی تحصیلی دانشجویان
- تعیین اثر مستقیم مشغولیت تحصیلی بر پایستگی تحصیلی دانشجویان

محدودیت های شواهد: ندارد

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

taghavi66@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Al-Shammari, E., Bano, R., Khan, S., Shankity, I. The effect of preservatives and flavour additive on the production of oxygen-free radicals by isolated human neutrophils. Int. J. Nutr. Food Sci. ۲۰۱۴.
۲. Abdollahi, L., Munkholm, L.J., Tillage system and cover crop effects on soil quality: i. Chemical, mechanical, and biological properties. Soil Sci. Soc. Am. J. ۲۰۱۴.
۳. Adams, H.D., Zeppel, M.J., Anderegg, W.R., Hartmann, H., Landh"ausser, S.M., Tissue, D.T., Huxman, T.E., Hudson, P.J., Franz, T.E., Allen, C.D. A multi-species synthesis of physiological mechanisms in drought-induced tree mortality. ۲۰۱۷.
۴. Akolawole, J.S., Okoye, P.A.C., Omokpariola, D. Effect of storage on the levels of sodium benzoate in soft drinks sold in some Nigerian market with exposure and health risk assessment. Environ. Anal. Health Toxicol. ۲۰۲۲.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی وضعیت تناسب ارگونومیک میز فراوری گل زعفران

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

محمد حسین بهشتی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

علی عالمی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

طراحی موفقیت آمیز میز ارگونومیک برای فراوری گل زعفران، متناسب با ابعاد بدن کارکنان ایرانی، با هدف کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی در محیط های کاری و خانگی.

پیام کلیدی:

طراحی میز ارگونومیک بمنظور استفاده در مرحله فراوری گل های زعفران متناسب با ابعاد بدنی و آنتروپومتریک کارکنان ایرانی با محوریت استفاده در محیط های شرکتی و خانگی با هدف کاهش اختلالات اسکلتی عضلانی در جامعه کاری در این مطالعه با موفقیت انجام گردید.

متن پیام پژوهشی:

از جمله شایع ترین علل بروز اختلالات اسکلتی عضلانی در جامعه شاغلین کشور استفاده از پوسچرهای استاتیک و نامناسب در طول انجام فعالیت های شغلی می باشد. کشاورزی و سایر مشاغل مرتبط با آن به سبب انجام کار بصورت فیزیکی و تحمیل فشارهای فیزیکی و قابل توجه بر بدن انسان یکی از عمده ترین مشاغل است که به دلیل ماهیت شغلی آن ریسک فاکتورهای اختلالات اسکلتی عضلانی بسیار زیادی را به همراه دارد و از جمله مهمترین محصولات کشاورزی کشور تولید گل زعفران می باشد، بطور کلی حجم قابل توجه تولید گل زعفران در بازه های زمانی محدود می تواند در بروز اختلالات اسکلتی عضلانی در جامعه شاغلین کشور بسیار موثر باشد. از اینرو با تلاش و هدف گذاری تیم پژوهشی حاضر اقدام به طراحی و ساخت میز ویژه مرحله فراوری و تمیزسازی گل زعفران با محوریت استفاده در محیط های شرکتی و خانوادگی نموده است. با توجه به اینکه اصولا کار فراوری گل زعفران در کارگاه ها و منازل شاغلین این حرفه معمولا بصورت گروهی و چند نفره انجام می شود، شرایط میز به گونه ای طراحی گردید که در اطراف هر میز حداقل ۴ و حداکثر ۶ نفر توانایی انجام کار را بصورت نشسته داشته باشند. از آنجا که کار فراوری گل زعفران کاری مستمر و کاملا استاتیک است و منجر به خستگی و فرسودگی بیش از حد افراد در بازه های زمانی محدود می گردد بطور معمول انجام وظایف ساقه زنی و جداسازی کلاله از ضایعات گل پیوسته میان افراد چرخش داشته و افراد فعالیت خود را جابه جا می کنند، از اینرو طراحی سطح میز به گونه ای انجام شده است تا افراد بتوانند با چرخش میز فعالیت خود را به راحتی در همان محل میز تغییر داده و جابه جا کنند در نتیجه فعالیت افراد می تواند بخوبی بصورت فردی یا گروهی انجام شود. معمولا در مناطق مختلف کشور، شیوه های فراوری گل زعفران تا حدودی متفاوت است که برای همه انواع روش ها مناسب است. استفاده از میز ارگونومیک فراوری گل زعفران باعث تقویت کیفیت و تا حدودی کاهش ریسک فاکتورهای ارگونومیک می گردد ولی به دلیل اینکه کار بصورت نشسته انجام می گیرد احتمال بروز اختلالات اسکلتی عضلانی هنوز وجود دارد. بر این اساس مکانیزه کردن فرایند و حذف انسان از چرخه کار پیشنهاد می گردد. در مطالعه حاضر برای اولین بار طرح میز ارگونومیک فراوری گل زعفران ارایه شد با توجه به اینکه اصولا کار فراوری گل زعفران در کارگاه ها و منازل شاغلین این حرفه معمولا بصورت گروهی و چند نفره انجام می شود، شرایط میز به گونه ای طراحی گردید که در اطراف هر میز حداقل ۴ و حداکثر ۶ نفر توانایی انجام کار را بصورت نشسته داشته باشند. از آنجا که کار فراوری گل زعفران کاری مستمر و کاملا استاتیک است و منجر به خستگی و فرسودگی بیش از حد افراد در بازه های زمانی محدود می گردد بطور معمول انجام وظایف ساقه زنی و جداسازی کلاله از ضایعات گل پیوسته میان افراد چرخش داشته و افراد فعالیت خود را جابه جا می کنند، از اینرو طراحی سطح میز به گونه ای انجام شده است تا افراد بتوانند با چرخش میز فعالیت خود را به راحتی در همان محل میز تغییر داده و جابه جا کنند در نتیجه فعالیت افراد می تواند بخوبی بصورت فردی یا گروهی انجام شود. معمولا در مناطق مختلف کشور، شیوه های فراوری گل زعفران تا حدودی متفاوت است طراحی میز بصورتی است که برای همه انواع روش ها مناسب است. استفاده از میز ارگونومیک فراوری گل زعفران باعث تقویت کیفیت و تا حدودی کاهش ریسک فاکتورهای ارگونومیک می گردد ولی به دلیل اینکه کار بصورت نشسته انجام می گیرد احتمال بروز اختلالات اسکلتی عضلانی هنوز وجود دارد. بر این اساس مکانیزه کردن فرایند و حذف انسان از چرخه کار پیشنهاد می گردد. مکانیزه شدن فرآیند برداشت زعفران (گل چینی و جداسازی کلاله) می تواند علاوه بر کاهش هزینه های تولید، آلودگی میکروبی کلاله را کاهش دهد همچنین با حذف ریسک فاکتورهای ارگونومیک نقش موثری در کاهش اختلالات اسکلتی عضلانی خواهد داشت مکانیزاسیون راندمان کار را بهبود می بخشد و بازده هر کارگر را افزایش می دهد. این میز برای کلیه افرای که در کشت و فراوری زعفران دخیل هستند قابل استفاده است.

تأثیرات و کاربردها:

استفاده از میز ارگونومیک فراوری گل زعفران باعث تقویت کیفیت و تا حدودی کاهش ریسک فاکتورهای ارگونومیک می گردد ولی به دلیل اینکه کار بصورت نشسته انجام می گیرد احتمال بروز اختلالات اسکلتی عضلانی هنوز وجود دارد. مکانیزه شدن فرآیند برداشت زعفران (گل چینی و جداسازی کلاله) می تواند علاوه بر کاهش هزینه های تولید، آلودگی میکروبی کلاله را کاهش دهد. همچنین با حذف ریسک فاکتورهای ارگونومیک نقش موثری در کاهش اختلالات اسکلتی عضلانی خواهد داشت مکانیزاسیون راندمان کار را بهبود می بخشد و بازده هر کارگر را افزایش می دهد.

محدودیت های شواهد:

این طرح دارای محدودیت خاصی نیست.

مخاطبان طرح پژوهشی:

پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

beheshtihasan@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Roberts JM. Preventing pre-eclampsia .Lancet. ۱۹۹۶;۳۴۸(۹۰۲۳):۲۸۱-۲.
۲. Apostoli P, Sala E, Gullino A ,Romano C. Comparative analysis of the use of ۴ methods in the evaluation of the biomechanical risk to the upper limb. Giornale italiano di medicina del lavoro ed ergonomia. ۲۰۰۴.
۳. Karimi M, Amiri M, Mosharraf S, Rouhi-Boroujeni H. Posturing Analysis by REBA Method to Determine Productive Risk Factors of Muscular Skeletal Disorders and Improving Priorities of Performing Work Procedure in Shahrekord Dentistry Jobs. International Journal of Epidemiologic Research. ۲۰۱۹.
۴. Suciu A, Repanovici A, Cotoros D, Druga C, Serban I. Experimental Device for Monitoring Dentists' Posture during Work. Procedia Manufacturing. ۲۰۱۹;۳۲:۵۹۶-۹.



عنوان طرح تحقیقاتی: دانش، باور و رفتار غذایی مرتبط با بیماری کووید ۱۹ در شهرستان گناباد در سال ۱۳۹۹

تاریخ خاتمه طرح : ۱۴۰۳/۰۹/۰۶

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

رضا نوری، گروه پرستاری سلامت جامعه ، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

مژگان منصوریان، پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

شهلا خسروان، گروه پرستاری سلامت جامعه ، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

سید امیر طبابائی زاده، گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

نسیم خواجهویان، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

دانش، نگرش و رفتار شرکت کنندگان نسبت به تغذیه در دوران همه گیری کووید-۱۹ در ایران، در سطح متوسط و بالاتر قرار داشت. پیام کلیدی:

دانش، نگرش و رفتار مشارکت کنندگان نسبت به تغذیه در بیماری کووید-۱۹ که در مرحله آغاز شیوع در ایران بود در حد متوسط و بالاتر بود. **متن پیام پژوهشی:**

عملکرد سیستم ایمنی بدن نقش مهمی در پیشگیری از بیماری های تنفسی از جمله بیماری کرونا دارد. کمبود دریافت مواد غذایی و ویتامین های مانند D, C و A و تضعیف سیستم ایمنی بدن احتمال ابتلا به بیماری ها را افزایش می دهد. در مورد بیماری کرونا نیز بیان شده است که شاه کلید پیشگیری از این بیماری تغذیه سالم است و بر همین اساس توصیه هایی برای پیشگیری و مقابله بهتر با این بیماری انجام شده است از جمله: مصرف سبزی و سالاد و میوه های دارای ویتامین C، مصرف هویج، کدو حلوایی و پیاز همراه با غذا، استفاده از منابع پروتئین مانند تخم مرغ و همچنین عدم مصرف فست فود ها و غذای های خام یا نیم پز و عدم صرف غذا در مکان های غیر بهداشتی، همچنین توصیه شده است که از مصرف مکمل ها به دلیل اینکه دوزهای بالای ویتامین ها و مواد معدنی اثر محافظتی ثابت شده ای ندارد باید پرهیز شود و همچنین مصرف بی رویه مواد غذایی مانند زنجبیل و سیر می تواند پیامدهای نامطلوبی بر متابولیسم بدن و تداخل در جذب و تاثیر داروها داشته باشند. با توجه به مطالب ذکر شده و اینکه باورها و رفتارهای تغذیه ای در پیشگیری و کنترل بیماری کووید ۱۹ موثر بوده و همچنین تاثیر بعضی از مواد غذایی در درمان این بیماری که ممکن است بر دانش و عادات تغذیه ای مردم در قبل و بعد از این اپیدمی تاثیر بگذارد. نتایج این پژوهش نشان داد که دانش، نگرش و رفتار های تغذیه ای ساکنین شهر گناباد نسبت به بیماری کووید ۱۹ مناسب بوده است لذا می توان گفت که برنامه های آموزشی برنامه ملی تا حد ممکن و در زمان کم پس از شناسایی شدن بیماری در ایران توانسته دانش، نگرش و رفتارهای بهداشتی تغذیه ای را در ساکنین شهر گناباد (که از شهرهای آلوده به ویروس نیز بوده) را اصلاح نماید اما ادامه برنامه آموزش بهداشت برای مردم با تمرکز بر تغذیه نیاز به افزایش دارد. برنامه های آموزشی برنامه ملی تا حد ممکن و در زمان کم پس از شناسایی شدن بیماری در ایران توانسته دانش، نگرش و رفتارهای بهداشتی تغذیه ای را در ساکنین شهر گناباد (که از شهرهای آلوده به ویروس نیز بوده) را اصلاح نماید اما ادامه برنامه آموزش بهداشت برای مردم با تمرکز بر تغذیه نیاز به اصلاح و افزایش دارد. (بهبود دانش، باورها و رفتارهای بهداشتی در کنترل اپیدمی)

تأثیرات و کاربردها:

بین متغیر وضعیت اقتصادی و میانگین متغیرهای دانش و نگرش تغذیه ای هیچ تفاوت معنی دار آماری وجود نداشت ولی میزان میانگین نمره متغیر رفتار در وضعیت های مختلف اقتصادی، تفاوت داشت ($p=0/26$).

آزمون hoc post بیانگر وجود اختلاف رفتار تغذیه ای بین دو گروه پایین و متوسط از لحاظ اقتصادی و بیانگر وجود اختلاف بین «دانشجویان با کارمند» و «دانشجویان با زنان خانه دار» بود.

محدودیت های شواهد:

عدم امکان جمع آوری داده به علت شرایط مرتبط با رعایت قرنطینه

عدم درک صحیح سوالات در پاسخگویان اینترنتی که با ارائه شماره تلفن پرسشگران قابلیت ایجاد ارتباط فراهم می شود.

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.cambridge.org/core/journals/public-health-nutrition/article/nutritional-knowledge-attitude-and-behaviors-regarding-covid-19-among-residents-of-gonabad-iran/FBFFYECYFAC349EY6393BA5E2FEB0123>

منابع و مراجع:

۱. Vol. ۱۱ No. ۱ (۲۰۱۹): Fieldwork identities / Research How much can a KAP survey tell us about people's knowledge, attitudes and practices? Some observations from medical anthropology research on malaria in pregnancy in Malawi. Annika Launiala Anthropology Matters.
۲. Kaliyaperumal K. Guideline for Conducting a Knowledge, Attitude and Practice (KAP) Study. Community Ophthalmology, ۲۰۰۴. http://laico.org/v2020/resource/files/guideline_kap_Jan_mar04.pdf.
۳. <https://www.who.int/news-room/q-a-detail/q-a-coronaviruses>
۴. Ahmadiara E. Possibility of Faecal-Oral Transmission of Novel Coronavirus (SARS-CoV-۲) via Consumption of Contaminated Foods of Animal Origin: A Hypothesis. Journal of food quality and hazards control. ۲۰۲۰ Feb ۲۷



عنوان طرح تحقیقاتی: طراحی و ارزشیابی برنامه آموزشی مبتنی بر مراحل تغییر بر شروع زودرس تغذیه تکمیلی در مادران باردار مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهر خواف

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مهدی مشکی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 زینب با سلیقه، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 میترا دوگونچی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 نسیم خواجهویان، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

رشد و تکامل مطلوب کودکان مستلزم تغذیه صحیح و عادات غذایی مناسب است. عدم آگاهی مادران نسبت به تغذیه کودکان و رفتارهای نامناسب آنها در این خصوص، از مهمترین علل سوءتغذیه است.

پیام کلیدی:

رشد و تکامل مطلوب کودکان مستلزم تغذیه صحیح و عادات غذایی مناسب است. عدم آگاهی مادران نسبت به تغذیه کودکان و رفتارهای نامناسب آنها در این خصوص، از مهمترین علل سوءتغذیه است.

متن پیام پژوهشی:

مشکلات تغذیه‌ای کودکان یکی از مشکلات جدی نوزادی است. سن شروع تغذیه تکمیلی در شیرخواران موقعی است که شیرخوار نمی‌تواند مقدار یر کافی انرژی و مواد غذایی را از شیر مادر به تنهایی کسب کند. شروع زودرس و دیررس غذای تکمیلی هر دو باعث ایجاد عوارض شدید می‌شود لذا با توجه به اهمیت شروع زودرس تغذیه تکمیلی در مادران باردار، مطالعه حاضر مراحل تغییر بر شروع زودرس تغذیه تکمیلی در مادران باردار مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهر خواف را مورد ارزیابی قرار داد. بیانگر اهمیت طراحی برنامه آموزش شروع زودرس تغذیه تکمیلی در

مراحل تغییر رفتار مادران در ارتباط با تغذیه تکمیلی کودکان بود. توجه به اهمیت شروع زودرس هنگام تغذیه تکمیلی و استفاده از مواد غذایی مناسب در این گروه سنی می‌توان نتیجه گرفت اجرای برنامه مداخله‌ای مبتنی بر مدل مراحل تغییر در قالب آموزش سبب افزایش آگاهی و تأثیر مثبت مراحل تغییر رفتار مادران باردار در رابطه با شروع زودرس تغذیه تکمیلی در مادران باردار شد. به‌طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان‌دهنده اثربخشی کاربرد مدل مراحل تغییر رفتار در قالب آموزش شروع زودرس تغذیه تکمیلی کودکان است. بنابراین با توجه به نتایج این پژوهش و همچنین کم هزینه بودن روش استفاده شده، لزوم تعمیم این‌گونه برنامه‌های آموزشی و گسترش آن در جهت اثرات مثبت این طرح بر مراحل تغییر رفتار زنان باردار ضروری می‌باشد. نتایج این مطالعه، کارآیی الگوی مراحل تغییر در ارتقای تغذیه تکمیلی در کودکان را تایید می‌کند. از آنجایی که سن شروع تغذیه تکمیلی یکی از علل سوءتغذیه و تأخیر رشد در کودکان است به نظر می‌رسد استفاده از این الگو در تدوین برنامه‌های آموزشی جهت آموزش مادران به منظور ارتقاء تغذیه کودکان، مناسب باشد.

تأثیرات و کاربردها:

نتایج مطالعه حاضر نشان‌دهنده اثربخشی کاربرد مدل مراحل تغییر رفتار در قالب آموزش شروع زودرس تغذیه تکمیلی کودکان است. بنابراین با توجه به نتایج این پژوهش و همچنین کم هزینه بودن روش استفاده شده، لزوم تعمیم این‌گونه برنامه‌های آموزشی و گسترش آن در جهت اثرات مثبت این طرح بر مراحل تغییر رفتار زنان باردار ضروری می‌باشد.

محدودیت‌های شواهد:

در حال حاضر برنامه مشخص جهت سنجش شروع زودرس تغذیه تکمیلی در مادران باردار در مراکز جامع سلامت انجام نمی‌شود. پیشنهاد ما استفاده مستمر از روش‌های آموزش استاندارد و آگاه سازی مادران پیرامون اهمیت زمان شروع تغذیه تکمیلی می‌باشد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
خیر

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

drmoshki@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Butler JT. Principles of health education and health promotion^۳ .rd edition, Belmont, CA: Wadsworth/Thomson Learning; ۲۰۰۱. Shahrekord Univ Med Sci. ۲۰۱۱.
2. Shahbazi A, Ghorbani R, Frivar F, Shah-Hoseini A. A survey on the starting age of complementary feeding and some of its associated factors in the breast-feeding infants (Semnan, Iran). Koomesh. ۲۰۰۷.
3. WHO working Group on the Growth Reference Protocol WHO Task Force on Methods for the Natural Regulation of Fertility. Growth of healthy infants and the timing, type, and frequency of complementary foods. The American Journal of Clinical Nutrition. ۲۰۰۲.
4. Prochaska JO, Velicer WF. The transtheoretical model of health behavior change. American Journal of Health Promotion. ۱۹۹۷.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی اثر آموزش مهارت‌های ارتباط زوجی با استفاده از نرم افزار چندرسانه‌ای بر شدت علائم یائسگی، کیفیت زندگی و رضایت زناشویی در زنان سنین گذار به یائسگی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

نرجس بحری، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
آرزو حاجی وثوق، مرکز مشاوره، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
فاطمه یعقوبی مقدم، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
فاطمه محمدزاده، مرکز مشاوره، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
اکرم غلامی، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

آموزش مهارت‌های ارتباط زوجین با استفاده از نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، به طور معنی‌داری رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد.

پیام کلیدی:

آموزش مهارت‌های ارتباط زوجی با استفاده از نرم افزار چندرسانه‌ای باعث افزایش معنی‌دار میزان رضایت زناشویی می‌شود.

متن پیام پژوهشی:

یائسگی یکی از مراحل تکاملی زنان محسوب می‌گردد که تمام زنان با افزایش سن آن را تجربه می‌کنند. این پدیده زنان را در معرض تغییرات گسترده‌ای قرار می‌دهد و گاهی برخی علائم آن به اندازه‌ای شدید است که بر فعالیت‌های عادی روزانه افراد تأثیر منفی می‌گذارد و کیفیت زندگی و رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. متأسفانه اکثر زنان یائسه و یا در شرف یائسگی، از تغییرات و علائم این دوران، آگاهی کافی ندارند. داشتن اطلاعات و آگاهی کافی در مورد یائسگی و همراهی همسران به منظور حمایت اجتماعی از زن در دوره گذر از یائسگی ضرورت دارد. لذا این مطالعه با هدف بررسی اثر آموزش مهارت‌های ارتباط زوجی با استفاده از نرم افزار چندرسانه‌ای بر شدت علائم یائسگی، کیفیت زندگی و رضایت زناشویی در زنان سنین گذار به یائسگی انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی زوجی با استفاده از نرم افزار چند رسانه‌ای بر شدت علائم یائسگی و کیفیت زندگی تأثیر نداشته است. همچنین دیگر نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی زوجی با استفاده از نرم افزار چند رسانه‌ای سبب افزایش نمرات رضایت زناشویی می‌شود. با توجه به اینکه در این مطالعه آموزش مهارت‌های ارتباطی زوجی با استفاده از نرم افزار چند رسانه‌ای باعث افزایش معنی‌دار نمرات رضایت زناشویی شده است، بنظر می‌رسد چنانچه مداخله انجام شده برای تمامی زنان سنین گذار یائسگی انجام شود می‌تواند رضایت زناشویی را ارتقا بخشد. بطور کلی با توجه با اثرات مثبت آموزش مهارت‌های ارتباطی زوجی با استفاده از نرم افزار چند رسانه ای در ارتقای رضایت زناشویی، پیشنهاد می‌شود از این روش آسان، در دسترس و بدون عارضه جانبی برای ارتقای رضایت زناشویی استفاده شود. با توجه با اثرات مثبت آموزش مهارت‌های ارتباطی زوجی با استفاده از نرم افزار چند رسانه‌ای در ارتقای رضایت زناشویی، پیشنهاد می‌شود از این روش آسان، در دسترس و بدون عارضه جانبی برای ارتقای رضایت زناشویی استفاده شود.

تأثیرات و کاربردها:

آموزش مهارت‌های ارتباط زوجی با استفاده از نرم افزار چندرسانه‌ای بر شدت علائم یائسگی و همچنین بر کیفیت زندگی زنان تأثیرات معنی‌داری نداشته است. اما آموزش مهارت‌های ارتباط زوجی با استفاده از نرم افزار چندرسانه‌ای باعث افزایش معنی‌دار میزان رضایت زناشویی شده است.

محدودیت‌های شواهد:

میزان دقت واحدهای پژوهش در زمان پاسخگویی به سوالات و وضعیت روانی آن‌ها بر نحوه پاسخگویی مؤثر است که کنترل کامل آن‌ها میسر نمی‌باشد اما سعی می‌شود با ایجاد شرایط و محیط مناسب، این محدودیت به طور نسبی کنترل گردد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه‌کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و پژوهشگران

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟

خیر

1. Soules M, Sherman S, Parrott E, Rebar R, Santoro N, Utian W. Executive summary: Stages of Reproductive Aging Workshop (STRAW). Climacteric. ۲۰۰۱.
2. Cunningham F, Leveno K, Bloom S, Spong C, Dashe J, Hoffman B, et al. Williams Obstetrics. ۲۵ ed: McGraw-Hill Education / Medical; ۲۵th edition. ۲۰۲۰.
3. Jafari Giv S, Peyman N, Esmaeili H, Tajfars M. Prediction of the Quality of Life of Menopausal Women Based on Health Literacy and Self-Efficacy. Iran Journal of Education and Community Health. ۲۰۲۰.
4. Hoseiniamin S, Sedmerzaei S, Edrisi A. A Study of the Quality of Life and Factors Affecting It (Case Study: Citizens of Tehran). Social Development & Welfare Planning. ۲۰۱۶.



عنوان طرح تحقیقاتی: تبیین اجرای دستورالعمل برنامه ترویج زایمان طبیعی طرح تحول نظام سلامت از دیدگاه ماماهاى شاغل دانشگاه علوم پزشکی گناباد

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

وجیهه آرمان مهر، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
الهه بنفشه، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
عبدالجواد خواجوی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
علی عالمی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

پیاده سازی دستورالعمل ترویج زایمان طبیعی مستلزم نگاه فرآیندی، بلند مدت و با مشارکت جامعه است.

پیام کلیدی:

پیاده سازی دستورالعمل ترویج زایمان طبیعی مستلزم نگاه فرآیندی، بلند مدت و با مشارکت جامعه است.

متن پیام پژوهشی:

میزان سزارین انتخابی و ترویج زایمان طبیعی یکی از چالش های امروز مراقبت سلامت است. در سال های اخیر برنامه ترویج زایمان طبیعی به عنوان یکی از اجزای برنامه تحول نظام سلامت در ایران اجرا شده است. هدف این مطالعه کشف عوامل موثر بر پیاده سازی این برنامه و چالش های فراروی ترویج زایمان طبیعی بنا بر تجارب ماماها بود. عوامل اثرگذار بر پیاده سازی برنامه ترویج زایمان طبیعی بنا بر تجارب ماماهاى مشارکت کننده در این مطالعه در قالب هشت تم خلاصه شد. این تم ها به جز یک مورد، آموزش جامع، با عوامل چارچوب وینسنت تطبیق داشت و بنابراین از آن حمایت کرد. مجموعه این عوامل همچون قطعات یک پازل مکمل هم بوده و از آنجا که هر سه سطح خرد، میانی و کلان نظام سلامت را در بر می گیرند حکایت از لزوم مداخلات چند وجهی و تمام سیستمی در راستای تحقق اهداف برنامه ترویج زایمان طبیعی دارند. همچنین بنظر می رسد که بنا بر ذات فرهنگی و غیرمقطعی ترویج زایمان طبیعی، مداخلات موثر نه تنها باید متناظر بر تمامی این عوامل طراحی گردند بلکه باید طول زمان را دربرگرفته و محدود به حین زایمان نمانند. آگاهی از موانع و تسهیل گرهای برنامه ترویج زایمان طبیعی طرح تحول نظام سلامت از دید ماماها و ارائه نتایج آن به مسئولین و سیاست گزاران، جهت بهبود اجرا و عملکرد نهایی این برنامه.

تأثیرات و کاربردها:

عوامل اثرگذار بر پیاده سازی برنامه ترویج زایمان طبیعی بنا بر تجارب ماماها مشارکت کننده در این مطالعه در قالب هشت تم خلاصه شد. این تم ها به جز یک مورد، آموزش جامع، با عوامل چارچوب وینسنت تطبیق داشت و بنابراین از آن حمایت کرد. مجموعه این عوامل همچون قطعات یک پازل مکمل هم بوده و از آنجا که هر سه سطح خرد، میانی و کلان نظام سلامت را در بر می گیرند حکایت از لزوم مداخلات چند وجهی و تمام سیستمی در راستای تحقق اهداف برنامه ترویج زایمان طبیعی دارند.

محدودیت های شواهد:

با توجه به کوچک بودن محیط، ممکن است ماماها آزادی بیان لازم را احساس نکرده و به راحتی اظهار نظر نکنند. محدودیت مربوط به ویژگی محیط پژوهش است. به عبارتی به دلیل اینکه تنها یک بیمارستان در شهر گناباد وجود دارد و در نتیجه طرح تنها در یک محیط (شامل مدیریت، پرسنل، امکانات و...) اجرا می شود، ممکن است تنوع کافی در داده ها وجود نداشته باشد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مدیران، سیاستگذاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC۱۰۱۲۶۴۴۷/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

varmanmehr@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Jansen I. Decision making in childbirth: the influence of traditional structures in a Ghanaian village. International nursing review. ۲۰۰۶.
۲. Premberg A, Lundgren I. Fathers' experiences of childbirth education. The Journal of Perinatal Education. ۲۰۰۶.
۳. Miller AC, Shriver TE. Women's childbirth preferences and practices in the United States. Social science & medicine. ۲۰۱۲.
۴. Davis_Floyd R. The technocratic, humanistic, and holistic paradigms of childbirth. International Journal of Gynecology & Obstetrics. ۲۰۰۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت اجتماعی کارگران زن شاغل در صنعت چینی سازی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

اکرم تبریزی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
محمد حسین، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
علی فیروزی، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مصطفی جعفری، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

زاهد رضایی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
نسیم خواجهیان، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
فرحناز حیدری، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

عوامل شغلی و اجتماعی مانند کمبود روشنایی، استرس حرارتی و شرایط اقتصادی-اجتماعی، سلامت اجتماعی زنان شاغل در صنعت چینی سازی را به طور جدی تهدید می کند.

پیام کلیدی:

عوامل اجتماعی و شغلی موثر بر سلامت اجتماعی کارگران زن شاغل در صنعت چینی سازی

متن پیام پژوهشی:

در دنیای امروز دیدگاه‌های سلامت چشم اندازی وسیع پیدا کرده است. هر یک از عوامل تعیین کننده سلامت به خودی خود یا از طریق تاثیر بر یکدیگر وضعیت سلامت را به شدت تحت تاثیر قرار می دهند. طبق مطالعات عوامل بیولوژیکی و ژنتیک ۱۵ درصد، عوامل جسمی که مربوط به خدمات پزشکی هستند ۲۵ درصد و عوامل اجتماعی ۵۰ تا ۷۵ درصد می توانند در سلامت افراد تاثیر گذار باشند. امروزه اشتغال زنان با پیشرفت جوامع تغییر و تحول پیدا کرده و آنان را به سوی مشاغل صنعتی سوق داده است. از آنجا که زنان از ارکان خانواده و جامعه اند، توجه به ابعاد گوناگون سلامت آنان می بایست دارای جایگاه ویژه ای باشد. بعد اجتماعی شاید مهم ترین و جامع ترین بعد از میان جنبه های مختلفی باشد که می توان سلامت زنان را بررسی کرد. با توجه به نتایج بدست آمده و ارتباط سلامت اجتماعی با عوامل شغلی مورد مطالعه و با توجه به ماهیت کاری مشاغل صنعتی و وجود وظایف سنگین و انواع عوامل زیان آور شغلی در صنعت، سلامتی این قشر از جامعه نیاز به توجه جدی و بررسی علمی دارد و در صورت عدم توجه به این مورد سلامتی این قشر از جامعه در خطر می باشد و آثار اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی و ... را در پی خواهد داشت. همچنین با توجه به نتایج لزوم توجه به عوامل اجتماعی موثر بر سلامت اجتماعی شامل (نوسانات اقتصادی، درآمد، شرایط سکونت (در خانه همراه با کسی زندگی کردن)، سن و وضعیت اقتصادی- اجتماعی) نیز وجود دارد. عوامل زیان آور شغلی در صنعت چینی سازی شامل کمبود روشنایی و وجود استرس حرارتی در محیط کار و همچنین عوامل اجتماعی شامل وضعیت اقتصادی- اجتماعی، درآمد، شرایط سکونت (در خانه همراه با کسی زندگی کردن)، سن و نوسانات اقتصادی در جامعه بر وضعیت سلامت اجتماعی زنان در جامعه موثر می باشد. لذا سلامتی این قشر از جامعه نیاز به توجه جدی و بررسی علمی دارد و بایستی تمهیدات مدیریتی در سطح کلان در این مورد در نظر گرفته شود.

تأثیرات و کاربردها:

عوامل زیان آور شغلی در صنعت چینی سازی شامل کمبود روشنایی و وجود استرس حرارتی در محیط کار و همچنین عوامل اجتماعی شامل وضعیت اقتصادی- اجتماعی، درآمد، شرایط سکونت (در خانه همراه با کسی زندگی کردن)، سن و نوسانات اقتصادی در جامعه بر وضعیت سلامت اجتماعی زنان در جامعه موثر می باشد.

محدودیت های شواهد:

مشکلات مربوط به هماهنگی، جمع آوری داده ها و انجام مصاحبه که سعی خواهد شد با توجیه شرکت کنندگان در پژوهش و اخذ وقت مناسب از آن ها کار را به انجام برسانیم.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

منابع و مراجع:

۱. Omidi M, Haghighatian M, Hashemianfar S A. Social health and its functions in urban communities (Case study: Isfahan metropolis). Urban sociological studies. ۲۰۱۷; ۷ (۲۴): ۱۵۷-۸۸.
۲. Keyes CLM. Social well-being. Social psychology quarterly. ۱۹۹۸:۱۲۱-۴۰.
۳. m J. Labor Law: doran; ۲۰۲۰.
۴. Marandi S A. Social factors of health. Journal of Culture and Health Promotion. ۲۰۲۰; ۴ (۲): ۱۳۱-۴۰. [in persian]



عنوان طرح تحقیقاتی: تاثیر ورزش پيلاتس برنامهریزی شده مادران خانه دار بر رابطه والد- فرزند و عزت نفس نوجوانان دختر

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

شهلا خسروان، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 محمد حسین بهشتی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 محمود متقی، تربیت بدنی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
 فاطمه محمدزاده، گروه آمارزیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

تمرینات پيلاتس مادران نتوانست رابطه والد-فرزند و عزت نفس دختران نوجوان را بهبود دهد.

پیام کلیدی:

با توجه به محدودیت های این پژوهش بررسی نگرش فرهنگی نسبت به ورزش بانوان و نیز بررسی نقش واسطه ای تعاملات گروهی هنگام انجام تمرینات ورزشی بجای تاثیر مستقیم تمرینات ورزشی بر بهبود روابط اجتماعی و عزت نفس به عنوان عوامل احتمالی تاثیرگذار بر نتایج این پژوهش توصیه می گردد.

متن پیام پژوهشی:

خانواده اولین و مهم ترین محیط برای رشد روانی- اجتماعی فرزندان است. ارتباطات در خانواده می تواند به عنوان توانایی اعضای خانواده در تبادل نیازها، احساسات و خواسته های خود با یکدیگر تعریف شود. بسیاری از مطالعات ثابت کرده اند کیفیت ارتباط بین اعضای خانواده به کیفیت روابط والدین و فرزند کمک کرده و باعث رشد و سلامت و ایجاد احساس صمیمیت و امنیت در کودک می شود فقدان رابطه والد- کودک سبب می شود که فرد در سن نوجوانی به سمت رشد منفی عاطفی و اجتماعی سوق داده شود. یکی از عوامل مؤثر خانواده در سلامت روان نوجوانان، تعامل والدین و فرزند است. کیفیت رابطه والدین و فرزندان ارتباط نزدیکی با رفتارهای نوجوان و سازگاری روانی آنها دارد به طوری که عدم آگاهی کافی والدین و نوجوانان از مهارت های ارتباطی و تعامل با یکدیگر باعث بروز ناسازگاری می شود. با توجه به اینکه ارتباط بین مادر- فرزند و روش های فرزندپروری در ایجاد ویژگی ها و خصوصیات فرزندان تاثیرگذار می باشد و از آنجا که مادر، معمولاً نخستین مراقب کودک است و بسیاری از مشکلات روان شناختی ریشه در تعامل بین مادر و فرزند دارد، این ارتباط و تعامل همیشه مورد توجه خاص بوده است. در این بین، رابطه والدین با نوجوانان دختر تاثیر بسیاری در سازگاری روان شناختی آنها در بزرگسالی دارد. به دلیل اینکه نوجوانی یک مرحله حساس از دوران زندگی فرد می باشد. و تحول اجتماعی در آن، تحت تاثیر عوامل مختلف مانند وراثت، محیط زندگی، فرهنگ، روابط با همسالان و روابط والدین با یکدیگر قرار می گیرد، ارتباط مناسب در این دوران بسیار مهم و ضروری است. نتایج پژوهش های متعدد حاکی از آن است که دختران نوجوان نسبت به پسران نوجوان، دلبستگی و ارتباط بیشتر و قوی تری را با والدین خود نشان می دهند. همچنین دوره نوجوانی می تواند دوره چالش بر انگیزی از زندگی باشد زیرا تغییرات سریع شناختی، جسمی، روانی و عاطفی اتفاق می افتد که بر سلامتی تاثیرگذار است و نقطه عطف مهمی در رشد فرد می باشد. با توجه به

حساسیت این دوره برای دختران به عنوان مادران آینده و اهمیت سلامت روان در انجام نقش‌های مادر، توجه به وضعیت روانی نوجوانان دختر کاملاً ضروری است. بر طبق آمار، کودکان و نوجوانان تقریباً یک سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. در این دوران اختلالات عملکرد روانی، به طور گسترده‌ای به عنوان شایع‌ترین بیماری مزمن شناخته شده است. بین ۲۰-۱۰ درصد از نوجوانان دارای مشکلات روانی و رفتاری هستند و حدود ۷ درصد به درمان روانی نیاز دارند در واقع نیمی از اختلالات روانی قبل از ۱۴ سالگی و ۷۵ درصد از آنها تا ۲۵ سالگی بروز می‌کنند در بین عوامل آسیب‌پذیری روانی، به ویژه در نوجوانان، عزت نفس نقش مهمی دارد. نتایج این پژوهش بطور کلی نشان داد که اجرای تمرینات پيلاتس توسط مادران بر رابطه والد-فرزندی و عزت نفس نوجوانان دختر آنها تاثیر نداشته است. با توجه به محدودیت‌های این پژوهش بررسی نگرش فرهنگی نسبت به ورزش بانوان و نیز بررسی نقش واسطه‌ای تعاملات گروهی هنگام انجام تمرینات ورزشی بجای تاثیر مستقیم تمرینات ورزشی بر بهبود روابط اجتماعی و عزت نفس به عنوان عوامل احتمالی تاثیرگذار بر نتایج این پژوهش توصیه می‌گردد. انجام این تمرینات می‌تواند بر رابطه والد-فرزندی و عزت نفس نوجوانان دختر موثر باشد.

تأثیرات و کاربردها:

تأثیر اجرای تمرینات پيلاتس توسط مادران بر رابطه والد-فرزندی و عزت نفس نوجوانان دختر آنها تاثیر نداشته است. با توجه به محدودیت‌های این پژوهش بررسی نگرش فرهنگی نسبت به ورزش بانوان و نیز بررسی نقش واسطه‌ای تعاملات گروهی هنگام انجام تمرینات ورزشی بجای تاثیر مستقیم تمرینات ورزشی بر بهبود روابط اجتماعی و عزت نفس به عنوان عوامل احتمالی تاثیرگذار بر نتایج این پژوهش توصیه می‌گردد.

محدودیت‌های شواهد:

احتمال عدم دقت مادران در انجام تمرینات ورزشی و عدم نظارت حضوری و دقیق مادران توسط پژوهشگران که به علت غیر حضوری بودن برنامه تمرین ایجاد شده بود.

تفاوت‌های فردی، صداقت، شرایط روحی و روانی نمونه‌های مورد پژوهش در پاسخگویی به سوالات بر نتیجه پژوهش تاثیر داشت که کنترل آن خارج از توانایی پژوهشگران بود.

عدم پاسخگویی تلفنی و عدم دسترسی به اینترنت در هر دو گروه قبل و بعد از انجام مداخله، مانع از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط بعضی از شرکت کنندگان گردید و این مورد ریزش نمونه‌ها را در پی داشت.

با توجه به شرایط غیر حضوری و آنلاین جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، دشواری در خواندن عبارت‌های پرسشنامه، درک و فهم سوال‌ها و سوداری احتمالی پاسخ‌ها وجود داشت.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

khosravan@gm.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Knox E, Muros JJ. Association of lifestyle behaviours with self-esteem through health-related quality of life in Spanish adolescents. *European journal of pediatrics*. ۲۰۱۷.
2. [Mastrotheodoros S, Canário C, Gugliandolo MC, Merkas M, Keijsers L. Family functioning and adolescent internalizing and externalizing problems: Disentangling between-, and within-family associations. *Journal of youth and adolescence*. ۲۰۱۹.
3. [۲] Babore A, Trumello C, Candelori C, Paciello M, Cerniglia L. Depressive symptoms, self-esteem and perceived parent-child relationship in early adolescence. *Frontiers in psychology*. ۲۰۱۶.

۴. Alimordi Z, Simbar M. Puberty health education for Iranian adolescent girls: challenges and priorities to design school-based interventions for mothers and daughters. Payesh (Health Monitor). ۲۰۱۴.



عنوان طرح تحقیقاتی: تاثیر آموزش خود مدیریتی مبتنی بر الگوی ارتقا سلامت پندر بر یافته‌های بالینی بیماران مبتلا به تب مالت

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

شهلا خسروان، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مریم تواضعی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
محمدرضا منصوریان، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
فرنوش شریفی، گروه عفونی، بیمارستان بهلول گنابادی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
فاطمه محمدزاده، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

آموزش خودمدیریتی بر پایه مدل ارتقای سلامت پندر می‌تواند به کنترل علائم تب مالت و پیشگیری از عود یا مزمن شدن بیماری کمک کند

پیام کلیدی:

مدل ارتقاء سلامت پندر به منظور کنترل علایم بالینی به منظور پیشگیری از عود و یا مزمن شدن بیماری تب مالت استفاده می‌شود.

متن پیام پژوهشی:

تب مالت در ایران به ویژه در نواحی روستایی به صورت بیماری بومی است. کنترل بیماری در گرو آموزش جامعه است؛ و همانطور که مطرح شد آموزشی موثر است که منجر به شناخت رفتارها، عادات نادرست، چگونگی تغییر رفتار و اتخاذ شیوه‌های صحیح شود. در مطالعه حاضر آنچه دارای اهمیت است برنامه‌ریزی مداخله آموزشی خود مدیریتی در زمان مناسب و منظم با استفاده از الگوی ارتقا سلامت پندر و با تاکید بر خود مدیریتی افراد است. نتایج مطالعه نشان داد که مداخله آموزشی خود مدیریتی طراحی شده با الگوی ارتقا سلامت پندر در بهبود رفتارهای خود مدیریتی و علائم و یافته‌های بالینی و آزمایشگاهی بیماران مبتلا به تب مالت موثر است. لذا تمرکز بر آموزش خودمدیریتی با استفاده از مدل ارتقا سلامت پندر به منظور کنترل علایم بالینی به منظور پیشگیری از عود و یا مزمن شدن بیماری تب مالت توصیه می‌شود. در بهبود رفتارهای خود مدیریتی و علائم و یافته‌های بالینی و آزمایشگاهی بیماران مبتلا به تب مالت کاربرد دارد.

تأثیرات و کاربردها:

در بهبود رفتارهای خود مدیریتی و علائم و یافته‌های بالینی و آزمایشگاهی بیماران مبتلا به تب مالت کاربرد دارد.

آموزش خودمدیریتی با استفاده از مدل ارتقا سلامت پندر به منظور کنترل علایم بالینی به منظور پیشگیری از عود و یا مزمن شدن بیماری تب مالت تاثیر دارد.

محدودیت‌های شواهد:

محدودیت نمونه‌ها و مشارکت کنندگان در همه فصول سال

عدم همکاری دامداران به علت ضرر احتمالی اقتصادی

عدم همکاری بیماران به دلیل خجالت ابراز بیماری

عدم همکاری مشارکت کنندگان خصوصا اقایان به دلیل از کار افتادگی

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاستگذاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

khosravan@gmu.ac.ir

منابع و مراجع:

۱. Holman H, Lorig K. Self-management education: history, definition, outcomes, and mechanisms. Annals of Behavioral Medicine. ۲۰۰۳.
۲. Grady PA, Gough LL. Self-management: a comprehensive approach to management of chronic conditions. American journal of public health. ۲۰۱۴.
۳. Organization WH. Joint external evaluation tool: International Health Regulations. ۲۰۱۸.
۴. Alavi SM, Alavi L. Comparative study of current diagnostic method with clinical based method for brucellosis: presentation of diagnostic clinical criteria in limited resource area. ۲۰۱۰.



عنوان طرح تحقیقاتی: ترجمه و روانسنجی نسخه فارسی مقیاس کیفیت زندگی پرستاران

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

موسی سجادی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مهرداد یوسف نژاد، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
حبیب شارعی نیا، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

ترجمه و روانسنجی نسخه فارسی مقیاس کیفیت زندگی پرستاران

پیام کلیدی:

کیفیت زندگی در پرستاران مهم بوده که نیازمند ابزاری دقیق، جامع و ویژه جهت بررسی کیفیت زندگی پرستاران می باشد. به نظر می رسد این ابزار ابزاری دقیق، جامع و ویژه جهت بررسی کیفیت زندگی پرستاران می باشد.

متن پیام پژوهشی:

کیفیت زندگی پرستاران به میزان زیادی می تواند متاثر از عوامل شغلی باشد که بر شرایط و عملکرد حرفه ای آنان تأثیر گذار است. بر این اساس، بررسی کیفیت زندگی در پرستاران مهم بوده که نیازمند ابزاری دقیق، جامع و ویژه جهت بررسی کیفیت زندگی پرستاران می باشد. مطالعه حاضر با هدف ترجمه و روانسنجی نسخه فارسی مقیاس کیفیت زندگی پرستاران انجام شد. تدوین ابزاری مناسب و دارای خصوصیات قاطع روانسنجی به منظور استفاده در پرستاران جهت ارزیابی کیفیت زندگی آن ها کاربردی و ضروری است. در ایران ابزاری معتبر و در عین حال جامع همه ابعاد کیفیت زندگی که بتواند به صورت اختصاصی و ویژه کیفیت زندگی پرستاران را مورد سنجش قرار دهد وجود ندارد. از جمله ابزارهایی که می توان به آن اشاره کرد مقیاس NQOLS است. لذا هدف از مطالعه حاضر ترجمه و روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه کیفیت زندگی پرستاران است. یافته های مطالعه حاضر نشان می دهد که نسخه فارسی NQOLS اعتبار و پایایی کافی را نشان می دهد. بنابراین، می تواند به عنوان ابزاری موثر

برای اندازه گیری و بررسی کیفیت زندگی پرستاران در ایران مورد استفاده قرار گیرد. به نظر می رسد برای بررسی کیفیت زندگی پرستاران در ایران مورد استفاده قرار گیرد.

تأثیرات و کاربردها:

ابزاری موثر برای اندازه گیری و بررسی کیفیت زندگی پرستاران در ایران مورد استفاده قرار گیرد.

محدودیت های شواهد:

ممکن است که برخی باورها، رفتارها و ارزش های جامعه رعایت نشده باشد. از ابزار و فنون مناسب استفاده نشده باشد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://link.springer.com/article/10.1186/s12912-024-01839-7>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

sajjadi1975@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Dos Santos RMA, Beresin R. Quality of life of nurses in the operating room. Einstein. ۲۰۰۹.
۲. N P. Developing and validating a questionnaire to measure spirituality: A psychometric process. Global journal of health science. ۲۰۰۹.
۳. Seif A. Methods of educational measurement and evaluation. Tehran: Doran press ; ۲۰۰۳.
۴. Ebadi A, Zarshenas L, Rakhshan M, Zareiyan A, Sharifnia S, Mojahedi M. Principles of scale development in health science. Tehran: Jame-e-nar. ۲۰۱۷.



عنوان طرح تحقیقاتی: ویژگی های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس بی تفاوتی اخلاقی پرستار

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۱/۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

علی محمدپور، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
هدی صالحی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مهدی بصیری، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

نسخه فارسی مقیاس بی تفاوتی اخلاقی پرستار از روایی و پایایی مناسبی برخوردار می باشد.

پیام کلیدی:

به نظر می رسد نسخه فارسی مقیاس بی تفاوتی اخلاقی پرستار از روایی و پایایی مناسبی برخوردار می باشد.

متن پیام پژوهشی:

پرستاران به عنوان بزرگترین گروه ارائه کننده خدمت در سیستم های بهداشتی درمانی از نظر اخلاقی مسئول هستند و باید در برابر رفتارهای خود پاسخگو باشند. هر چند اخلاق در همه مشاغل ضروری است، اما در حرفه پرستاری ضرورت بیشتری دارد؛ زیرا رفتار معنوی و توأم با مسئولیت پرستاران، نقش موثری در بهبود و بازگشت سلامتی بیماران دارد، لذا حرفه پرستاری بر پایه اخلاق استوار است. طبق مطالعات انجام شده، موانع متعددی از جمله موانع مدیریتی، موانع مربوط به پرستار، موانع مربوط به بیمار و موانع محیطی می تواند سبب کاهش حساسیت و بروز عدم تعهد نسبت به مسائل اخلاقی در پرستاران گردد. مفهوم بی تفاوتی اخلاقی توسط آلبرت بندورا توسعه یافت. بندورا مکانیسم بی تفاوتی اخلاقی را برای توضیح اینکه چرا و چگونه در برخی از شرایط، افراد متعهد و درستکار ممکن است بر خلاف اصول اخلاقی خود عمل کنند بدون اینکه هیچگونه گناه و یا شرمی را تجربه کنند، وصیف کرده است. اهمیت درک بی تفاوتی اخلاقی در پرستاران و اتخاذ تصمیمات و برنامه ریزی های لازم، نیاز به استفاده از یک ابزار معتبر، اختصاصی و جامع جهت ارزیابی و کشف مشکلات موجود در این زمینه را دو چندان می کند. با توجه به اهمیت بومی سازی و تطابق فرهنگی ابزارهایی که در بافت های فرهنگی مختلف توسعه یافته اند و نیز ضرورت توجه و اندازه گیری بی تفاوتی اخلاقی پرستاران و در دسترس نبودن ابزار اندازه گیری بومی تخصصی در این زمینه، مطالعه حاضر به روان سنجی یکی از معدود ابزارهای تعیین بی تفاوتی اخلاقی پرستار خواهد پرداخت. ترجمه و بومی سازی این ابزار ضمن فراهم سازی بستر علمی لازم برای انجام مطالعات بیشتر در کشور، نیاز به تکرار ترجمه و تایید روایی و پایایی و همچنین طراحی و ساخت پرسشنامه جدید در این زمینه را برطرف می کند. لذا این مطالعه با هدف تعیین ویژگی های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس بی تفاوتی اخلاقی پرستار انجام خواهد شد. نتایج مطالعه حاضر از ساختار چهار عاملی با ۲۲ گویه برای این ابزار پشتیبانی کرد و مشخص کرد که این ابزار از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است. بنابراین می توان از این ابزار برای سنجش رفتارهای مرتبط با بی تفاوتی اخلاقی پرستاران استفاده و مداخلات متناسبی به منظور کاهش این رفتارهای آسیب زا طراحی و اجرا کرد. از این ابزار برای سنجش رفتارهای مرتبط با بی تفاوتی اخلاقی پرستاران استفاده و مداخلات متناسبی به منظور کاهش این رفتارهای آسیب زا طراحی و اجرا کرد.

تأثیرات و کاربردها:

از این ابزار برای سنجش رفتارهای مرتبط با بی تفاوتی اخلاقی پرستاران استفاده و مداخلات متناسبی به منظور کاهش این رفتارهای آسیب زا طراحی و اجرا کرد.

محدودیت های شواهد:

کسب اجازه از طراح اصلی پرسشنامه

مخاطبان طرح پژوهشی:

مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://jmehm.tums.ac.ir/index.php/jmehm/article/view/۱۳۶۵>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

dr.mohammadpour@gmu.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Bandura A. Selective moral disengagement in the exercise of moral agency. J Moral Educ. ۲۰۰۲.
2. Taghizadeh Z, Ebadi A, Montazeri A, Shahvari Z, Tavousi M, Bagherzadeh R. Psychometric properties of health related measures. Part ۱: Translation, development, and content and face validity. Payesh (Health Monitor). ۲۰۱۷
3. Farasatkish R, Shokrollahi N, Zahednezhad H. Critical care nurses 'moral sensitivity in Shahid Rajaei Heart Center Hospital. Iranian Journal of Cardiovascular Nursing. ۲۰۱۵.

۴. Huang FF, Yang Q, Zhang J, Khoshnood K, Zhang JP. Chinese nurses' perceived barriers and facilitators of ethical sensitivity. Nursing ethics. ۲۰۱۶ .



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی وضعیت روانشناختی، سواد سلامت دیابت، رفتار های خود مراقبتی و ارتباط آنها با رضایت از زندگی و کیفیت زندگی بیماران دیابتی نوع ۲ شهر گناباد
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

علیرضا جعفری، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
محبوبه نجاتیان، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مهدی مشکی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
موسی قلیچی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

سواد سلامت نقش کلیدی در بهبود و تقویت رفتارهای سلامت محور در زندگی افراد مبتلا به دیابت نوع ۲ دارد.

پیام کلیدی:

سواد سلامتی یکی از فاکتورهای مهمی است که در زمینه های مختلف می تواند به انجام بهتر و ارتقای رفتارهای سلامت محور کمک کند.

متن پیام پژوهشی:

بیماری دیابت یک از بیماری های غیر واگیر شایع در دنیا می باشد. شیوع بیماری دیابت در کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر از کشورهای پیشرفته در حال افزایش می باشد. بیماری دیابت با افزایش خطر ابتلا به اختلالات روانی همراه می باشد و افسردگی، اضطراب و استرس از شایع ترین عوارض جانبی آن می باشند. افسردگی یک بیماری رایج در بین بیماران دیابت نوع دو می باشد و تخمین زده می شود که افراد مبتلا به دیابت نوع ۲ حدود ۲ برابر بیشتر از سایر افراد جامعه از بیماری افسردگی رنج می برند. افسردگی و اضطراب با افزایش میزان قند خود در بیماران دیابتی مرتبط می باشد. از طرف دیگر سواد سلامت یکی از متغیرهایی است که می تواند انجام رفتار خود مراقبتی را در بیماران دیابتی پیش بینی کند. سواد سلامت به عنوان ظرفیت و توانایی افراد برای به دست آوردن، پردازش و درک اطلاعات مراقبت های بهداشتی به منظور تصمیم گیری مناسب در مورد وضعیت سلامت تعریف می شود و افزایش سطح سواد سلامت بیماران دیابتی و حمایت از افراد مبتلا به افسردگی برای افزایش مشارکت آنها در انجام رفتار های خود مراقبتی ضروری است. بر اساس نتایج بدست آمده افزایش سطح سواد سلامت دیابت و رضایت از زندگی و کاهش استرس می توانند در ارتقای سطح کیفیت زندگی موثر باشند. بنابراین لازم است تا برنامه هایی در جهت افزایش سطح سواد سلامت بیماران طراحی و اجرا کنیم تا با افزایش آگاهی سطح استرس بیماران را کاهش دهیم. افزایش سواد و کاهش استرس می تواند سطح رضایت زندگی و در نهایت کیفیت زندگی بیماران دیابتی را ارتقای دهد. طراحی و اجرای برنامه های مداخله ای در جهت پیشگیری یا کاهش مشکلات روانی و افزایش سواد سلامت و رفتارهای خود مراقبتی در بیماران دیابت نوع ۲ کاربرد دارد.

تأثیرات و کاربردها:

سواد سلامتی یکی از فاکتورهای مهمی است که در زمینه های مختلف می تواند به انجام بهتر و ارتقای رفتارهای سلامت محور کمک کند. افزایش سطح سواد سلامت دیابت می تواند به افراد دیابتی در زمینه شناسایی بهتر عوامل خطر، روش های پیشگیری، جستجوی صحیح اطلاعات سلامت و دریافت کمک های حرفه ای در زمینه دیابت به آنها کمک کند. همچنین افزایش سواد می تواند به انجام بهتر رفتارهای خود مراقبتی در بیماران منجر شود. اطمینان افراد از اینکه رفتارهای خود مراقبتی را به درستی انجام می دهند، می تواند یکی از عوامل موثر در کاهش استرس آنها باشد.

در نهایت انجام منظم و صحیح رفتارهای خود مراقبتی و کاهش استرس افراد نسبت به پیامدهای احتمالی بیماری، در طول زمان می تواند سطح رضایت از زندگی بیماران را ارتقای دهد و در نهایت به ارتقای کیفیت زندگی بیماران دیابتی نوع ۲ منجر گردد.
محدودیت های شواهد:

احتمال عدم همکاری مراکز خدمات جامع سلامت: ممکن است به دلیل تداخل با ساعت کاری و یا لزوم ارائه مجوز رسمی از دانشگاه، ممکن است همکاری نکنند.

راه حل: هماهنگی های لازم با مسئولین دانشگاه علوم پزشکی گناباد و مراکز بهداشتی- درمانی انجام خواهد شد.
مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران، سیاست گزاران، برنامه ریزان، پژوهشگران
آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ ندارد.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://doi.org/10.1038/s41598-024-51245-x>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

jafari.ar94@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Whiting DR, Guariguata L, Weil C, Shaw J. IDF diabetes atlas: global estimates of the prevalence of diabetes for ۲۰۱۱ and ۲۰۳۰. Diabetes research and clinical practice. ۲۰۱۱.
۲. Rwegerera GM, Moshomo T, Gaenamong M, Oyewo TA, Gollakota S, Rivera YP, et al. Health-related quality of life and associated factors among patients with diabetes mellitus in Botswana. Alexandria journal of medicine. ۲۰۱۸.
۳. Majeed A, El-Sayed AA, Khoja T, Alshamsan R, Millett C, Rawaf S. Diabetes in the Middle-East and North Africa: an update. Diabetes research and clinical practice. ۲۰۱۴.
۴. Anselmo MI, Nery M, Parisi MC. The effectiveness of educational practice in diabetic foot: a view from Brazil. Diabetology & Metabolic Syndrome. ۲۰۱۰.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی خصوصیات روانسنجی مقیاس چند وجهی منبع کنترل سلامت نسخه C در بیماران دیابتی نوع ۲ شهر تربت حیدریه در سال ۱۴۰۱

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۲/۴۰

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

علیرضا جعفری، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مهدی مشکی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
موسی قلیچی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گلستان، ایران
زهره زاده احمد، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

میترا دوگونیچی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

بی توجهی به رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابت نوع ۲ می تواند عوارض جدی ایجاد کند و استفاده از ابزار سنجش منبع کنترل سلامت به شناسایی و بهبود این رفتارها کمک می کند.

پیام کلیدی:

انجام رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی نوع ۲ برای کنترل بیماری و پیشگیری از ایجاد عوارض مختلف یکی امر ضروری می باشد و هر گونه بی توجهی در این زمینه می تواند پیامدهای ناگواری برای فرد بیمار به همراه داشته باشد.

متن پیام پژوهشی:

بیماری دیابت به عنوان یکی از چالش برانگیزترین و پرخطرترین بیماری های مزمن شناخته شده است، بطوریکه پیش بینی می شود که تعداد کل افراد مبتلا به دیابت تا سال ۲۰۳۰ به ۶۴۳ میلیون نفر و تا سال ۲۰۴۵ به ۷۸۳ میلیون نفر خواهد رسید. از هر ۴ بزرگسال مبتلا به دیابت ۳ نفر در کشورهای با درآمد کم و متوسط زندگی می کنند. در ایران، بیماری دیابت هفتمین علت اصلی مرگ را به خود اختصاص داده است. افرادی که به بیماری دیابت مبتلا می شوند در معرض خطر عوارض مختلفی مثل قطع پا، مشکلات بینایی، حملات قلبی عروقی و یا نارسایی کلیوی هستند. دیابت نوع دو یک بیماری مزمن است که برای درمان نیاز به کنترل دقیق قند خون، داروهای مدرن پزشکی، رژیم غذایی سالم، ورزش منظم و وزن ایده آل دارد. انجام رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی نوع ۲ برای کنترل بیماری و پیشگیری از ایجاد عوارض مختلف یکی امر ضروری می باشد و هر گونه بی توجهی در این زمینه می تواند پیامدهای ناگواری برای فرد بیمار به همراه داشته باشد. یکی از مواردی که می تواند انجام رفتارهای خود مراقبتی را تحت تاثیر قرار دهد، منبع کنترل سلامت می باشد. اطلاع و آگاهی بیماران از علل ایجاد بیماری و همچنین نقش خود فرد در کنترل بیماری از عوامل مهمی می باشند که می تواند باعث افزایش انجام رفتارهای خود مراقبتی گردد. به زبان ساده تر اگر بیمار آگاه باشد که بیماری او در اثر سرنوشت و شانس ایجاد نشده و نقش خود فرد در کنترل بیماری می تواند خیلی اثر گذار باشد، در این صورت می توان امیدوار بود که فرد به بیماری خود توجه بیشتر و در مدیریت آن تلاش بیشتری انجام دهد. برای آگاهی از اینکه بیماران دیابتی نوع ۲ به کدام منبع کنترل سلامت توجه بیشتر می کنند نیاز به یک ابزار روا و پایا شده در این زمینه می باشد تا با اطلاع از وضعیت آنها بتوان برنامه های پیشگیرانه و مداخله ای اثر گذارتری را طراحی و اجرا نمود. بر این اساس نسخه فارسی مقیاس چند وجهی منبع کنترل سلامت نسخه C با ۱۷ سوال و ۴ فاکتور (شانس، عوامل درونی، سایر افراد قدرتمند و تاثیر گذار و نقش دکتر مورد تائید قرار گرفت و این ابزار روا و پایا شده می تواند به عنوان یک ابزار معتبر برای بررسی منبع کنترل سلامت بیماران دیابتی نوع ۲ مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از یافته های پژوهش در جهت معرفی پرسشنامه بومی سازی شده مقیاس چند وجهی منبع کنترل سلامت نسخه C در بیماران دیابتی نوع ۲ می تواند از کاربرد نتایج طرح باشد.

تأثیرات و کاربردها:

در نهایت نسخه فارسی مقیاس چند وجهی منبع کنترل سلامت نسخه C با ۱۷ سوال و ۴ فاکتور شانس (۶ سوال)، عوامل درونی (۵ سوال)، سایر افراد قدرتمند و تاثیر گذار (۳ سوال) و نقش دکتر (۳ سوال) مورد تائید قرار گرفت و این ابزار روا و پایا شده می تواند به عنوان یک ابزار معتبر برای بررسی منبع کنترل سلامت بیماران دیابتی نوع ۲ مورد استفاده قرار گیرد.

محدودیت های شواهد:

احتمال عدم همکاری مراکز و کلینک های درمانی: ممکن است بیماران دیابتی تمایلی به مشارکت در مطالعه نداشته باشند.

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه کنندگان خدمات بهداشتی درمانی، پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ ندارد.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://doi.org/10.1007/s40200-023-01227-z>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

jafari.ar^{۹۴}@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Bellary S, Kyrou I, Brown JE, Bailey CJ. Type ۲ diabetes mellitus in older adults: clinical considerations and management. Nature Reviews Endocrinology. ۲۰۲۱.
۲. <https://idf.org/aboutdiabetes/what-is-diabetes/facts-figures.html>. ۲۰۲۱.
۳. Jafarvand E, Ataey A, Edalati S. Epidemiology and Death Trends Due to Diabetes in Iran. The Horizon of Medical Sciences. ۲۰۲۱.
۴. Ebrahimi S, Hemmati MM, Mahmoudfakhe H. The Effect Of Positive Thinking Skills Training On Self-Efficacy And Clinical Tests Of Patients With Type ۲ Diabetes Referring To Imam Khomeini Hospital Of Mahabad, Iran In ۲۰۱۹-۲۰۲۰. ۲۰۲۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی وضعیت سواد سلامت روانی، وضعیت روانشناختی و ارتباط آن با کیفیت زندگی در بیماران دیابتی نوع ۲ در شهر

گناباد در سال ۱۴۰۱

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

علیرضا جعفری، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
محبوبه نجاتیان، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
مهدی مشکی گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
موسی قلیچی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گلستان، ایران
فاطمه زهرا ندافی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
وجیهه آرمان مهر، مرکز توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

سواد سلامت ناکافی در بیماران دیابت نوع ۲ می تواند اضطراب، افسردگی و استرس را افزایش داده و کیفیت زندگی آنان را کاهش دهد.

پیام کلیدی:

وضعیت سواد روان و سواد افسردگی بیماران دیابتی نوع ۲ کافی نیست و برخورداری از سطح سواد روان و سواد افسردگی کم می تواند در افزایش سطح اضطراب، افسردگی و استرس بیماران دیابتی تاثیر گذار باشد.

متن پیام پژوهشی:

دیابت یکی از جدی ترین و شایع ترین بیماری های مزمن است که باعث تهدید زندگی، عوارض ناتوان کننده و پرهزینه و کاهش امید به زندگی می شود. دیابت نوع ۲ تأثیر عمده ای بر کیفیت زندگی در حوزه های مختلف مانند رفاه اجتماعی، جسمی و روانی دارد. هدف این مطالعه تعیین رابطه بین سواد سلامت روانی و نیز سواد سلامت افسردگی با کیفیت زندگی در بیماران دیابتی نوع ۲ با میانجیگری مؤلفه های روان شناختی (افسردگی،

استرس، اضطراب) می باشد. سطح سواد روان و سواد افسردگی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ ناکافی بود. این سطح پایین سواد روان و سواد افسردگی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ با سطح بالاتری از اضطراب، افسردگی و استرس و همچنین کیفیت زندگی پایین همراه بود. بنابراین، طراحی و اجرای برنامه های پیشگیرانه برای بهبود سواد روان بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ می تواند به جلوگیری از اختلالات روانی و در نهایت بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کند. نتایج حاصل می تواند جهت طراحی برنامه های آموزشی و مداخله ای برای بهبود سواد روانی، وضعیت روانشناختی و افزایش کیفیت زندگی بیماران دیابتی نوع ۲ توسط دست اندرکاران حوزه بهداشت، خصوصا واحدهای بهداشت روان مراکز جامع سلامت مورد استفاده قرار گیرد.

تأثیرات و کاربردها:

وضعیت سواد روان و سواد افسردگی بیماران دیابتی نوع ۲ کافی نیست و برخورداری از سطح سواد روان و سواد افسردگی کم می تواند در افزایش سطح اضطراب، افسردگی و استرس بیماران دیابتی تاثیر گذار باشد که در نهایت سطح سواد روان و افسردگی پایین و افزایش سطح اضطراب، افسردگی و استرس می تواند کیفیت زندگی بیماران دیابتی نوع ۲ را کاهش دهد. بنابراین توجه به سطح سواد روان و افسردگی و برنامه ریزی برای طراحی و اجرای برنامه های آموزشی و مداخله ای در این زمینه می تواند به کاهش سطح اضطراب، افسردگی و استرس بیماران کم کند و کیفیت زندگی آنها را بهبود ببخشد.

محدودیت های شواهد:

احتمال عدم همکاری مراکز جامع خدمات سلامت: ممکن است به دلیل تداخل با ساعت کاری و یا لزوم ارائه مجوز رسمی از دانشگاه، ممکن است همکاری نکنند.

مخاطبان طرح پژوهشی:

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://doi.org/10.3389/fpubh2024.1421053>.

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

jafari.ar94@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Whiting DR, Guariguata L, Weil C, Shaw J. IDF diabetes atlas :global estimates of the prevalence of diabetes for ۲۰۱۱ and Diabetes research and clinical practice. ۲۰۱۱.
۲. Rwegerera GM, Moshomo T, Gaenamang M, Oyewo TA, Gollakota S, Rivera YP, et al. Health-related quality of life and associated factors among patients with diabetes mellitus in Botswana . Alexandria journal of medicine. ۲۰۱۸.
۳. Majeed A, El-Sayed AA, Khoja T, Alshamsan R, Millett C, Rawaf S. Diabetes in the Middle-East and North Africa :an update. Diabetes research and clinical practice. ۲۰۱۴.
۴. Kaur G, Tee GH, Ariaratnam S, Krishnapillai AS, China K. Depression, anxiety and stress symptoms among diabetics in Malaysia: a cross sectional study in an urban primary care setting. BMC family practice. ۲۰۱۳.



مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

نسیم بهرامی (مجری اصلی)، دانشیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت، پژوهشکده پیشگیری از بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

زینب علیمزادی، دانشیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت، پژوهشکده پیشگیری از بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

ساناز برغمندی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
سمیه عسگری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

دریافت حمایت اجتماعی مناسب از سوی همسر در دوره پس از زایمان منجر به ارتقای کیفیت زندگی جنسی زنان می شود.

پیام کلیدی:

دریافت حمایت اجتماعی بهتر در دوره پس از زایمان سبب خواهد شد که کیفیت زندگی جنسی زنان شیرده بالاتر باشد. زنانی که حمایت اجتماعی بیشتری از همسر خود در دوره پس از زایمان دریافت می کنند دارای عملکرد جنسی بهتری خواهند بود. هر چقدر کیفیت زندگی جنسی زنان بالاتر باشد عملکرد جنسی مطلوب تری در زنان شیرده قابل انتظار است.

متن پیام پژوهشی:

مطالعات مختلف نشان داده اند که عملکرد و کیفیت زندگی جنسی زنان در دوران شیردهی تغییر می یابد. از بین عوامل اثرگذار، دریافت حمایت اجتماعی از سوی همسر مورد تاکید قرار گرفته است. در این مطالعه نقش دریافت حمایت اجتماعی همسر در دوره پس از زایمان در عملکرد و کیفیت زندگی جنسی زنان مورد بررسی قرار گرفت. یک مطالعه مقطعی از مهر تا اسفند ۱۳۹۰ بر روی ۳۰۱ زن شیرده مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت قزوین انجام شد. میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۰/۳۳ سال و میانگین مدت ازدواج ۷/۹۹ سال بود. در مجموع ۲۱۹ زن (۷۲،۸ درصد) شیردهی انحصاری داشتند و ۸۲ نفر از ترکیبی از شیردهی و شیر خشک برای تغذیه نوزادان خود (۲۷،۲ درصد) استفاده کردند. حمایت همسر در دوره پس از زایمان پیش بینی کننده معناداری برای کیفیت زندگی جنسی بود اما پیش بینی کننده معنی داری برای عملکرد جنسی نبود. کیفیت زندگی جنسی پیش بینی کننده معنی داری برای عملکرد جنسی بود. با توجه به اهمیت حمایت از همسر در دوران پس از زایمان در رابطه با کیفیت زندگی جنسی و عملکرد جنسی، طراحی و اجرای برنامه های مشاوره ای بر اساس نقش حمایت از همسر در زندگی جنسی پس از زایمان مفید خواهد بود.

تأثیرات و کاربردها:

حمایت از همسر در دوران پس از زایمان در رابطه با کیفیت زندگی جنسی و عملکرد جنسی اهمیت قابل توجهی دارد. طراحی و اجرای برنامه های مشاوره ای بر اساس نقش حمایت از همسر در زندگی جنسی پس از زایمان مفید خواهد بود.

محدودیت های شواهد:

در بیان مسایل خصوصی زندگی برخی از زنان ممکن است محدودیت هایی داشته باشند که با اطمینان خاطر دادن به آنها مبنی بر محرمانه بودن اطلاعات تا حد زیادی از این محدودیت کاسته شده است.

مخاطبان طرح پژوهشی:

ماماهای شاغل در مراکز جامع سلامت، ماماها دارای دفتر کار و مشاوره، همسران زنانی که در دوران شیردهی قرار دارند
آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
دریافت این پیام که ارائه حمایت مناسب به همسر در دوره پس از زایمان می تواند در بهبود روابط جنسی و متعاقب آن زندگی زناشویی زوجین کمک کننده باشد می تواند به افزایش کیفیت روابط زوجین کمک نماید که با ارزش های فرهنگی و اسلامی کشور ما نیز مطابقت دارد.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

منابع و مراجع:

۱. Yıldız H. The relation between prepregnancy sexuality and sexual function during pregnancy and the postpartum period: a prospective study. Journal of sex & marital therapy. ۲۰۱۵.
۲. Sh T, Banaei M, Ozgoli G, Azad M, Emamhadi M. Postpartum Sexual Function; Conflict in Marriage Stability: A Systematic Review ۲۰۱۶.
۳. Nasehi AA, Raisi F, Ghaeli P, Amini M, Yahyavi ST, Arabkheradmand J, et al. Prevalence of Sexual Dysfunction Among General Population of Iran: A Systematic Review. Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences. ۲۰۱۷.
۴. Thomas HN, Thurston RC. A biopsychosocial approach to women's sexual function and dysfunction at midlife: A narrative review. Maturitas. ۲۰۱۶.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی عوامل پیش‌بینی کننده سالمند فعال در سالمندان ساکن شهر قزوین در سال ۱۴۰۱

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۳/۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

زهرا شیرشکن (مجری اصلی)، دانشجو ارشد پرستاری سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
سیده آمنه مطلبی (مجری اصلی)، دانشیار گروه روانپرستاری و سالمندی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
فاطمه محمدی، هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین
محمد عامرزاده، استادیار سیاستگذاری سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، پژوهشکده پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

جنسیت، تأهل، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، شغل، سلامت ادراک شده، ناتوانی و حمایت اجتماعی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده سالمندی فعال در سالمندان قزوین هستند.

پیام کلیدی:

وضعیت سالمندی فعال با میانگین $24/15 \pm 109/18$ در حد متوسط بود. نتایج مطالعه رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، شغل، سلامت درک شده، ناتوانی و حمایت اجتماعی با سالمندی فعال بطور معناداری رابطه داشتند. بطوریکه سالمندان زن نسبت به مردان سالمند، سالمندان همسر فوت شده نسبت به متاهلین، با تحصیلات دانشگاهی نسبت به سالمندان بیسواد، شاغل نسبت به خانه دارها، با وضعیت اقتصادی متوسط، خوب یا عالی نسبت به سالمندان با وضعیت اقتصادی ضعیف، با سلامت درک شده و حمایت اجتماعی بالاتر، بطور معنادار از سالمندی فعال بیشتری برخوردار بودند. همچنین نتایج نشان داد که سالمندان دچار ناتوانی بالاتر، بطور معناداری از سالمندی فعال پایین‌تری برخوردار بودند.

متن پیام پژوهشی:

سالمندی فعال فرایندی برای بهینه‌سازی فرصت‌ها برای سلامت و مشارکت و امنیت به منظور بهبود کیفیت زندگی افراد سالمند است. سالمندی فعال تحت تاثیر عوامل مختلفی می‌باشد. لذا پژوهش با هدف تعیین پیش‌بینی کننده‌های سالمند فعال سالمندان شهر قزوین انجام گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل مختلفی می‌توانند بر وضعیت سالمندی فعال تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، زنان سالمند نسبت به مردان، سالمندانی که همسر خود را از دست داده‌اند نسبت به متاهلین، و سالمندان تحصیل کرده نسبت به بی‌سواده‌ها، به طور معناداری از وضعیت بهتری برخوردار بودند. همچنین، سالمندانی که شاغل بودند و یا وضعیت اقتصادی خوبی داشتند، سلامت درک شده بالاتری داشتند و از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار بودند، سالمندی فعال‌تری داشتند. در مقابل، سالمندانی که دچار ناتوانی‌های بیشتری بودند، وضعیت سالمندی فعال کمتری داشتند. این نتایج نشان می‌دهند که باید به عواملی مانند تحصیل، اشتغال، وضعیت اقتصادی و حمایت اجتماعی توجه ویژه‌ای شود تا سالمندی فعال و با کیفیتی را تجربه کند. با توجه به نتایج مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و حمایتی جهت ارتقای سطح تحصیلات، بهبود وضعیت اقتصادی، تقویت شبکه‌های حمایتی و اجتماعی و ترویج فعالیت‌های جسمانی و ورزشی برای سالمندان طراحی گردد. به‌ویژه، توجه به گروه‌های آسیب‌پذیرتر مانند سالمندان بی‌سواد، خانه‌دار، با وضعیت اقتصادی ضعیف و دچار ناتوانی می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود کیفیت زندگی و افزایش سطح سالمندی فعال در جامعه داشته باشد.

تأثیرات و کاربردها:

بهبود وضعیت سالمندی فعال در سالمندان ساکن جامعه
افزایش کیفیت زندگی آنان با سالمندی فعال

محدودیت‌های شواهد:

این مطالعه بر روی سالمندان ساکن شهر قزوین انجام شد که تعمیم‌پذیری آن را به سالمندان ساکن سایر شهر های ایران یا مراکز شبانه روزی با مشکل مواجه می‌کند. از محدودیت دیگر این مطالعه، می‌توان به خود گزارش دهی بودن پرسشنامه‌ها اشاره نمود که برخی از سالمندان ممکن است از دادن پاسخ صحیح خودداری کنند، سعی شد با توضیح اهداف مطالعه، آنها را تشویق به دادن جواب‌های درست و واقعی نمود. علاوه بر این متغیرهای زیادی می‌تواند در میزان سالمندی فعال موثر باشد که به دلیل محدودیت زمان، امکان در نظر گرفتن همه آنها نبود، بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده مورد توجه و بررسی قرار گرفته شوند.

مخاطبان طرح پژوهشی:

دانشگاه علوم پزشکی، بهزیستی

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
خیر

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

ammotalebi@yahoo.com

منابع و مراجع:

1. Ayoubi-Mahani S, Eghbali-Babadi M, Farajzadegan Z, Keshvari M, Farokhzadian J. Active aging needs from the perspectives of older adults and geriatric experts: a qualitative study. *Frontiers in Public Health*. ۲۰۲۳.
2. Barbaccia V, Bravi L, Murmura F, Savelli E, Viganò E. Mature and older adults 'perception of active ageing and the need for supporting services: Insights from a qualitative study. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. ۲۰۲۲.
3. Principi A, Jensen PH, Lamura G. Active ageing: Voluntary work by older people in Europe: Policy Press; ۲۰۱۴.

۴. Davodi SR, Zendehtalab H, Zare M, Vashani HB. Effect of health promotion interventions in active aging in the elderly: a randomized controlled trial. International Journal of Community Based Nursing and Midwifery. ۲۰۲۳.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی نقش تعدیل کنندگی حمایت اجتماعی در ارتباط بین اضطراب مرگ و تاب آوری در بین بیماران دیالیزی مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی بوعلی سینا شهر قزوین در سال ۱۴۰۱

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

امید طاهرخانی (مجری اصلی)، دانشجو کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
زهرا شفیعی کیسمی (مجری و محقق اصلی)، مربی گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
زهرا حسین خانی، استادیار پژوهشی، مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، پژوهشکده پیشگیری از بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.
مینا ملائی، استادیار سیاستگذاری سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، پژوهشکده پیشگیری از بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
هدی اسمعیلی، دانشجو کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
غزاله شیرخانلو، دانشجو کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
محمد عامرزاده، استادیار سیاستگذاری سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، پژوهشکده پیشگیری از بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

حمایت اجتماعی نقشی حیاتی در کاهش اضطراب و تقویت تاب آوری بیماران دیالیزی دارد و پرستاران می توانند با ایجاد این حمایت، به بهبود روانی و باز توانی بیماران کمک کنند.

پیام کلیدی:

پرستاران به عنوان حامیان بیماران درگیر با بیماری های مزمن مخصوصاً بیماران تحت دیالیز، می توانند منجر به شکل گیری یک سیستم حمایت اجتماعی کارآمد برای بیماران شوند و در افزایش تاب آوری و باز توانی این بیماران موثر واقع شوند. همچنین پرستاران بخش دیالیز نقش مهمی در ادغام جنبه های پزشکی و روانپزشکی در مراقبت از بیماران دارند و از این حیث، می توانند مراقبت موثرتری را برای مشکلات این بیماران برنامه ریزی کنند.

متن پیام پژوهشی:

حمایت اجتماعی به صورت حمایت جسمی و روانی که معمولاً توسط خانواده، دوستان، همکاران، مشاوران معنوی، متخصصان سلامت و اعضای جامعه به بیمار ارائه می شود، می تواند منجر به ارتقای سلامت، بهبود کیفیت زندگی و تسهیل درمان طولانی مدت و موفقیت و سازگاری بیماران دیالیزی شود. بیماران دیالیزی جزو افراد آسیب پذیر جامعه به شمار می آیند و به دلیل انجام دیالیز به صورت مادام العمر، ممکن است دچار نابسامانی در عملکردهای روزانه و فعالیت های اجتماعی می شوند. لذا تعاملات فردی این بیماران روز به روز با دیگران محدودتر می شود و نیاز آنها به حمایت اجتماعی افزایش می یابد.

تاب آوری و حمایت اجتماعی می‌توانند به صورت دو سویه بر یکدیگر تاثیر بگذارند و تاب آوری بالاتر با پذیرش بیشتر بیماری، انطباق بیشتر بیمار با رژیم‌های درمانی و نتایج مطلوب‌تر در بیماران دیالیزی همراه است. همچنین حمایت اجتماعی به طور مثبت بر سلامت روان تأثیر می‌گذارد، استرس را کاهش می‌دهد و با پیشگیری از وقوع رویدادهای استرس‌زا در زندگی، خطر ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی به حداقل می‌رساند. به طور کلی از ارائه‌ی نتایج این طرح می‌توان به افزایش آگاهی و دانش اطرافیان بیماران دیالیزی، تاکید بر نقش حمایتی پرستاران در شکل‌گیری یک سیستم حمایت اجتماعی کارآمد، افزایش بازتوانی، کیفیت زندگی و مقاومت در برابر بیماری و برنامه‌ریزی‌های مناسب و توسعه سیاست‌های مداخله‌ای جهت افزایش حمایت اجتماعی بیماران دیالیزی اشاره کرد.

تأثیرات و کاربردها:

کاربرد در بالین: پرستاران یک مسئولیت اساسی برای کمک به بیماران دیالیزی در مواجهه با چالش‌ها، بهبود سیستم‌های حمایت اجتماعی و افزایش بهزیستی روانی آن‌ها دارند و می‌توانند نقش مهم حمایت اجتماعی را در افزایش تاب‌آوری بیماران همودیالیزی هنگام تدوین برنامه‌های آموزشی برای بیماران و خانواده‌هایشان در نظر بگیرند. علاوه بر این، آنها می‌توانند منابع حمایتی و خدمات مشاوره‌ای را ارائه دهند و در صورت لزوم، گروه‌های حمایتی را برای توسعه مهارت‌های حمایت اجتماعی برای خانواده‌ها ایجاد کنند.

کاربرد در افزایش آگاهی جامعه: از آنجایی که حمایت اجتماعی به طور مثبت بر سلامت روان تأثیر می‌گذارد، استرس را کاهش می‌دهد و با پیشگیری از وقوع رویدادهای استرس‌زا در زندگی، خطر ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی به حداقل می‌رساند، می‌توان با تاکید بر نقش حمایت اجتماعی اطرافیان بیماران دیالیزی، گام‌های موثری در جهت بهبود کیفیت زندگی و وضعیت سلامتی آن‌ها برداشت.

محدودیت‌های شواهد:

یافته‌های این مطالعه به بیماران همودیالیزی در مناطق دیگر قابل تعمیم نیست و شرکت کنندگان از یک مرکز درمانی انتخاب شدند. همچنین ماهیت خود گزارشی پرسشنامه‌های مورد استفاده می‌تواند سوگیری‌های گزارش دهی را ایجاد کند.

مخاطبان طرح پژوهشی:

بیماران و مردم، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی درمانی، مدیران و سیاست گذاران سلامت
آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://link.springer.com/article/10.1186/s12882-024-03533-x>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

Zahrashafiei431@yahoo.com

منابع و مراجع:

1. Ozdemir N. The relationship between perceived social support, psychological resilience and happiness levels of hemodialysis patients. *Annals Med Res.* ۲۰۲۱.
2. Hatami A, Ghalati ZK, Badrani MR, Jahangirimehr A, Hemmatipour A. The relationship between resilience and perceived social support with hope in hemodialysis patients: a cross-sectional study. *J Res Med Dent Sci.* ۲۰۱۹.
3. abdollahi S, Zarani F, Fathabadi J. The role of social support and resilience in quality of life among adolescents with chronic renal failure. *Health Psychol.* ۲۰۱۸.
4. Newton-John TR, Mason C, Hunter M. The role of resilience in adjustment and coping with chronic pain. *Rehabil Psychol.* ۲۰۱۴.



عنوان طرح تحقیقاتی: تاثیر مشاوره جنسی بر اساس مدل اکس پلیسیت بر رضایت جنسی زنان مبتلا به مولتیپل اسکروزیس

تاریخ خاتمه طرح: زمستان ۱۳۹۹

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

فروزان الفتی (مجری و محقق اصلی)، دانشیار و دکتری سلامت باروری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین. پژوهشکده پیشگیری از بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
مریم کرامتکار، استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
سولماز نظری، کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
حسین مژدهی پناه، دانشیار و متخصص مغز و اعصاب، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

مشاوره جنسی بر اساس مدل اکس پلیسیت باعث افزایش رضایت جنسی در زنان مبتلا به مولتیپل اسکروزیس می شود.

پیام کلیدی:

ارتقای رضایت زندگی زناشویی از الویت های پژوهشی در ایران است.
ناراضیتی جنسی از مشکلات زندگی زناشویی در زنان مولتیپل اسکروزیس است.
مطالعه حاضر به روش کارآزمایی بالینی بر زنان متاهل مبتلا به مالتیپل اسکروزیس در سال ۱۳۹۹ در قزوین انجام شد.
مشاوره جنسی به روش اکس پلیسیت در زنان مبتلا به ام اس باعث افزایش رضایت جنسی شد.
می توان این روش به کلینیک های درمانی ام اس به منظور ارتقا کیفیت زندگی زناشویی این بیماران پیشنهاد کرد.

متن پیام پژوهشی:

در حال حاضر در شبکه مراقبت های بهداشتی اولیه ایران هیچ برنامه مدونی برای مشاوره مسائل جنسی وجود ندارد که می تواند منجر به انتقال اطلاعات غلط و ایجاد سوء تفاهم در مورد روابط جنسی شود. علی رغم تلاش های انجام شده جهت ارتقا کیفیت زندگی افراد مبتلا به ام اس تاکنون مداخله موثری جهت افزایش رضایتمندی جنسی آنها انجام نشده است. باتوجه به افزایش شیوع ام اس در زنان ایرانی و ضعف عملکرد جنسی آنها و اعلام هدف ارتقا رضایتمندی جنسی زوجین به عنوان یکی از اهداف حوزه سلامت باروری در سال ۱۳۹۸، ضرورت انجام این مطالعه احساس شد.

مداخله مشاوره جنسی به روش اکس پلیسیت باعث افزایش رضایت جنسی و نیز کاهش دیسترس جنسی زنان مبتلا به مالتیپل اسکروزیس شد. می توان از این روش در کلینیک های درمانی ام اس و مراکز جامع سلامت پیشنهاد کرد. تا با گنجاندن آن در برنامه مدون خدمات مشاوره ای باعث ارتقا کیفیت زندگی زناشویی این بیماران شد. مشاوره جنسی می تواند عامل مهمی برای ارتقای سلامت و پیشگیری از ناتوانی می باشد. لذا برگزاری جلسات مشاوره فردی به روش اکس پلیسیت و ارائه اطلاعات در خصوص مسائل جنسی به عنوان روشی موثر، نتایج مثبتی در زمینه بهبود رضایت و دیسترس جنسی زنان مبتلا به مولتیپل اسکروزیس دارد. لذا نتایج این تحقیق می تواند در قالب پروتکل مشاوره درمانی در زنان مبتلا به مالتیپل اسکروزیس، جهت برنامه ریزی برای آموزش کارکنان و مددجویان در اختیار معاونت درمان و بهداشت قرار گیرد.

تأثیرات و کاربردها:

مشاوره جنسی با مدل اکس پلیسیت بر رضایت جنسی و دیسترس جنسی زنان مبتلا به ام اس موثر است.
با توجه به نتایج، مداخله فوق باعث ارتقای رضایت زندگی زناشویی در زنان مبتلا به ام اس می شود.

محدودیت های شواهد:

از محدودیت های پژوهش همزمانی با دوران پاندمی کووید ۱۹ بود که باعث افزایش طول مدت مداخله شد.

از دیگر محدودیت‌های پژوهش، باورها و فرهنگ متفاوت زنان در خصوص مشکلات جنسی بود. باورهای غلط و مسائل فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در موثر بودن مداخله مشاوره‌ای داشته باشد و زمان بیشتری برای حل این مسائل نیاز باشد. مشکلات اقتصادی افراد مبتلا بر تمکین افراد نمونه به انجام تکالیف خانگی موثر بود.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم و رسانه، ارائه دهندگان خدمت سلامت، مدیران و سیاستگذاران

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ با توجه به اینکه زنان مبتلا به بیماری ام اس با مشکلات اجتماعی و اقتصادی و درمانی بسیاری مواجه هستند، ارائه خدمات مشاوره جنسی برای همه آنها در دسترس نیست. برای ارتقای کیفیت زندگی جنسی، افزایش رضایت زناشویی، تداوم و استحکام زندگی خانوادگی آنها، خدمات مشاوره ای جنسی باید در پرتکل درمانی آنها ادغام شود.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://link.springer.com/article/10.1007/s11195-023-09787-x>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

Papoyolfati@yahoo.com

Folfati@qums.ac.ir

منابع و مراجع:

۱. Akkuş, Y., Duru, G.: Problems and factors affecting the sexual lives of patients with multiple sclerosis living in Turkey. Sex. Disabil. ۲۰۱۱.
۲. Daneshfar, F., Behboodi-Moghadam, Z., Khzakhbazan, Z., Nabavi, S.M., Nayeri, N.D., Ghasemzadeh, S., et al.: The influence of Ex-PLISSIT [extended permission, limited information, specific suggestions, intensive therapy model] on intimacy and sexuality of married women with multiple sclerosis. Sex. Disabil. ۲۰۱۷.
۳. Dachele, G., Ludovico, G., Pagliarulo, G., Vestita, G.: Sexual dysfunctions in multiple sclerosis. Minerva Urol. Nefrol. ۲۰۰۸.
۴. Karimi, A., Dadgar, S., Afiat, M., Rahmani, N.: The effect of sexual health education on sexual satisfaction author. IJOGI ۲۰۱۳.



عنوان طرح تحقیقاتی: روانسنجی پرسشنامه «ارزیابی بیمار از مراقبت بیماری مزمن» AS۱۵-PACIC در سالمندان مبتلا به دیابت شهر

قزوین در سال ۱۴۰۱

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

سحر معروفی (مجری اصلی)، دانشجو ارشد پرستاری سالمندی

سیده آمنه مطلبی (مجری اصلی)، دانشیار گروه روانپرستاری و سالمندی

لیلا دهقانکار، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

احد علیزاده، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

محمد عامرزاده، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که پرسشنامه ارزیابی بیمار از مراقبت بیماری مزمن پنج عاملی از روایی و پایایی مناسبی در سالمندان دیابتی برخوردار است.

پیام کلیدی:

میانگین سنی بیماران سالمند مورد مطالعه $69/99 \pm 6/94$ سال بود. اکثر شرکت کنندگان در این مطالعه زن (۵۸/۸۲ درصد، ۱۸۰ نفر) و متأهل (۷۰/۵۹ درصد، ۲۱۶ نفر) بودند. با توجه به روایی صوری، تمام آیتم های PACIC-5A دارای ضریب تأثیر بیشتر از ۱،۵ بودند. از نظر روایی محتوایی، همه گویه ها دارای نسبت روایی محتوایی بیشتر از ۰،۴۹ و شاخص اعتبار محتوایی بیشتر از ۰،۷۹ بود. نتایج تحلیل عامل تأییدی، وجود ۵ عامل ارزیابی، توصیه، موافقت، کمک و طبقه بندی را برای ۲۵ آیتم پرسشنامه PACIC-5A، تأیید نمود. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه PACIC-5As، ۰/۸۰۵ به دست آمد.

متن پیام پژوهشی:

به دلیل فقدان ابزار مناسب جهت بررسی کیفیت مراقبت از بیماری های مزمن در سالمندان ایرانی، در کنار آن رشد سریع جمعیت سالمندی و افزایش طول عمر و افزایش نرخ ابتلا به دیابت در جامعه ایرانی، ضرورت وجود پرسشنامه ای برخوردار از روایی و پایایی قابل قبول و هماهنگ با جامعه ایرانی را مطرح می سازد. پژوهش حاضر روی سالمندان مبتلا به دیابت با میانگین سنی حدود ۷۰ سال انجام شد. بیشتر شرکت کنندگان، زنان متأهل بودند. نتایج نشان داد که پرسشنامه ۲۵ سواله ارزیابی بیمار از مراقبت بیماری مزمن که شامل پنج بخش ارزیابی، توصیه، موافقت، کمک و طبقه بندی می باشد از اعتبار بالایی برخوردار بوده و جهت استفاده در جمعیت سالمندان مبتلا به دیابت از اعتماد قابل قبول برخوردار می باشد. نتایج این مطالعه نشان داد که ضرایب پایایی و روایی این مقیاس جهت سالمندان مبتلا به دیابت، مناسب می باشد. کوتاه بودن و سهولت اجرا، شرایط استفاده وسیع محققان را از این پرسشنامه فراهم می آورد. بنابراین این پرسشنامه نحوه مراقبت از سالمندان مبتلا به دیابت را به خوبی مورد سنجش قرار می دهد، و می تواند در موقعیت های پژوهشی و روانشناسی مورد استفاده قرار گیرد.

تأثیرات و کاربردها:

برای بررسی علل مرتبط با عدم مراقبت مناسب از این بیماران

بهبود مراقبت از این گروه از بیماران

محدودیت های شواهد:

از آنجائیکه این مطالعه بر روی سالمندان ساکن جامعه که دارای پرونده پزشکی در مراکز جامع سلامت می باشند، انجام شده، ممکن است تعمیم پذیری نتایج آن را برای سالمندان ساکن در مراکز شبانه روزی را دچار مشکل نماید. همچنین، این مطالعه بر روی بیماران سالمند مبتلا به دیابت انجام شده که ممکن است نتایج آن قابل استفاده برای سالمندان مبتلا به سایر بیماری های مزمن نباشد. از محدودیت دیگر این مطالعه استفاده از روش خود گزارش دهی برای پرسشنامه ها می باشد که ممکن است برخی از بیماران سالمند، از دادن پاسخ واقعی خودداری نمودند. بر کمرنگ شدن این محدودیت، توضیحات لازم در مورد اهداف مطالعه و کاربرد نتایج آن برای بیماران مبتلا به دیابت داده شد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

معاونت بهداشتی دانشگاه های علوم پزشکی، کارشناسان بهداشتی در مراکز جامع سلامت

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/39285400/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

۱. Rashedi V, Asadi-Lari M, Foroughan M, Delbari A, Fadayevatan R. Prevalence of disability in Iranian older adults in Tehran, Iran: a population-based study. J Health Social Sci. ۲۰۱۶.
۲. Motalebi SA, Zajkani Z, Mohammadi F, Habibi M, Mafi M, Ranjkesh F. Effect of acupuncture on dynamic balance in elderly women: a randomized controlled trial. Exp Aging Res. ۲۰۲۰.
۳. Hosseini SR, Moslehi A, Hamidian SM, Taghian SA. The relation between chronic diseases and disability in elderly of Amirkola. Salmand. ۲۰۱۴.
۴. Naqshbandi M, Harris SB, Esler JG, Antwi-Nsiah F. Global complication rates of type ۲ diabetes in indigenous peoples: a comprehensive review. Diabetes Res Clin Pract. ۲۰۰۸.



عنوان طرح تحقیقاتی: کاربرد نانوکورکومین در دندانپزشکی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

نیلوفر ناظری (مجری و محقق اصلی)، استادیار پژوهشی مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
فائزه آزموده، استادیار گروه دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

نانو ذره کردن کورکومین موجود در زردچوبه می تواند کارایی بالینی این ماده را افزایش دهد.

پیام کلیدی:

ماده فعال موجود در زردچوبه ، کورکومین است. کورکومین به عنوان یک ماده طبیعی و غیر سمی در درمان مشکلات و بیماری های دهان نیز مفید گزارش شده است. اما این ماده به علت bioavailability پایین و جذب کم سلولی کارایی بالینی محدودی دارد. یکی از روش های غلبه بر این مشکلات استفاده از نانوفناوری است که با نانوذره کردن کورکومین می تواند نسبت سطح به حجم و قابلیت انحلال این ماده را افزایش دهد.

متن پیام پژوهشی:

کورکومین به عنوان یک ماده طبیعی و غیر سمی در درمان مشکلات و بیماری های دهان نیز مفید گزارش شده است. اما این ماده به علت bioavailability پایین و جذب کم سلولی کارایی بالینی محدودی دارد. ولی با نانوذره کردن کورکومین می توان نسبت سطح به حجم و قابلیت انحلال این ماده را افزایش داد. این پژوهش با هدف مرور بر کاربردهای گوناگون نانوکورکومین در دندانپزشکی انجام شد.

مهمترین نتایج طرح عبارت است از:

نانوکورکومین در درمان مشکلات پریودنتال موثر است

نانوکورکومین در درمان بیماری های حفره دهان تاثیر خوبی نشان داده است.

نانوکورکومین در درمان های رژراتیو کاربرد دارد.

نانوکورکومین می تواند در پیشگیری از پوسیدگی موثر باشد.

با توجه به نتایج مطالعه حاضر، و تاثیرات مثبت نانوکورکومین در درمان مشکلات پریودنتال، درمان بیماری های حفره دهان، درمان های رژراتیو و پیشگیری از پوسیدگی تحقیقات بعدی می تواند به بررسی ساخت محصولات بهداشت دهان از قبیل خمیر دندان و دهانشویه بر پایه نانوکورکومین بپردازد.

محدودیت های شواهد:

در دسترس نبودن متن کامل برخی مقالات

مخاطبان طرح پژوهشی:

سیاستگذاران درمانی، متخصصان و پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

از نظر قوانین سازمان غذا و دارو

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://link.springer.com/article/10.1007/s43450-023-00427-1>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

nina_۱۳۶۶_nazeri@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Chen Y, Lu Y, Lee RJ, Xiang G. Nano Encapsulated Curcumin: And Its Potential for Biomedical Applications. Int J Nanomedicine. ۲۰۲۰ .
۲. Hay E, Lucariello A, Contieri M, Esposito T, De Luca A, Guerra G, Perna A .Therapeutic effects of turmeric in several diseases: An overview. Chem Biol Interact. ۲۰۱۹.
۳. Malekzadeh M, Kia SJ ,Mashaei L, Moosavi MS .Oral nanocurcumin on gingival infammation in patients with gingivitis and mild periodontitis. Clin Exp Dental Res ۲۰۲۱.
۴. Mazzarino L, Loch Neckel G, Bubniak LdS ,Mazzucco S, Santos Silva MC, Borsali R, Lemos Senna E Curcumin-loaded chitosancoated nanoparticles as a new approach for the local treatment of oral cavity cancer. J Nanosci Nanotechnol. ۲۰۱۵.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی تغییرات مینایی دندان های بلیچ شده، به دنبال استفاده از ترکیب کایتوزان- بیواکتیوگلاس

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۱/۲۴

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

فهمیمه نوری (مجری و محقق اصلی)، استادیار گروه دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

سولماز حیدری، استادیار گروه دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

انسیه رشوند، استادیار گروه دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

فرهود نجفی، دستیار گروه دندانپزشکی ترمیمی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

ترکیب تجربی کایتوزان- بیواکتیوگلاس باعث کاهش عوارض تغییرات مینایی دندانهای بلیچ شده گردید

پیام کلیدی:

علیرغم استفاده گسترده از بلیچینگ، این درمان می تواند عوارضی چون دمینرالیزاسیون مینا را در پی داشته باشد. لذا با توجه به اثرات مفید کایتوزان و بیواکتیوگلاس در رمینرالیزاسیون دندانی، این مطالعه با هدف بررسی تغییرات مینایی دندان های بلیچ شده به دنبال استفاده از ترکیب تجربی کایتوزان- بیواکتیوگلاس انجام شد.

متن پیام پژوهشی:

بلیچینگ علی رغم اثربخشی مناسب، دارای عوارضی مانند حساسیت دندانی و تاثیر بر ساختار دندان می باشد. بسیاری از مطالعات تغییر در مورفولوژی، غلظت ترکیبات شیمیایی و ریزسختی مینا و عاج را به دنبال بلیچینگ گزارش کرده اند. بنابراین جهت حذف عوارض ناخواسته دمینرالیزه کننده بلیچینگ، استفاده از مواد رمینرالیزه کننده توصیه شده است. با توجه به یافته های این مطالعه بلیچینگ مطب با HP دارای pH قلیایی باعث کاهش معنادار فسفر بدون کاهش معنادار کلسیم شده و ترکیب کایتوزان-بیواکتیوگلاس مورد استفاده در این مطالعه توانست عملکردی مشابه با paste MI در بازگرداندن مواد معدنی به ساختار دندان های بلیچ شده نشان دهد. این مطالعه از محدود مطالعات دندانی صورت گرفته بر روی ترکیب کایتوزان-بیواکتیوگلاس (حاوی ۶۶٪ گلاس) به عنوان یک ماده رمینرالیزه کننده جدید می باشد. لذا با توجه به نتایج بدست آمده مشابه با MI paste در مطالعه حاضر، استفاده از این ماده بعد از تایید سایر خواص فیزیکی، مکانیکی و بیولوژیک و نیز انجام مطالعات کلینیکی می بایست مورد توجه قرار گیرد.

محدودیت های شواهد:

با توجه به این که مطالعه حاضر یک مطالعه تجربی و **invitro** می باشد، قابلیت تعمیم مستقیم به شرایط **in vivo** را نخواهد داشت. با توجه به جدید بودن ترکیب ساخته شده از ماده کایتوزان- بیواکتیوگلاس، و عدم وجود منابع کافی در کاربرد این ماده به عنوان ماده رمینرالیزه کننده همراه بلیچینگ، مطالعات وسیع تری برای اثبات فاکتورهای مختلف تاثیرگذار این ماده مورد نیاز خواهد بود. مشکلات و محدودیت های ی نیز برای اجرای این طرح وجود دارد از جمله:

دشواری در تامین مواد اولیه مورد نیاز برای ساخت ماده کایتوزان-بیوگلاس (به دلیل وجود تحریم ها)

محدودیت منابع مالی

مخاطبان طرح پژوهشی:

سیاستگذاران پژوهشی

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

از نظر بهداشتی و قوانین سازمان غذا و دارو

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://bmcoralhealth.biomedcentral.com/articles/10.1186/s12903-024-04195-9>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

nouri.fahimeh@yahoo.com

منابع و مراجع:

1. Jones JR. Review of bioactive glass: from Hench to hybrids. Acta Biomater. ۲۰۱۳.
2. Abbasi Z, Bahrololoom ME, Shariati MH, Bagheri R. Bioactive glasses in Dentistry: a review. J Dent Biomater. ۲۰۱۵.
3. Ozdemir ZM, Surmelioglu D. Effects of different bleaching application time on tooth color and mineral alteration. Ann Anat. ۲۰۲۱.
4. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/32931915/>

۵. Cakir FY, Korkmaz Y, Firat E, et al. Chemical Analysis of Enamel and dentin following the application of three different At-home Bleaching systems. Oper Dent. ۲۰۱۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: ارزیابی عادات بهداشتی دهان کودکان دبستانی شهر قزوین بر اساس خود اظهاری والدین در دوران همه گیری کرونا در سال ۱۴۰۰

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مهديه زرابادی پور (مجری و محقق اصلی)، استادیار گروه دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

آیدا مخلصي، دانشجوی دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

منیرالسادات میرزاده، دانشیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

عادات بهداشتی دهان کودکان دبستانی قزوین در دوران همه گیری کرونا نیاز به افزایش آگاهی والدین، در دسترس بودن خدمات اورژانسی دندانپزشکی و بهبود مفهوم و عملکرد دندانپزشکی از راه دور دارد.

پیام کلیدی:

این مطالعه نیاز به افزایش آگاهی والدین در مورد اهمیت حفظ سلامت دهان و دندان فرزندان با اجرای اقدامات مختلف بهداشت دهان را برجسته می کند.

نیاز به افزایش آگاهی در مورد علل مختلف پوسیدگی دندان و اهمیت مشاوره تغذیه، از جمله مصرف کنترل شده قند و فیبر و میوه بالا در رژیم غذایی وجود دارد.

اشاره شد که آموزش بهداشت دهان و دندان در میان والدین، به ویژه آنهایی که از اقشار پایین اجتماعی اقتصادی هستند، پایین است و نیاز به افزایش دارد.

نیاز به بهبود در دسترس بودن خدمات اورژانسی دندانپزشکی در بیمارستان ها، کلینیک ها و کلینیک های سرپایی در سطوح دولتی و خصوصی وجود دارد، زیرا بسیاری از والدین نمی توانند در مواقع ضروری به این خدمات دسترسی داشته باشند.

نیاز فوری به بهبود مفهوم و عملکرد دندانپزشکی از راه دور وجود دارد زیرا برای پیشگیری و آمادگی آینده در صورت بروز یک بحران بهداشتی مانند همه گیری COVID-۱۹ مفید است.

متن پیام پژوهشی:

شناسایی چالش ها رعایت بهداشت دهان و دندان کودکان در شرایط همه گیری کرونا برنامه ریزی جهت توانمند سازی والدین در راستای ارتقا اطلاعات در مورد بهداشت دهان و دندان فرزندشان در دوران همه گیری بیماری نوپدید مهمترین نتایج طرح عبارت است از:

درصد بالایی از نظارت والدین برای مسواک زدن و عادات بهداشتی جانبی کودک (نخ دندان و دهانشویه) می تواند دلیلی برای مسواک زدن منظم کودکان در طول همه گیری COVID-۱۹ باشد. این می تواند به این دلیل باشد که والدین زمان بیشتری را با فرزندان خود در طول قرنطینه می گذرانند.

بیشتر والدین دلیل نیاز به درمان دندانپزشکی را درمان پوسیدگی دندان فرزندشان در طول همه گیری کووید-۱۹ به دلیل نگرش کم نسبت به مراجعه منظم به دندانپزشک در این دوره عنوان کردند.

اکثر والدین اظهار داشتند که دلیل عدم تمایل به مراجعه به دندانپزشک در طول اپیدمی COVID-۱۹، انتقال ویروس COVID-۱۹ در این دوره است. با این حال، اکثر والدین با پروتکل های بهداشتی که در طول این اپیدمی کرونا در مراکز دندانپزشکی رعایت می شد آشنا بودند.

محدودیت های شواهد:

بسته بودن مدارس و مراکز آموزشی با توجه به دوران همه گیری کرونا دسترسی محدود به والدین کودکان دبستانی با توجه به دوران همه گیری کرونا عدم داشتن تحصیلات کافی برخی از والدین برای پر کردن پرسشنامه مربوطه با توجه به دوران همه گیری کرونا و تعطیلات مدارس و عدم دسترسی به والدین کودکان دبستانی می توانیم با همکاری مسئولین مربوطه مدارس به والدین کودکان دبستانی دسترسی پیدا کنیم. هم چنین برای رفع محدودیت عدم داشتن تحصیلات کافی برخی از والدین برای پر کردن پرسشنامه مربوطه می توانیم از پرسشگرهایی جهت پر کردن پرسشنامه استفاده کنیم.

مخاطبان طرح پژوهشی:

سیاستگذاران درمانی، متخصصان و پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

از نظر بهداشتی

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/۳۷۴۶۹۴۹۰/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

mahdieh.zarabadi@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. C. M. C. Volgenant, I. F. Persoon, R. A. G. de Ruijter, and J. J. H. Soet, Infection control in dental health care during and after the SARS-CoV-۲ outbreak, Oral Diseases. ۲۰۲۱.
۲. S. K. Mallineni, J. C. Bhumireddy, and S. Nuvvula, "Dentistry for children during and post COVID-۱۹ pandemic outbreak," Children and Youth Services Review, vol. ۱۲۰, Article ID ۱۰۵۷۳۴, ۲۰۲۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی اثرات آنتی اکسیدانی و آنتی آپوپتوزی کورکومین و ملاتونین بر اسپرم افراد سالم پس از فرایند انجماد و ذوب

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

سید امیر حسینی (مجری اصلی)، استادیار گروه علوم تشریح مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

فرزاد رجایی، استادیار گروه علوم تشریح مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

فریبا ظفری، استادیار گروه علوم تشریح مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

مریم زمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تشریح، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

اضافه کردن کورکومین و ملاتونین به صورت ترکیبی به محیط انجماد اسپرم، تأثیر مثبتی بر پارامترهای اسپرم پس از انجماد خواهد داشت.

پیام کلیدی:

ناباروری اختلالی است که حدود ۱۵٪ زوجین را درگیر می کند و ۵۰٪ آن مربوط به جنس مذکر می باشد. انجماد اسپرم شامل ذخیره نمونه های سیمن در دمای ۱۹۶- درجه سانتی گراد در نیتروژن مایع می باشد. در طی انجماد، به واسطه القاء آپوپتوز از طریق استرس اکسیداتیو، شاخص های عملکردی اسپرم آسیب و در نهایت منجر به کاهش باروری می گردد. مطالعات فراوانی مبنی بر استفاده از محیط های انجماد دارای آنتی اکسیدان های مکمل جهت محدود کردن آسیب های ناشی از انجماد صورت گرفته است. در این مطالعه از ملاتونین و کورکومین به صورت ترکیبی به عنوان آنتی اکسیدان در انجماد اسپرم استفاده شد. اضافه کردن کورکومین و ملاتونین به صورت ترکیبی به محیط انجماد، تأثیر مثبتی بر پارامترهای اسپرم پس از انجماد خواهد داشت.

متن پیام پژوهشی:

ناباروری اختلالی است که حدود ۱۵٪ زوجین را درگیر می کند. ۵۰٪ مربوط به جنس مذکر می باشد. انجماد اسپرم شامل ذخیره ی نمونه های سیمن در دمای ۱۹۶- درجه سانتی گراد در نیتروژن مایع می باشد. در طی انجماد، بواسطه القاء آپوپتوز از طریق استرس اکسیداتیو، شاخص های عملکردی اسپرم از جمله بقا و تحرک آسیب می بینند که در نهایت منجر به کاهش کیفیت اسپرم و کاهش باروری می گردد. مطالعات فراوانی برای یافتن راه های درمانی مؤثر جهت محدود کردن آسیب های ناشی از انجماد صورت گرفته است. از جمله ی آن استفاده از محیط های انجماد دارای مواد محافظت کننده و همچنین آنتی اکسیدان های مکمل می باشد. در این مطالعه از ملاتونین و کورکومین به صورت ترکیبی به عنوان آنتی اکسیدان در انجماد اسپرم استفاده شد.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد استفاده از ملاتونین و کورکومین به صورت ترکیبی در محیط انجماد تأثیر معنی داری روی میزان تحرک و بقا، قطعه قطعه شدن DNA و میزان MDA دارد.

اضافه کردن کورکومین و ملاتونین به صورت ترکیبی به محیط انجماد تأثیر مثبتی بر پارامترهای اسپرم پس از انجماد خواهد داشت.

تأثیرات و کاربردها:

بالا رفتن میزان موفقیت در روش های کمک ناباروری در مراکز ناباروری

کمک به افزایش جمعیت در جهت کمک به فرزندآوری

استفاده برای حفظ گونه های اسپرم حیوانات در معرض انقراض

کمک به حفظ اسپرم افرادی که در سننن پایین شیمی درمانی می شوند

محدودیت های شواهد:

کمبود تجهیزات آزمایشگاهی و وجود محدودیت در تهیه نمونه و مواد آزمایشگاهی مورد نیاز، به نظر می رسد که روند انجام کار را کند نموده و یا با مشکل مواجهه نماید که برای حل این مشکل ما بر آنیم که از مراکز ناباروری مربوطه برای استفاده از تجهیزات و کمک بیشتر، طلب همکاری نماییم.

مخاطبان طرح پژوهشی:

بیماران و مردم، مراکز ناباروری، مراکزی که به جلوگیری از حیوانات در معرض انقراض کمک می کنند.

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://civilica.com/doc/۱۷۹۷۱۸۲/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

منابع و مراجع:

1. Baumber, J., et al., Reactive oxygen species and cryopreservation promote DNA fragmentation in equine spermatozoa. *Journal of Andrology*, ۲۰۰۳.
2. Crosier, A.E., et al., Cryopreservation of spermatozoa from wild-born Namibian *Acinonyx jubatus* and influence of glycerol on cryosurvival. *Cheetahs. Cryobiology*, ۲۰۰۶.
3. Lotti, F. and M. Maggi, Ultrasound of the male genital tract in relation to male reproductive health. *Human reproduction update*, ۲۰۱۵.
4. Sherman, J.K., Synopsis of the use of frozen human semen since ۱۹۶۴: state of the art of human semen banking. *Fertility and Sterility*, ۱۹۷۳.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی اثر ویتکسین برالقا مسیر آپوپتوزیس از طریق مسیر سیگنالینگ mir^{۳۴}-a و ژنهای (bax, ۱-sirt-۱, p5۳) در رده سلولی سرطان سینه (۷-mcf) تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

سحر مقبلی نژاد (مجری اصلی)، دانشیار گروه ژنتیک مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
رضا نجفی پور، استاد گروه ژنتیک دانشگاه علوم توانبخشی تهران

عنوان پیام پژوهشی:

در این تحقیق نشان داده شد که مقدار ۱۵۰ میکرومولار از داروی ویتکسین باعث کاهش پاتوزن سرطان سینه می شود. پیام کلیدی:

در این تحقیق بررسی پروفایل بیانی miRNA در رده سلول های سرطان سینه در مجاورت داروی ویتکسین انجام گرفت. بر اساس نتایج مطالعه حاضر، ویتکسین می تواند بر بیان miRNA در سلول های MCF-۷ تأثیر بگذارد. همچنین بر اساس یافته های حاضر، ویتکسین می تواند یک عامل شیمی درمانی و پیشگیری کننده جذاب با واسطه miRNA در سرطان سینه و نقش مهمی در کاهش پاتوزن سرطان سینه داشته باشد. **متن پیام پژوهشی:**

با توجه به اینکه یکی از نقش های مهم داروی ویتکسین، القا آپوپتوزیس و مرگ سلول های سرطانی می باشد، هنوز مکانیسم دقیق این القا مشخص نیست، همچنین با توجه به اینکه امروزه درمان سرطان به سمت درمان هدفمند سوق داده شده است با شناسایی تأثیر داروها بر فاکتورهای دخیل در مسیرهای سیگنالینگ مختلف می توان گام مهمی در درمان هدفمند سرطان برداشت. لذا این تحقیق با هدف بررسی تأثیر داروی ویتکسین را بر مسیر سیگنالینگ القا آپوپتوزیس، ۱-SIRT-P5۳-mir^{۳۴}-a برای اولین بار انجام شد. در این تحقیق مکانیسم های مولکولی پاتوزن سرطان سینه مورد بررسی قرار گرفت. یافته های مطالعه نشان داد ۲۰ miRNA در نتیجه تأثیر ویتکسین تغییر بیان داشتند. از بین ۲۰ miRNA بیشترین تغییر بیان را داشتند (let-۷b, miRNA-۱۷-۵p). c تست های تأییدی بعدی نشان دادند که تحت تأثیر داروی ویتکسین میزان بیان دو miRNA ذکر شده تغییر می یابد و میزان خودکشی سلول های سرطانی افزایش می یابد. بر اساس نتایج مطالعه حاضر، ویتکسین می تواند بر بیان miRNA در سلول های MCF-۷ تأثیر بگذارد. همچنین بر اساس یافته های حاضر، ویتکسین می تواند یک عامل شیمی درمانی و پیشگیری کننده جذاب با واسطه miRNA در سرطان سینه و نقش مهمی در کاهش پاتوزن سرطان سینه داشته باشد. **تأثیرات و کاربردها:**

داروی ویتکسین باعث تغییر بیان ۲۰ ریز مولکول RNA (miRNA) شد. از این میان، دو miRNA با بیشترین تغییر در سطح بیان، شناسایی گردیدند let-7b و let-7c، به همراه miRNA-17-5p. مطالعات تأییدی بعدی، این یافته را مورد تأیید قرار دادند. این دو miRNA تحت تأثیر ویتکسین، دچار تغییر بیان شده و همزمان، میزان خودکشی سلول های سرطانی نیز افزایش می یابد.

محدودیت های شواهد:

محدودیت خاصی وجود ندارد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

متخصصان و پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC10440000/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

smoghbelinejad@qums.ac.ir

منابع و مراجع:

۱. Siegel, R.L., K.D. Miller & A. Jemal. ۲۰۱۷. Cancer statistics. CA Cancer J. Clin. ۲۰۱۷.
۲. Papi, A., F. Farabegoli, R. Iori, et al. Vitexin-2-O-xyloside, raphasatin and (-)-epigallocatechin-3-gallate synergistically affect cell growth and apoptosis of colon cancer cells. Food Chem. ۲۰۱۳.
۳. L. Dong, Y. Fan, X. Shao, Z. Chen. Vitexin protects against myocardial ischemia/reperfusion injury in Langendorff-perfused rat hearts by attenuating inflammatory response and apoptosis, Food and Chemical Toxicology: An International Journal Published for the British Industrial Biological Research Association ۲۰۱۱.
۴. S.H. Yang, P.H. Liao, Y.F. Pan, S.L. Chen, S.S. Chou, M.Y. Chou, The novel p53-dependent metastatic and apoptotic pathway induced by vitexin in human oral cancer OC2 cells, Phytotherapy Research: PTR ۲۰۱۳.



عنوان طرح تحقیقاتی: مطالعه فعالیت سمیت سلولی باوچنینین و میانکنش آن با DNAی دورشته ای به روش های تجربی و محاسباتی، به

عنوان یک عامل ضد توموری قوی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

بابک رحمانی (مجری)، استادیار گروه سلولی و مولکولی مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

صادق فرهادیان (مجری)، استادیار گروه بیوشیمی دانشگاه شهرکرد

فرج زاده دهکردی، دانشجوی دکتری گروه سلولی و مولکولی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

سینا درزی، دانشجوی دکتری گروه سلولی و مولکولی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

باوچینین ترکیبی با اثرات بیولوژیکی قوی است که سبب بروز سمیت سلولی در سلول های سرطانی می شود و این ترکیب به عنوان فلاونوئیدی با اثرات ضد توموری قوی شناخته شده است.

پیام کلیدی:

آشنایی با نحوه تعامل و اثر فلاونوئید طبیعی باوچینین بر مولکول DNA شناسایی اثر ترکیب باوچینین بر بیان کاسپازهای دخیل در مسیر آپاپتوز شناسایی و معرفی ترکیب باوچینین به عنوان یک ترکیب ضد سرطانی

متن پیام پژوهشی:

از عوامل شیمی درمانی برای درمان سرطان فعال که از نظر بالینی آشکار شده است، استفاده می شود. این داروها بیش از همه در درمان سرطان موثر هستند. مکانیسم عمل آنها، ایجاد تغییر در ساختمان DNA و برهمکنش با این بیومولکول و تحت تاثیر قرار دادن آن می باشد. از طرفی DNA آسیب دیده به درد تقسیم سلولی نمی خورد و خود سیگنالی برای شروع آپاپتوز و مرگ سلولی محسوب می شود. جز اصلی آپاپتوز، یک سیستم لیز کننده پروتئینی به نام کاسپاز می باشد. کاسپازها به دو دسته تقسیم می شوند: کاسپازهای آغازگر مانند کاسپازهای ۹ و ۸ که عمل اصلی آنها فعال کردن کاسپازهای پایین دست است و کاسپازهای اجرایی مانند کاسپازهای ۳، ۶ و ۷ که مسئول تخریب پروتئین های سلولی هستند. باوچینین ترکیبی با اثرات بیولوژیکی قوی است که سبب بروز سمیت سلولی در سلول های سرطانی نیز شده است ولی مکانیسم عمل آن نامشخص است. از این رو مطالعه توانایی برهمکنش باوچینین با DNA دو رشته ای و در راستای آن سنجش فعالیت سمیت سلولی و اثر آن بر تغییر بیان کاسپازهای آپاپتوزی به عنوان یک دریچه ای رو به سوی شناخت مکانیسم مولکولی ضد توموری باوچینین و معرفی آن به عنوان ترکیب جدید دارویی شیمی درمانی مطرح است.

تأثیرات و کاربردها:

از باوچینین به عنوان ترکیب طبیعی فلاونوئیدی در جهت درمان سلول های سرطانی در مرحله آزمایش های کارآزمایی بالینی استفاده گردد. از نحوه تاثیر و تعامل ترکیب باوچینین در طراحی ترکیبات غیردرج شونده به مولکول DNA استفاده گردد.

محدودیت های شواهد:

زمان استفاده از دستگاه طیف سنجی مرئی-فرا بنفش و فلوروسانس. هماهنگی با کارشناسان آزمایشگاه های فوق برای استفاده از دستگاه های طیف سنجی در مراکز تحقیقاتی

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0167732221020973>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

brahmani@qums.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Mendis, S., P. Puska, and B. Norrving, Global atlas on cardiovascular disease prevention and control World Health Organization. ۲۰۱۱.
2. Sans, S., H. Kesteloot, and D.o. Kromhout, The burden of cardiovascular diseases mortality in Europe: Task Force of the European Society of Cardiology on Cardiovascular Mortality and Morbidity Statistics in Europe. European heart journal, ۱۹۹۷.
3. Davarani, R. and N. Robati, Cardiovascular Diseases Risk Factors and the Relationship between Knowledge Level and Preventive Behaviors for Cardiovascular Diseases among Women in Kerman. Health-Based Research.

۴. Aithal, G.P., et al., Association of polymorphisms in the cytochrome P⁴⁵⁰ CYP^{2C9} with warfarin dose requirement and risk of bleeding complications. The Lancet, ۱۹۹۹.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی پلیمورفیسم های ژن های سیتوکروم P⁴⁵⁰ و VKORC¹ در بیماران قلبی-عروقی مراجعه کننده به بیمارستان های شهر قزوین

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

بابک رحمانی (مجری اصلی)، استادیار گروه سلولی و مولکولی مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
فاطمه سمیعی (مجری اصلی)، استادیار گروه آسیب شناسی مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
سید سعید فرزام، استادیار گروه قلب و عرق دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
امیر جوادی، دانشیار انفورماتیک پزشکی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
فرج زاده دهکردی، دانشجوی دکتری گروه سلولی و مولکولی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
داریوش حامدی، دانشجوی دکتری گروه سلولی و مولکولی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

تعیین دوز وارفارین بر اساس تفاوت های ژنتیکی برای کاهش عوارض در بیماران قلبی ضروری است.

پیام کلیدی:

دوز مناسب وارفارین در بیماران قلبی عروقی تحت درمان با وارفارین به منظور کاهش خطرات ناشی از عوارض تجویز دوز نامناسب داروی وارفارین اعم از خونریزی و آمبولی تعیین گردد زیرا با توجه به افزایش امید به زندگی، کنترل بیماری های واگیر و روند روبه پیشرفت بیماری های غیر واگیر مخصوصاً بیماری های قلبی عروقی، عوارض ناشی از تزریق دوز نامناسب دارو، تفاوت های بین فردی و بین قومی در پاسخ به داروهای وارفارین و کلوپیدوگرل و مصرف بالای این داروها در کشور، پی بردن به پلی مورفیسم های شایع در این بیماران و استفاده از اطلاعات واریانت های ژنتیکی بر اساس گاید لاین های FDA و CPIC به جهت تنظیم دوز روزانه وارفارین و کلوپیدوگرل مصرفی در بیماران قلبی-عروقی کشور امری ضروری و حیاتی است

متن پیام پژوهشی:

امروزه داروهای متعددی جهت پیشگیری و درمان بیماری های قلبی-عروقی پیشنهاد شده است که در این بین وارفارین متداولترین ضد انعقاد خوراکی برای پیشگیری و درمان بیماری های ترومبوتیک است. تجویز دوز مناسب وارفارین برای هر بیمار اهمیت فراوانی دارد، زیرا مقادیر کمتر از دوز مورد نیاز بیمار منجر به وقوع ترومبوزهای تهدیدکننده حیات شده و مقادیر بیش از حد با خونریزی های جدی همراه خواهند بود. امروزه برای تنظیم دوز وارفارین از آزمایش PT - INR استفاده میشود. در ۵۰٪ درصد موارد مبنای تنظیم دوز بر اساس INR، خارج از مبنای محدوده واقعی قرار می گیرد و همین موضوع منجر به ناموفق بودن درمان و یا بروز وقایع جبران ناپذیری می گردد. تنظیم دوز روزانه وارفارین مصرفی در بیماران بر اساس واریانت های ژنتیکی شامل: پلی مورفیسم های CYP^{2C9}*۲، CYP^{2C9}*۳، CYP^{2C9}*۵ و CYP^{2C9}*۸، پلی مورفیسم (- rs۹۹۲۳۲۳۱) و VKORC¹ واریانت (C rs۲۱۰۸۶۲۲ < T) CYP^{4F2} است. به علاوه نیاز به بررسی واریانت های ژن های دخیل در متابولیسم وارفارین، اهمیت بررسی بیان دو پروتئین C و S نیز وجود دارد زیرا در بسیاری از مواقع ممکن است کمبود پروتئین های C و S در بیماران دریافت کننده وارفارین خطر بروز لخته در ابتدای درمان را افزایش دهد. از دیگر داروهای رایج جهت پیشگیری و درمان بیماران قلبی-عروقی، داروهای ضد پلاکتی کلوپیدوگرل است. به هر حال ۳٪ تا ۴۰٪ بیماران که کلوپیدوگرل مصرف می کنند، پاسخ مناسبی به آن نمی دهند. با

توجه به میزان دوز مصرف کلوپیدوگرل و نوع روش مورد بررسی، مقاومت به کلوپیدوگرل در بیمارانی که قادر به مهار تجمع پلاکتی نیستند، تشخیص داده شده است. CYP2C19 توسط ژن CYP2C19 که روی کروموزوم شماره ۱۰ قرار دارد کد می‌شود. تغییر در این ژن باعث فقدان عملکرد آلهای CYP2C19*17، CYP2C19*3 و CYP2C19*2 و در نتیجه کاهش فعالیت آنزیم می‌شود. تغییرات ژنتیکی چه به صورت هموزیگوت و چه به صورت هتروزیگوت از تبدیل شدن کلوپیدوگرل به متابولیت فعال آن جلوگیری می‌کند که می‌تواند شاخص خوبی برای نشان دادن عملکرد کلوپیدوگرل باشد. فلذا هدف از مطالعه حاضر بررسی واریانتهای CYP2C9*2، CYP2C9*3، CYP2C9*5، CYP2C9*8 در ژن CYP2C9 (واریانت G-1639) ($rs9923231 < A$) در ژن VKORC1 و واریانت C ($rs2108622 < T$) در ژن CYP4F2 به همراه بررسی میزان سرمی دو پروتئین S و C در بیماران کاندید دریافت وارفارین و بررسی واریانتهای CYP2C19*2، CYP2C19*3 و CYP2C19*17 در ژن CYP2C19 در بیماران کاندید دریافت کلوپیدوگرل، با استفاده از تکنیک‌های سریع و دقیق PCR Allele-Specific Multiplex، HRM و تکنیک الایزا بر مبنای معتبرترین و بروز رسانی شده ترین گاید لاین‌های جهان که در این زمینه طراحی شده است، تا بتواند راهگشای تنظیم دوز وارفارین و کلوپیدوگرل بر مبنای اطلاعات ژنتیکی در بیماران مصرف‌کننده باشد.

تأثیرات و کاربردها:

استفاده از الگوریتم فارماکوژنتیک پیش بینی کننده دوز وارفارین در کنار نتایج از حاصل آزمایش PT-INR برای تجویز مناسب دوز وارفارین در بیماران قلبی عروقی تحت درمان با این دارو.

محدودیت‌های شواهد:

عدم همکاری برخی از بیماران که برای حل آن فرصت کافی از سوی مجریان جهت توضیح پیرامون اهمیت و اهداف مطالعه به منظور جلب همکاری بیماران اختصاص خواهد یافت. در نهایت متأسفانه با توجه به شیوع بیماری‌های قلبی عروقی نیازمند دریافت داروهای ضد انعقادی، در صورت عدم تمایل بیماران به همکاری از مطالعه حذف می‌گردند. نیاز به طراحی و آزمون پرایمرهای مختلف با توجه به وضعیت توالی ناحیه ای که پلی مورفیسم آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

کاربردی و در راستای نیاز کشور یا استان

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://europepmc.org/article/MED/37039974>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

brahmani@qums.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Mendis, S., P. Puska, and B. Norrving, Global atlas on cardiovascular disease prevention and control. ۲۰۱۱: World Health Organization.
2. Sans, S., H. Kesteloot, and D.o. Kromhout, The burden of cardiovascular diseases mortality in Europe: Task Force of the European Society of Cardiology on Cardiovascular Mortality and Morbidity Statistics in Europe. European heart journal, ۱۹۹۷.
3. Davarani, R. and N. Robati, Cardiovascular Diseases Risk Factors and the Relationship between Knowledge Level and Preventive Behaviors for Cardiovascular Diseases among Women in Kerman. Health-Based Research.
4. Aithal, G.P., et al., Association of polymorphisms in the cytochrome P450 CYP2C9 with warfarin dose requirement and risk of bleeding complications. The Lancet, ۱۹۹۹.

۵. Hirsh, J., et al., Oral anticoagulants: mechanism of action, clinical effectiveness, and optimal therapeutic range. Chest, ۲۰۰۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: تاثیر داروی ممانتین بر بهبود علایم خلقی مبتلایان به اختلال شخصیت مرزی در جمعیت ایرانی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۸/۱۵

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مریم سلیمان نژاد (مجری اصلی)، استادیار مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

هما صادقی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

فریبا کریم زاده، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

سمیرا رمزی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

محمد شالبافان، دانشگاه علوم پزشکی ایران

مهرداد افتخار اردبیلی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

گلاره وهاب زاده، دانشگاه علوم پزشکی ایران

نوشین احمدی راد، دانشگاه علوم پزشکی ایران

عنوان پیام پژوهشی:

ممانتین با تعدیل ترشح گلوتامات می تواند پیش آگهی درمان بیماران دارای رفتارهای خودآسیب رسان را بهبود دهد.

پیام کلیدی:

از آنجایی که آنتاگونیست های گیرنده NMDA به واسطه تعدیل ترشح گلوتامات می توانند بروز رفتارهای خود آسیب رسان را کاهش دهند تجویز داروی ممانتین با تعدیل گلوتامات می تواند پیش آگهی درمان را در این دسته از بیماران بهبود دهد. در صورت پاسخ موثر بیماران به داروی فوق الذکر می توان به عنوان یکی از داروهای رایج درمان در کنار سایر روش های درمانی مورد استفاده قرار داد. پاسخ دهی بیماران به داروی ممانتین با دوز ۱۰ میلیگرم روزانه و به مدت ۸ هفته با کاهش موارد ورود به فاز اختلال دوقطبی با کمترین موارد بروز عوارض دارویی همراه بوده است.

متن پیام پژوهشی:

اختلال شخصیت مرزی BPD یک اختلال روانپزشکی در نظر گرفته شده است که درمان دارویی موثر برای آن به خوبی ثابت نشده است. این مطالعه با هدف بررسی اثر ممانتین (۱۰ میلی گرم در روز) بر کاهش شدت BPD و اختلال شناختی ناشی از آن انجام شده است. بیمارانی که تشخیص BPD در آنها مورد تایید توسط روانشناسان پژوهش قرار گرفته بود به مطالعه وارد شدند، این افراد شامل دو گروه دارونما (۱۹ نفر) و دریافت کننده ممانتین (۲۰ نفر) بودند. انتخاب شرکت کنندگان به روش شامل تصادفی، دوسوکور، و تثبیت ایشان به مدت حداقل چهار هفته در دوره ی دارو درمانی و روان درمانی بوده است. بیماران گروه ممانتین، حداقل یک ماه ممانتین خوراکی (۱۰ میلی گرم در روز) را دریافت کردند. شدت BPD توسط یک پرسشنامه خود گزارش شده به نام بررسی شدت اختلال مرزی در طول زمان BEST ارزیابی شد. علاوه بر این، آزمون ویسکانسین برای ارزیابی عملکرد اجرایی انجام شد. میانگین نمره آزمون BEST در هفته هشتم پس از درمان در گروه ممانتین به طور معنی داری کاهش یافت. علاوه بر این، کاهش معنی داری در این امتیاز در گروه ممانتین نسبت به گروه دارونما در هفته هشتم نشان داد. میانگین نمره کل آزمون BEST قبل و بعد از تجویز دارونما تفاوت معنی داری نداشت. تفاوت در اندازه زیرمقیاس های ویسکانسین، از جمله تعداد پاسخ های اشتباه و دسته های به دست آمده پس از ممانتین یا دارونما قابل توجه نبود. پس از تجویز ممانتین تعداد خطاهای درجا زدن افزایش یافت. عوارض

جانبی نامطلوب دارویی در هیچ یک از افراد گروه ها رخ نداد. یافته‌های ما اثرات درمانی بالقوه ممانتین را برای BPD پیشنهاد کرد. با داروی ممانتین، تعداد ورود بیماران به شعله وری بیماری دوقطبی کاهش محسوسی داشت. این کاهش بعد از ۸ هفته مصرف داروی ممانتین رخ داد. مصرف داروی ممانتین در کنار سایر داروهایی که روانپزشک برای بیماری دوقطبی تجویز می‌کند می‌تواند به کاهش تعداد حملات بیماری کمک کند. علاوه بر این، ما متوجه شدیم که استفاده از دوز پایین داروی ممانتین ممکن است برای جلوگیری از عوارض جانبی ارجح باشد.

تأثیرات و کاربردها:

توجه روانپزشکان به تجویز داروی ممانتین در کنار سایر پروتکل‌های درمان اختلال دوقطبی انجام مطالعه تحقیقی دیگر با دوز بالاتر و زمان فالوآپ بیشتر

محدودیت‌های شواهد:

محدودیت‌های این مطالعه عوارض احتمالی داروی ممانتین خواهد بود که با دادن اطلاعات کافی به بیماران و کنترل علائم آنها از بروز علائم جدی خودداری خواهد شد، ضمن اینکه این دارو از جمله داروهای مورد تأیید وزارت غذا و دارو می‌باشد و محدودیت قانونی و علمی جهت استفاده در بیماران ندارد. محدودیت بعدی خروج بیماران از روند مطالعه است که ورود بیماران دیگر تا رسیدن نمونه مد نظر مطالعه به حجم نمونه تعیین شده ادامه خواهد یافت. و محدودیت بعدی مصرف سایر داروهای روانپزشکی جهت درمان بیماری فعلی ایشان که جزو متغیرهای مخدوش کننده در آنالیز اماراتی مدنظر قرار خواهد گرفت.

مخاطبان طرح پژوهشی:

متخصصین روانپزشکی

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://brieflands.com/articles/ijpbs-۱۳۵۵۰۳>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

soleimanigp@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Leichsenring F, Leibing E, Kruse J, New AS, Leweke F. (Borderline personality disorder. Lancet London, England ۲۰۱۱)
2. National Health and Medical Research Council. Clinical practice guideline for the management of borderline personality disorder; Melbourne: National Health and Medical Research Council. ۲۰۱۲
3. van den Bosch LM, Sinnaeve R, Hakkaart-van Roijen L, van Furth EF. Efficacy and cost-effectiveness of an experimental: short-term inpatient dialectical behavior therapy (DBT) program. study protocol for a randomized controlled trial. Trials. ۲۰۱۴.
4. Barnicot K, Katsakou C, Marougka S, Priebe S. Treatment completion in psychotherapy for borderline personality disorder—a systematic review and meta-analysis. Acta Psychiatrica Scandinavica. ۲۰۱۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی اثر آنتی اکسیدان های ال-کارنیتین و ملاتونین بر کیفیت پارامترهای اسپرم، میزان شکست DNA و سطح لیپید پراکسیداسیون غشاء در طی فرایند انجماد اسپرم

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

فریبا ظفری (مجری اصلی)، استادیار گروه علوم تشریح مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
سید امیر حسینی، استادیار گروه علوم تشریح مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.
زینب خداکرمی، استادیار گروه علوم تشریح مرکز تحقیقات سلولی و ملکولی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

ملاتنین و ال کارنیتین می توانند به کاهش آسیب های ناشی از دستکاری اسپرم طی پروسه انجماد و ذوب، کمک کند.

پیام کلیدی:

در طی انجماد اسپرم شاخص های عملکردی آن از جمله بقا و تحرک آسیب دیده و منجر به کاهش کیفیت اسپرم و باروری می گردد. مطالعات جهت محدود کردن این آسیب ها صورت گرفته، از جمله ی آن افزودن آنتی اکسیدان ها به محیط انجماد می باشد. این مطالعه به بررسی اثرات آنتی اکسیدان های ملاتونین و ال-کارنیتین بر کیفیت پارامترهای اسپرم پس از انجماد و ذوب پرداخته است.

متن پیام پژوهشی:

در طی انجماد اسپرم شاخص های عملکردی آن از جمله بقا و تحرک آسیب دیده و منجر به کاهش کیفیت اسپرم و باروری می گردد. مطالعات جهت محدود کردن این آسیب ها صورت گرفته، از جمله ی آن افزودن آنتی اکسیدان ها به محیط انجماد می باشد. این مطالعه به بررسی اثرات آنتی اکسیدان های ملاتونین و ال-کارنیتین بر کیفیت پارامترهای اسپرم پس از انجماد و ذوب پرداخته است. نتایج نشان داد استفاده از ملاتونین و ال کارنیتین به صورت ترکیبی در محیط انجماد تاثیر معنی داری بر میزان تحرک و بقاء، افزایش از ۱۵٪ به ۲۵٪، کاهش شکست DNA از ۳۲٪ به ۲۳٪ و کاهش MDA از ۱۰ به ۶٫۵ $\mu\text{m}/\text{dl}$ گزارش شد اما بررسی مورفولوژی اسپرم نشان دهنده تفاوت معنی داری بین گروه های مورد مطالعه نبود. $P > 0.05$ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد. در نتیجه مشخص شد ملاتنین و ال کارنیتین می توانند به کاهش آسیب های ناشی از دستکاری اسپرم طی پروسه انجماد و ذوب، کمک کند.

تأثیرات و کاربردها:

استفاده از مکمل های حاوی آنتی اکسیدان جهت نتیجه گیری بهتر در پروسه های درمان ناباروری در صورت تاثیر مثبت این دو آنتی اکسیدان بر پارامترهای اسپرم از جمله تحرک، بقاء، مورفولوژی می توان به عنوان مواد مکمل در محیط انجمادی مورد استفاده قرار گیرد.

محدودیت های شواهد:

کافی نبودن نمونه ها، استفاده از نمونه های بیشتر برای دستیابی به نتایج دقیق تر

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارایه کنندگان خدمات بهداشتی و درمانی

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://jbums.org/article-۱-۱۱۲۴۱-fa.pdf>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

f.zafari@qums.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Baumber, J., et al., Reactive oxygen species and cryopreservation promote DNA fragmentation in equine spermatozoa. Journal of Andrology, ۲۰۰۳: (۴)۲۴. p. ۶۲۱-۶۲۸.

۲. Lotti, F. and M. Maggi. Ultrasound of the male genital tract in relation to male reproductive health. Human Reproduction Update, ۲۰۱۵. ۲۱(۱): p. ۵۶-۸۳.
۳. Sherman, J.K., Synopsis of the use of frozen human semen since ۱۹۶۴: state of the art of human semen banking. Fertility and Sterility, ۱۹۷۳. ۲۴(۵): p. ۳۹۷-۴۱۲.
۴. Crosier, A.E., et al., Cryopreservation of spermatozoa from wild-born Namibian cheetahs (Acinonyx jubatus) and influence of glycerol on cryosurvival. Cryobiology, ۲۰۰۶. ۵۲(۲): p. ۱۶۹-۱۸۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی عوامل موثر بر نگرش و اقدام به انجام سقط جنین با تاکید بر عوامل اقتصادی و اجتماعی در زنان استان قزوین:
یک مطالعه مقطعی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

زینب علیمردی (مجری و محقق اصلی)، و همکاران، دانشیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

دلایل سقط جنین در زنان متاهل ساکن استان قزوین به سه دسته (الف) رفتار زوجین، مشکلات سلامتی و روابط زوجین، (ب) تجربیات استرس زای مربوط به باروری زنان، و (ج) موقعیت های اجتماعی اقتصادی خانواده مرتبط بود.
پیام کلیدی:

شیوع سقط جنین در زنان متاهل مورد مطالعه در استان قزوین ۱۸,۶ درصد بود.

دلایل سقط جنین به سه دسته (الف) رفتار زوجین، مشکلات سلامتی و روابط زوجین، (ب) تجربیات استرس زای مربوط به باروری زنان، و (ج) موقعیت های اجتماعی اقتصادی خانواده مرتبط بود.
سقط جنین در زنان در سال جدید در حال افزایش بود.

متن پیام پژوهشی:

فرزندآوری مهمترین عامل تأثیرگذار در تغییر ساختار و اندازه جمعیت است. در حال حاضر، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نرخ باروری کل در سطح جایگزینی یا کمتر از آن تجربه کرده‌اند. طی چهار دهه گذشته، ایران یکی از کشورهایی است که کاهش شدید TFR کل را از ۶,۹ کودک در سال ۱۹۸۴ به ۱,۶۵ کودک در سال ۲۰۲۱ تجربه کرده است. با توجه به کاهش TFR و افزایش امید به زندگی در ایران، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت سالمندان از کمتر از ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۳۰ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش یابد. با توجه به اهمیت تغییرات سطح باروری و ساختار جمعیتی در ایران، تحقیقی برای بررسی عوامل موثر بر اندازه و ساختار جمعیت به ویژه عوامل مرتبط با باروری ضروری است. در ایران آمار دقیقی از میزان سقط جنین به طور کلی و میزان سقط‌های القایی به طور خاص وجود ندارد. با این حال، تخمین زده می‌شود که سالانه ۸۰۰۰۰ سقط جنین القایی در ایران اتفاق می‌افتد. از آنجایی که ایران کاهش شدید TFR را تجربه کرده است، یکی از اهداف سیاست های جدید جمعیتی دولت، حفظ جان هر جنین برای افزایش TFR کشور است. شیوع سقط جنین در زنان مورد مطالعه در استان قزوین ۱۸,۶ درصد بود. دلایل سقط جنین به سه دسته (الف) رفتار زوجین، مشکلات سلامتی و روابط زوجین، (ب) تجربیات استرس زای مربوط به باروری زنان، و (ج) موقعیت های اجتماعی اقتصادی خانواده مرتبط بود. سقط جنین در زنان در سال جدید در حال افزایش بود. ابتدا باید از طریق کارگاه آموزشی توانمندسازی ضمن خدمت از دلایل اصلی انتخاب سقط جنین و گروه های پرخطر برای سقط غیرخود به خودی به ارائه دهندگان

مراقبت‌های بهداشتی اطلاع داده شود. در گام بعدی پیشنهاد می‌شود که زنان سنین باروری برای پیش‌بارداری و مشاوره زودهنگام به ارائه دهندگان مراقبت‌های بهداشتی مراجعه کنند. برخی از ارائه دهندگان مراقبت‌های بهداشتی در زمینه مامایی می‌توانند به طور خاص برای مشاوره با زنان باردار پرخطر (که تصمیم به سقط جنین خود دارند) برای حفظ بارداری و اجتناب از سقط آموزش ببینند.

تأثیرات و کاربردها:

یافته‌های این پژوهش می‌تواند به ارائه دهندگان خدمات بهداشتی در جهت اهمیت موضوع سقط جنین کمک ویژه‌ای نماید تا با برنامه ریزی و سیاست‌گذاری صحیح، ممکن است بتوان با افزایش آگاهی و غربالگری مادران پرخطر در راستای مشاوره صحیح و مناسب در راستای کاهش سقط اقدامات بزرگی ایجاد گردد.

محدودیت‌های شواهد:

استفاده از خود گزارش دهی برای بررسی تجربه، نگرش‌ها و دلایل انتخاب سقط جنین، موضوعات حساسی هستند و می‌توانند به دلیل انگ اجتماعی درک شده در مورد این موضوعات (یعنی به دلیل مطلوبیت اجتماعی) منبعی برای گزارش کم گزارش شوند. نمونه‌گیری از یک استان ایران انجام شد که تعمیم یافته‌ها را به سایر نقاط ایران محدود می‌کند. شرکت کنندگان انتخاب شده فقط زنان متاهل بودند و نتایج را نمی‌توان به زنان مجردی که سقط جنین داشته‌اند تعمیم داد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

ارائه دهندگان خدمات بهداشتی به مادران باردار، مدیران و سیاست‌گذاران بهداشتی
آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
از منظر بهداشتی با توجه به افزایش سقط جنین، تمرکز بر دلایل سقط جنین همچون (الف) رفتار زوجین، مشکلات سلامتی و روابط زوجین، (ب) تجربیات استرس زای مربوط به باروری زنان، و (ج) موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی خانواده مرتبط بود و برنامه‌ریزی در زمینه ارتقا این عوامل ممکن است بتواند نقشی در کاهش سقط جنین داشته باشد.

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

zainabalimoradi@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Ishola F, Ukah UV, Alli BY, Nandi A. Impact of abortion law reforms on health services and health outcomes in low-and middle-income countries: a systematic review. Health Policy Plan. ۲۰۲۱.
۲. Ladier-Fouladi M. The Islamic Republic of Iran's new population policy and recent changes in fertility. Iran Stud. ۲۰۲۱.
۳. Alijanzadeh M, Bahrami N, Jafari E, Noori M, Miri F, Joftyar M, et al. Iranian women's attitude toward childbearing and its association with generalized trust, social support, marital satisfaction and governmental childbearing incentives. Heliyon. ۲۰۲۳.
۴. Ranji A. Induced abortion in Iran: prevalence, reasons, and consequences. J Midwifery Women's Health. ۲۰۱۲.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی تاثیر عوامل اجتماعی موثر بر سلامت بر نگرش و تصمیمات فرزندآوری زنان شهر قزوین

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

زینب علیمردی (مجری و محقق اصلی)، دانشیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده پیشگیری از بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

رضایت زناشویی، مشوق های دولتی و اعتماد عمومی از جمله عواملی است که بر نگرش خانوار در جهت تصمیمات فرزندآوری موثر است.

پیام کلیدی:

اعمال مشوق های دولتی و افزایش آن، بهبود اعتماد عمومی در جامعه و افزایش رضایت زناشویی در زوجین در جهت افزایش نگرش خانوار بر تصمیمات فرزندآوری موثر است.

متن پیام پژوهشی:

به موازات تحولات جمعیت شناختی در دنیا، ایران نیز تغییرات گسترده ای را تجربه کرده است. کاهش نرخ باروری کلی به کمتر از حد جایگزینی با توجه به هرم جمعیتی هر کشور در طول زمان، ابتدا صفر شدن شاخص رشد جمعیت، سپس منفی شدن این شاخص، کاهش جمعیت را به دنبال دارد. بر اساس اطلاعات سازمان ثبت احوال هر ساله بیش از یک میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده می شود، اما پیش بینی می گردد در طول زمان، در صورت تداوم نرخ باروری کلی زیر حد جایگزینی و ادامه روند وضعیت فعلی، تعداد تولد کاهش یافته و تعداد مرگ افزایش یابد به گونه ای که در حدود سال های ۱۴۳۰-۱۴۲۰ این دو مورد باهم برابر شده و میزان رشد جمعیت را صفر نماید. تداوم نرخ باروری کلی در حد کمتر از جایگزینی پس از آن سبب رشد منفی، کاهش جمعیت و پیر شدن آن خواهد شد. مشوق های دولتی قوی ترین پیش بینی کننده مستقل نگرش خانوار به فرزندآوری است که می تواند به طور غیرمستقیم بر تعداد فرزندان مورد انتظار زوج ها در آینده تأثیر بگذارد. اعتماد عمومی تعمیم یافته در جامعه و رضایت زناشویی زوجین از یکدیگر از دیگر عوامل موثر بر فرزندآوری زوجین است. تبلیغ دریافت مشوق های دولتی توسط زوجین و افزایش این مشوق ها، اجرای برنامه هایی برای بهبود اعتماد عمومی و افزایش رضایت زناشویی می تواند کاربرد نتایج طرح باشد.

تأثیرات و کاربردها:

یافته های این پژوهش می تواند به مدیران کشوری در جهت اهمیت موضوع فرزندآوری کمک ویژه ای نماید تا با برنامه ریزی و سیاستگذاری صحیح، بتوان با برقراری سیاست های تشویقی و آموزش و ارائه مداخلات در زمینه ارتقا رضایت زناشویی زوجین به افزایش فرزندآوری امید داشت.

محدودیت های شواهد:

شرکت کنندگان در پژوهش حاضر زنان بدون فرزند و مادران تک فرزند بودند و یافته ها را نمی توان به همه زنان تعمیم داد. نمونه گیری از طریق یک پلتفرم آنلاین با استفاده از نمونه گیری آسان برای استخدام شرکت کنندگان واجد شرایط انجام شد و بنابراین ممکن است نماینده کلیه مادران نباشد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مدیران ارشد کشوری، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی به مادران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ از منظر بهداشتی می توان با افزایش رضایت زناشویی زوجین و از منظر اجتماعی با بهبود اعتماد عمومی در سطح جامعه و ارتقای مشوق های دولتی ممکن است اقدامات بتواند به افزایش فرزندآوری در خانوار صورت گیرد.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC۱۰۱۹۹۲۶۰/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

zainabalimoradi@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Kariman N., Simbar M., Ahmadi F., Vedadhir A.A. Socioeconomic and emotional predictors of decision making for timing motherhood among Iranian women in ۲۰۱۳. Iran. Red Crescent Med. J. ۲۰۱۴; ۱۶(۲)
۲. Behboudi-Gandevani S., Ziaei S., Khalajabadi-Farahani F., Jasper M. Iranian primigravid women's awareness of the risks associated with delayed childbearing. Eur. J. Contracept. Reprod. Health Care. ۲۰۱۳.
۳. Sadeghi H.S., Saraie H. Effective factors on mothers' inclination to have children in Tehran. Soci. Develop. Welfare Planning. ۲۰۱۶.
۴. Ampic C., Svanberg A.S., Karlström P., Tydén T. Fertility awareness, intentions concerning childbearing, and attitudes towards parenthood among female and male academics. Hum. Reprod. ۲۰۰۶.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی شیوع اختلالات رشدی و تکاملی در کودکان زیر ۵ سال استان قزوین: یک مطالعه مقطعی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مهران علیجان زاده (مجری و محقق اصلی)، دکترای مدیریت خدمات بهداشتی درمانی کارشناس و محقق مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

در کودکان دچار کم‌وزنی، وضعیت اقتصادی خانواده، اشتغال والدین و عوارض دوران بارداری از عوامل مهم و اثرگذار هستند.

پیام کلیدی:

در این مطالعه ۱۳،۵۶ درصد کودکان دارای کم‌وزنی بودند (وزن پایین‌تر از نرمال) که مرتبط به اختلالات رشدی در کودکان بود.

هم‌چنین ۸ درصد کودکان دارای اختلالات حل‌مساله بودند که مرتبط با اختلالات تکاملی کودکان بود.

در اختلال کم‌وزنی در کودکان وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت اشتغال و عوارض دوران بارداری مادران از جمله عوامل مهم شکل‌گیری کم‌وزنی در کودکان بود.

در اختلال حل‌مساله در کودکان شغل پدر خانواده و مصرف دخانیات توسط پدر از جمله موارد مرتبط با شکل‌گیری بحران حل‌مساله ضعیف در کودکان بود.

متن پیام پژوهشی:

رشد و تکامل کودکان فرآیندی پیوسته و پیچیده از کسب قابلیت‌های مختلف برای عملکرد بهینه در محیط اجتماعی است که بیشتر آن‌ها در چند سال اول زندگی اتفاق می‌افتد. اختلالات رشدی یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان است که در سراسر جهان با ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیون کودک زیر پنج سال تحت تأثیر قرار می‌گیرند که بیش از دو سوم آن در کشورهای کم‌درآمد یا با درآمد متوسط رخ می‌دهد. تقریباً ۱۸-۱۵ درصد از کودکان در جوامع مختلف دارای ناتوانی‌های گفتاری، یادگیری و رفتاری-عاطفی و ۲۵ درصد کودکان دارای مشکلات روانی-اجتماعی جدی هستند. علیرغم پیشرفت‌های اخیر، میزان مرگ و میر، بیماری، فقر و سوء تغذیه مزمن در میان کودکان زیر ۵ سال در بسیاری از کشورهای با درآمد کم و متوسط بالا است. ۱۳،۵۶ درصد کودکان دارای کم‌وزنی بودند (وزن پایین‌تر از نرمال) که مرتبط به اختلالات رشدی در کودکان بود. هم‌چنین ۸ درصد

کودکان دارای اختلالات در قسمت حل مساله بودند که مرتبط با اختلالات تکاملی کودکان بود. در اختلال کم وزنی در کودکان وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت اشتغال و عوارض دوران بارداری مادران از جمله عوامل مهم شکل گیری کم وزنی در کودکان بود. در اختلال حل مساله در کودکان شغل پدر خانواده و مصرف دخانیات توسط پدر از جمله موارد مرتبط با شکل گیری بحران حل مساله ضعیف در کودکان بود. موارد کاربرد نتایج طرح عبارت است از:

اهمیت نیاز به غربالگری به موقع جهت شناسایی زود هنگام کودکان دارای مشکلات رشد و تکامل تشخیص دلایل تاخیر رشد و تکامل در کودکان کودکان و برنامه ریزی صحیح مداخله به موقع در جهت کنترل مشکلات و بهبود وضعیت شاخص های رشدی و تکاملی کودکان توجه سیاستگذاران بهداشتی به عوامل اجتماعی اقتصادی دخیل بر وضعیت رشد و تکامل کودکان همچون وضعیت اقتصادی، وضعیت اشتغال، و هم چنین ارتقا اجرای رفتارهای سالم در خانواده همچون عدم استفاده از دخانیات

تأثیرات و کاربردها:

یافته های این پژوهش می تواند به مدیران و ارائه کنندگان خدمات بهداشتی کمک شایانی در راستای سیاستگذاری مناسب ارائه نماید. توجه به عوامل اجتماعی اقتصادی مرتبط با این موضوع و تلاش در رفع آن ممکن است بتواند مشکلات رشدی و تکامل در کودکان را کاهش دهد.

محدودیت های شواهد:

تعداد شرکت کنندگان در برخی از زیر گروه ها (مانند پدرانی که سیگار می کشیدند، الکل می نوشیدند و مواد مخدر مصرف می کردند) کم بود و ممکن است به دلیل سوگیری مطلوبیت اجتماعی کمتر گزارش شود.

به دلیل تعداد کم شرکت کنندگان در این زیرگروه ها، تجزیه و تحلیل مناسب امکان پذیر نبود، به این معنی که این عوامل نیاز به بررسی بیشتر برای تایید یافته ها دارند.

در پژوهش حاضر نیز از روش نمونه گیری در دسترس در مراکز بهداشتی درمانی قزوین استفاده شد. اما با نمونه گیری از مراکز جامع سلامت شهری، نمونه گیری در تمامی مناطق جغرافیایی و اجتماعی شهر قزوین به منظور دستیابی به تنوع ویژگی های اجتماعی - اقتصادی انجام شد.

جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه های خود گزارشی ممکن است شانس سوگیری یادآوری را افزایش دهد.

داده ها فقط در شهر قزوین جمع آوری شد، بنابراین نمونه، معرف همه کودکان زیر پنج سال در ایران نبود.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مدیران ارشد کشوری، ارائه کنندگان خدمات بهداشتی به مادران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ از منظر بهداشتی می توان با ارتقا وضعیت اجتماعی اقتصادی خانوار و توجه به عوارض و بیماری های مادران در طول دوره بارداری، شاید بتوان به بهبود شاخص های رشد و تکامل کودکان امید بیشتری داشت.

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

Mehran_alijanzade@yahoo.com

منابع و مراجع:

1. ajedi F, Vameghi R, Kraskian Mujembari A. Prevalence of undetected developmental delays in Iranian children. Child Care Health Dev. ۲۰۱۴.
2. Hosseinpour M, Esmaeilpour Aghdam M, Maleki F. The prevalence and socioeconomic determinants of undetected developmental delay in preschool-aged children in the northwest of Iran: a population - based study. Early Child Dev Care. ۲۰۲۱.

۳. Zareipour M, Sadaghianifar A, Ghelichi Ghogh M, Ebrahimi H, Asgharzadeh P, Valizadeh R, et al. The relationship between developmental growth of children and anthropometric indices in Urmia city, North West of Iran. Int J Pediatr. ۲۰۱۷.
۴. World Health Organization. The state of food security and nutrition in the world : transforming food systems for affordable healthy diets. Food & Agriculture Org; ۲۰۲۰.



عنوان طرح تحقیقاتی: نقش پیشگویی کننده‌های عوامل اجتماعی موثر بر سلامت بر مدیریت نظام مند درمان دیابت در بیماران دیابتی استان قزوین

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

زینب علیمزادی (مجری و محقق اصلی) و همکاران، دانشیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

بین دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی در بیماران دیابتی و فراوانی عوارض مرتبط با دیابت ارتباط معنی دار و معکوس وجود داشت. یعنی بیماران دارای دسترسی پایین تر دارای فراوانی عوارض بیشتری بودند.

پیام کلیدی:

اکثریت (۷۱ درصد) افراد دیابتی مورد مطالعه، دارای سابقه دیابت در خانواده (پدر، مادر، خواهر و یا برادر دیابتی داشته اند) بوده‌اند.

عوارض چشمی شایع‌ترین عوارض دیابت است که شرکت‌کنندگان در مطالعه از آن رنج می‌بردند.

بین دسترسی فیزیکی به خدمات مراقبت‌های بهداشتی مرتبط با دیابت $r = -0.166$ و دسترسی اقتصادی به خدمات مراقبت‌های بهداشتی مرتبط با دیابت $r = -0.153$ با فراوانی عوارض دیابت همبستگی منفی معنی دار وجود داشت.

متن پیام پژوهشی:

دسترسی ضعیف به خدمات مراقبت‌های بهداشتی به طور قابل توجهی با افزایش عوارض و پیامدهای سلامت ضعیف تر همراه است. دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی یک مفهوم چند بعدی است که شامل جنبه‌های مختلف مقبولیت، در دسترس بودن، مقرون به صرفه بودن و کیفیت مراقبت می‌باشد. دسترسی و استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی تحت تأثیر موانع مختلفی از جمله موانع مالی است. مدیریت عوارض مرتبط با دیابت به طور کلی با هزینه بالای درمان دیابت در بیشتر کشورها همراه است. در این راستا، عوارض مرتبط با دیابت می‌تواند به طور نامتناسبی بر افراد فقیر جامعه تأثیر بگذارد. این امر در مناطق روستایی و محروم با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر منعکس می‌شود که ممکن است نتیجه دسترسی ضعیف به خدمات مراقبت‌های بهداشتی باشد.

مهمترین نتایج طرح عبارت است از:

اکثریت (۷۱ درصد) افراد دیابتی مورد مطالعه، دارای سابقه دیابت در خانواده (پدر، مادر، خواهر و یا برادر دیابتی داشته‌اند) بوده‌اند.

نتایج مطالعه نشان داد عوارض چشمی شایع‌ترین عوارض دیابت در بین مشارکت‌کنندگان بود.

ارتقای دسترسی فیزیکی و اقتصادی ممکن است منجر به کاهش فراوانی عوارض دیابت در بیماران دیابتی می‌شود.

کاربردهای نتایج طرح عبارتند از:

توجه به موضوع دیابت و اختصاص برنامه‌های مرتبط با آن در سیاست‌گذاری‌ها

ارتقای دسترسی اقتصادی بیماران با پوشش بیمه‌ای مناسب تر که طیف وسیع خدمات را پوشش دهد و هم چنین هزینه‌های تشخیصی درمانی بیماران را تا حد زیادی برطرف نماید.

ارتقای دسترسی فیزیکی بیماران با ارتقا تعداد پزشکان و تعداد کلینیک‌های موجود و هم چنین مراکز تشخیصی درمانی (دسترس ساده‌تر بیماران) تسهیل فرآیند نوبت دهی به بیماران دیابتی و افزایش حضور متخصصان دیابتی در کلینیک‌ها و مطب‌ها جهت افزایش دسترسی فیزیکی تأثیرات و کاربردها:

یافته‌های این پژوهش می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران بهداشتی در جهت اهمیت نقش دسترسی به خدمات بیماران دیابتی کمک ویژه‌ای نماید تا با برنامه ریزی و سیاست‌گذاری صحیح، ممکن است بتوانند با افزایش دسترسی بیماران، فراوانی عوارض دیابت را در این بیماران کاهش دهند. محدودیت‌های شواهد:

این مطالعه از نمونه‌گیری در دسترس برای استخدام شرکت‌کنندگان استفاده کرد و بنابراین ممکن است نماینده ایرانی‌های مبتلا به دیابت نباشد. همه متغیرهای مطالعه با استفاده از معیارهای خودگزارشی همراه با سوابق بیمار، که ممکن است در معرض سوگیری‌هایی مانند مطلوبیت اجتماعی باشد، ارزیابی شدند.

یکی از مهم ترین محدودیت‌های مطالعه، نبود اطلاعات در مورد شدت عوارض مرتبط با دیابت بود. بنابراین، تنها فراوانی عوارض دیابت در بین شرکت کنندگان در مطالعه قابل ارزیابی بود.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مدیران و سیاست‌گذاران بهداشتی درمانی

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ از منظر بهداشتی، دسترسی بهتر به خدمات مرتبط با دیابت در بیماران دیابتی ممکن است بتواند به کاهش فراوانی عوارض دیابت کمک نماید و در ادامه کیفیت زندگی افراد را افزایش دهد.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/39695678/>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

zainabalimoradi@yahoo.com

منابع و مراجع:

1. Singh K, Narayan KV, Eggleston K. Economic impact of diabetes in South Asia: the magnitude of the problem. Curr DiabRep. ۲۰۱۹.
2. Guerrero Fernández de Alba I, Gimeno-Miguel A, Poblador-Plou B, Gimeno-Feliu LA, Ioakeim-Skoufa I, Rojo-Martínez G, et al. Association between mental health comorbidity and health outcomes in type ۲ diabetes mellitus patients. Scientific Reports. ۲۰۲۰.
3. Zhang X, Geiss LS, Cheng YJ, Beckles GL, Gregg EW, Kahn HS. The missed patient with diabetes: how access to health care affects the detection of diabetes. Diabetes Care. ۲۰۰۸.
4. Basu S, Garg S, Sharma N, Singh MM, Garg S, Asaria M. The determinants of out-of-pocket health-care expenses for diabetes mellitus patients in India: An examination of a tertiary care government hospital in Delhi. Perspect Clin Res. ۲۰۲۰.



تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

میلاد بدری (مجری اصلی)، استادیار پژوهشی گروه انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

آیدا وفای اصلاحی، دکترای انگل شناسی پزشکی، محقق مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
عنوان پیام پژوهشی:

برآورد شیوع جهانی عفونت اسپیرومترا در مارها، قورباغه‌ها، سگ‌ها و گربه‌ها: اهمیت پیشگیری و کنترل در سیستم‌های آبی‌پروری
پیام کلیدی:

این مطالعه به بررسی شیوع جهانی عفونت اسپیرومترا در میزبان‌های مختلف شامل مارها، قورباغه‌ها، سگ‌ها و گربه‌ها می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که عفونت در آسیا، آفریقا و اقیانوسیه بیشترین شیوع را دارد. همچنین، اهمیت ایجاد اقدامات پیشگیری و کنترل برای حفاظت از سیستم‌های آبی‌پروری و کاهش ریسک انتقال بیماری‌های زئونوتیک به وضوح مشخص شده است.

متن پیام پژوهشی:

این پژوهش به بررسی شیوع جهانی عفونت اسپیرومترا در میزبان‌های مختلف از جمله مارها، قورباغه‌ها، سگ‌ها و گربه‌ها می‌پردازد. با تحلیل ۱۳۱ مجموعه داده، نتایج نشان می‌دهد که عفونت اسپیرومترا در مارها، قورباغه‌ها، سگ‌ها و گربه‌ها به ترتیب ۱۵، ۲۳، ۴۱ و ۵۲ مورد گزارش شده است. شیوع تجمعی عفونت در میزبان‌های واسط و نهایی به ترتیب ۰.۳۱۳٪ و ۰.۰۸۹٪ برآورد شده است. بر اساس نتایج، آسیا بیشترین شیوع را در مطالعات مربوط به مارها و قورباغه‌ها نشان می‌دهد، در حالی که آفریقا و اقیانوسیه مناطق با بالاترین نرخ شیوع عفونت در سگ‌ها و گربه‌ها هستند. همچنین، روش‌های تشخیصی مختلف نشان می‌دهند که روش‌های مورفولوژیکی بالاترین شیوع را برای مارها، قورباغه‌ها و گربه‌ها دارند، در حالی که تکنیک‌های مولکولی در مورد سگ‌ها بیشترین شیوع را نشان می‌دهند. این نتایج اهمیت ایجاد اقدامات پیشگیری و کنترل برای حفاظت از سیستم‌های آبی‌پروری در برابر آلودگی با مدفوع سگ‌ها و گربه‌ها و همچنین افزایش آگاهی در مورد بیماری‌های زئونوتیک انگلی را به وضوح نشان می‌دهد. این اقدامات می‌توانند به کاهش ریسک انتقال بیماری و بهبود سلامت عمومی کمک کنند. اهمیت موضوع عفونت اسپیرومترا به دلیل شیوع جهانی آن و تأثیرات بهداشتی بر روی میزبان‌های مختلف، از جمله انسان‌ها و حیوانات، بسیار بالاست. این بیماری می‌تواند به آلودگی سیستم‌های آبی‌پروری منجر شود و به همین دلیل، نیاز به اقدامات پیشگیرانه و کنترل برای حفاظت از سلامت عمومی و اکوسیستم‌ها ضروری است. این مطالعه نشان می‌دهد که عفونت اسپیرومترا در مارها، قورباغه‌ها، سگ‌ها و گربه‌ها شیوع دارد و بیشتر در آسیا، آفریقا و اقیانوسیه مشاهده می‌شود. استفاده از روش‌های تشخیصی مناسب می‌تواند به شناسایی بهتر این عفونت کمک کند. همچنین، ایجاد اقدامات پیشگیری و افزایش آگاهی عمومی برای کاهش خطر انتقال بیماری بسیار ضروری است. نتایج این مطالعه می‌تواند در چندین زمینه کاربرد داشته باشد. اولاً، به عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاران به منظور طراحی برنامه‌های پیشگیری و کنترل بیماری‌های زئونوتیک عمل کند. ثانیاً، می‌تواند به محققان در توسعه روش‌های تشخیصی و درمانی کمک کند. همچنین، این نتایج می‌توانند به افزایش آگاهی عمومی درباره خطرات عفونت‌های انگلی و اهمیت بهداشت در سیستم‌های آبی‌پروری و نگهداری حیوانات خانگی منجر شوند.

تأثیرات و کاربردها:

افزایش آگاهی عمومی: این مطالعه به افزایش آگاهی عمومی درباره عفونت‌های اسپیرومترا و خطرات مرتبط با آن کمک می‌کند. با اطلاع‌رسانی به مردم در مورد علائم و روش‌های پیشگیری، می‌توان از شیوع این بیماری جلوگیری کرد و سلامت جامعه را ارتقا داد.

بهبود روش‌های تشخیصی و درمانی: نتایج این پژوهش می‌تواند به توسعه و بهبود روش‌های تشخیصی و درمانی عفونت‌های اسپیرومترا کمک کند. این بهبودها می‌توانند به شناسایی سریع‌تر و دقیق‌تر عفونت‌ها منجر شوند و در نتیجه، درمان مؤثرتری برای مبتلایان فراهم کنند.

محدودیت‌های شواهد:

تنوع جغرافیایی: داده‌های جمع‌آوری شده ممکن است به طور نامتناسب از مناطق خاصی باشند، که می‌تواند به تعمیم نتایج به سایر مناطق جغرافیایی آسیب برساند.

روش‌های تشخیصی متفاوت: استفاده از روش‌های مختلف تشخیصی در مطالعات مختلف می‌تواند باعث ناهمبستگی در نتایج شود و دقت شناسایی عفونت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

کمبود داده‌های طولانی‌مدت: بسیاری از مطالعات ممکن است به داده‌های مقطعی محدود باشند و اطلاعات کافی درباره روندهای زمانی و تغییرات شیوع در طول زمان نداشته باشند.

عدم توجه به عوامل محیطی: برخی از عوامل محیطی و اجتماعی که می‌توانند بر شیوع عفونت تأثیر بگذارند، ممکن است در مطالعات لحاظ نشده باشند.

محدودیت در نمونه‌گیری: در برخی موارد، نمونه‌گیری ممکن است به صورت غیرتصادفی انجام شده باشد، که می‌تواند به بایاس در نتایج منجر شود.

این محدودیت‌ها باید در تفسیر نتایج و پیشنهادات مطالعه مدنظر قرار گیرند.

مخاطبان طرح پژوهشی:

پژوهشگران و دانشمندان، سیاست‌گذاران و مقامات بهداشتی، متخصصان بهداشت عمومی، دامپزشکان و متخصصان علوم دام، عموم مردم، سازمان‌های غیر دولتی و خیریه‌ها

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ جنبه اجتماعی: افزایش آگاهی عمومی، اطلاع‌رسانی درباره عفونت‌های اسپیرومتر می‌تواند به افزایش آگاهی جامعه درباره خطرات بهداشتی و نیاز به پیشگیری منجر شود.

تغییر رفتارهای بهداشتی: ممکن است مردم به رعایت بهداشت فردی و محیطی توجه بیشتری داشته باشند.

جنبه سیاسی: تدوین سیاست‌های بهداشتی، نتایج پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا سیاست‌های بهداشتی مؤثرتری را برای کنترل بیماری‌های زئونوتیک تدوین کنند.

تخصیص منابع: ممکن است نیاز به تخصیص منابع مالی و انسانی بیشتری برای مقابله با این عفونت‌ها احساس شود.

جنبه فرهنگی: تغییر نگرش‌ها، این خبر می‌تواند به تغییر نگرش‌ها نسبت به نگهداری از حیوانات خانگی و بهداشت عمومی منجر شود.

آموزش و فرهنگ‌سازی: نیاز به برنامه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی و تغییر رفتارهای فرهنگی در زمینه بهداشت و سلامت حیوانات.

جنبه بهداشتی: بهبود سلامت عمومی، پیشگیری از عفونت‌های زئونوتیک می‌تواند به بهبود سلامت عمومی و کاهش بار بیماری‌ها کمک کند.

توسعه روش‌های درمانی: نتایج پژوهش می‌تواند به بهبود روش‌های تشخیصی و درمانی عفونت‌ها منجر شود.

جنبه ارزشی و دینی: احترام به موجودات زنده، ممکن است به افزایش توجه به حقوق حیوانات و مسئولیت‌های اخلاقی انسان‌ها در قبال آنها منجر شود.

تأکید بر ارزش‌های بهداشتی: این خبر می‌تواند به ترویج ارزش‌های بهداشتی و مراقبت از محیط زیست در جوامع دینی کمک کند.

جنبه قانونی: تدوین قوانین جدید، ممکن است نیاز به تدوین یا اصلاح قوانین مرتبط با بهداشت عمومی، نگهداری از حیوانات و کنترل بیماری‌ها احساس شود.

نظارت بر صنایع غذایی و دارویی: این موضوع می‌تواند به افزایش نظارت بر صنایع مرتبط با غذا و دارو به منظور جلوگیری از شیوع بیماری‌ها منجر شود.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1002/vms3.932>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

badri۲۲.milad@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Oda, F. H., Borteiro, C., da Graca, R. J., Tavares, L. E. R., Crampet, A., Guerra, V., Lima, F. S., Bellay, S., Karling, L. C., & Castro, O. Parasitism by larval tapeworms genus *Spirometra* in South American amphibians and reptiles: New records from Brazil and Uruguay, and a review of current knowledge in the region. *Acta Tropica*, ۲۰۱۶.
۲. Nithiuthai, S., Anantaphruti, M. T., Waikagul, J., & Gajadhar, A. Waterborne zoonotic helminthiasis. *Veterinary Parasitology*, ۲۰۰۴.
۳. Taghipour, A., Khazaei, S., Ghodsian, S., Shajarizadeh, M., Olfatifar, M., Foroutan, M., Eslahi, A. V., Tsiami, A., Badri, M., & Karanis, P. Global prevalence of *Cryptosporidium* spp. in cats: A systematic review and meta-analysis. *Research in Veterinary Science*, ۲۰۲۱.
۴. Tang, T. H. C., Wong, S. S. Y., Lai, C. K. C., Poon, R. W. S., Chan, H. S. Y., Wu, T. C., Cheung, Y.-F., Poon, T.-L., Tsang, Y.-P., & Tang, W.-L. Molecular identification of *Spirometra erinaceieuropaei* tapeworm in cases of human sparganosis, Hong Kong. *Emerging Infectious Diseases*, ۲۰۱۷.



عنوان طرح تحقیقاتی: شیوع جهانی *Diphyllobothrium latum* در سگها و گربهها: یک بررسی نظام مند و فراتحلیل

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

میلاد بدری (مجری اصلی)، استادیار پژوهشی گروه انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

آیدا وفای اصلحی، دکترای انگل شناسی پزشکی، محقق مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

شیوع پایین اما پراهمیت کرمهای نواری دیفیلوبوتریوم در حیوانات خانگی، لزوم تقویت اقدامات پیشگیرانه و آموزش عمومی را نشان می دهد.

پیام کلیدی:

این مطالعه به بررسی شیوع جهانی کرمهای نواری دیفیلوبوتریوم در سگها و گربهها پرداخته و نتایج ۳۷ مطالعه را تحلیل کرده است. شیوع تجمعی این عفونت در سگها ۰.۰۶۰٪ و در گربهها به طور مشخص در بنگلادش و اندونزی بالاترین میزان را نشان می دهد. یافته ها بر اهمیت تدابیر پیشگیری و آگاهی رسانی درباره بیماری های زئونوتیک تأکید دارند.

متن پیام پژوهشی:

این مطالعه به بررسی شیوع جهانی عفونت های ناشی از کرم های نواری دیفیلوبوتریوم در سگ ها و گربه ها پرداخته است. با تحلیل ۳۷ مطالعه منتشر شده، نتایج نشان می دهد که شیوع تجمعی این عفونت در سگ ها ۰.۰۶۰٪ و در گربه ها به طور خاص در بنگلادش و اندونزی بالاترین میزان را دارد. در بین قاره ها، آفریقا و آسیا به عنوان مناطق رایج برای عفونت در سگ ها و گربه ها شناسایی شدند. همچنین، روش های تشخیصی مولکولی بالاترین شیوع را در مقایسه با سایر روش ها نشان دادند.

این یافته‌ها بر اهمیت ایجاد تدابیر پیشگیری و کنترل، از جمله بهبود درمان‌های منظم ضد کرم و افزایش آگاهی عمومی درباره بیماری‌های زئونوتیک تأکید می‌کنند. به ویژه، توجه به آموزش و فرهنگ‌سازی در جوامع برای کاهش ریسک انتقال این عفونت‌ها ضروری است. در نهایت، نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران و متخصصان بهداشت کمک کند تا برنامه‌های مؤثرتری برای کنترل و پیشگیری از عفونت‌های دیفیلوبوتریوم در حیوانات خانگی تدوین کنند. اهمیت موضوع عفونت‌های دیفیلوبوتریوم در سگ‌ها و گربه‌ها به دلیل تأثیرات بهداشتی و زئونوتیک آن‌هاست. این عفونت‌ها می‌توانند به انتقال بیماری‌ها به انسان‌ها منجر شوند، بنابراین شناسایی و کنترل آن‌ها برای حفظ سلامت عمومی و حیوانات خانگی ضروری است. این مطالعه نشان می‌دهد که عفونت‌های دیفیلوبوتریوم در سگ‌ها و گربه‌ها در سطح جهانی وجود دارند، با شیوع بالاتر در کشورهایی مانند بنگلادش و اندونزی. همچنین، روش‌های تشخیصی مولکولی مؤثرتر از سایر روش‌ها هستند. بنابراین، افزایش آگاهی و درمان منظم حیوانات خانگی برای کاهش خطر انتقال این عفونت‌ها به انسان‌ها بسیار مهم است.

نتایج این مطالعه می‌تواند در چندین زمینه کاربرد داشته باشد:

بهداشت عمومی: افزایش آگاهی درباره خطرات زئونوتیک و پیشگیری از انتقال عفونت‌ها به انسان‌ها.

پزشکی دامپزشکی: بهبود روش‌های تشخیصی و درمانی برای کنترل عفونت‌های دیفیلوبوتریوم در حیوانات خانگی.

سیاست‌گذاری: تدوین برنامه‌های مؤثر برای پیشگیری و کنترل عفونت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی.

آموزش: فراهم کردن اطلاعات آموزشی برای صاحبان حیوانات و دامپزشکان جهت مدیریت بهتر سلامت حیوانات خانگی.

تأثیرات و کاربردها:

بهبود بهداشت عمومی: این مطالعه می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی درباره عفونت‌های زئونوتیک کمک کند. با شناخت بهتر این بیماری‌ها، افراد می‌توانند تدابیر پیشگیرانه‌ای را اتخاذ کنند که به کاهش خطر انتقال عفونت‌ها از حیوانات خانگی به انسان‌ها منجر می‌شود. این امر به بهبود سلامت عمومی و کاهش بار بیماری‌های مرتبط کمک خواهد کرد.

ارتقاء روش‌های درمانی: نتایج این تحقیق می‌تواند به دامپزشکان در بهبود روش‌های تشخیصی و درمانی برای عفونت‌های دیفیلوبوتریوم کمک کند. با استفاده از روش‌های تشخیصی مؤثرتر، دامپزشکان قادر خواهند بود عفونت‌ها را سریع‌تر شناسایی و درمان کنند، که در نتیجه سلامت حیوانات خانگی و کاهش شیوع عفونت‌ها در جامعه را به همراه دارد.

محدودیت‌های شواهد:

محدودیت‌های شواهد در این مطالعه شامل موارد زیر است:

تنوع جغرافیایی: شواهد به‌دست‌آمده از مناطق خاصی ممکن است نتوانند وضعیت جهانی عفونت‌های دیفیلوبوتریوم را به‌طور کامل نمایان کنند. نتایج ممکن است در مناطق دیگر متفاوت باشند.

روش‌های تشخیصی: استفاده از روش‌های مختلف تشخیصی در مطالعات مختلف می‌تواند منجر به عدم تطابق در نتایج شود. برخی از روش‌ها ممکن است حساسیت و دقت کمتری داشته باشند.

حجم نمونه: در برخی از مطالعات، حجم نمونه ممکن است کوچک باشد و نتایج به‌دست‌آمده نتوانند نمایانگر وضعیت کلی جامعه باشند.

فاکتورهای محیطی و اجتماعی: عوامل محیطی و اجتماعی مانند بهداشت، تغذیه، و آگاهی عمومی در هر منطقه می‌تواند تأثیر زیادی بر شیوع عفونت‌ها داشته باشند و این عوامل ممکن است در مطالعات مورد توجه قرار نگرفته باشند.

عدم وجود داده‌های طولانی‌مدت: فقدان داده‌های طولانی‌مدت در برخی از مطالعات می‌تواند به تحلیل نادرست روند شیوع عفونت‌ها منجر شود.

مخاطبان طرح پژوهشی:

دامپزشکان، پژوهشگران و دانشمندان، سازمان‌های بهداشتی، صاحبان حیوانات خانگی، دانشجویان و محققان حوزه دامپزشکی

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
این خبر می‌تواند از جنبه‌های مختلف تبعاتی داشته باشد:

جنبه اجتماعی: افزایش آگاهی عمومی درباره عفونت‌های زئونوتیک می‌تواند به بهبود رفتارهای پیشگیرانه در جامعه منجر شود. این امر می‌تواند به کاهش ترس و نگرانی مردم از بیماری‌های ناشی از حیوانات خانگی کمک کند و فرهنگ نگهداری مسئولانه از حیوانات را ترویج کند.

جنبه سیاسی: دولت‌ها ممکن است به‌منظور کنترل شیوع عفونت‌ها، سیاست‌های جدیدی را در زمینه بهداشت عمومی و دامپزشکی تدوین کنند. این سیاست‌ها می‌توانند شامل برنامه‌های واکسیناسیون، نظارت بر سلامت حیوانات و آموزش عمومی باشند.

جنبه فرهنگی: این مطالعه می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و باورهای فرهنگی درباره نگهداری از حیوانات خانگی و تعامل با آن‌ها منجر شود. افزایش آگاهی درباره خطرات زئونوتیک می‌تواند به تغییر رفتارها و عادات در جامعه کمک کند.

جنبه بهداشتی: نتایج این تحقیق می‌تواند به بهبود سیاست‌های بهداشتی و درمانی در زمینه کنترل عفونت‌های زئونوتیک کمک کند. این امر می‌تواند به کاهش بار بیماری‌ها در جامعه و بهبود سلامت عمومی منجر شود.

جنبه ارزشی و دینی: در برخی فرهنگ‌ها و ادیان، نگهداری از حیوانات و رفتار با آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نتایج می‌تواند به تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی در زمینه مراقبت از حیوانات و مسئولیت‌پذیری در قبال آن‌ها کمک کند.

جنبه قانونی: این تحقیق می‌تواند به تدوین یا اصلاح قوانین و مقررات مرتبط با بهداشت عمومی، نگهداری از حیوانات و کنترل بیماری‌ها منجر شود. همچنین، ممکن است نیاز به ایجاد قوانین جدید برای حمایت از سلامت عمومی و حیوانات خانگی احساس شود.

به‌طور کلی، این خبر می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف داشته باشد و نیاز به توجه و اقدام هماهنگ در این زمینه‌ها را نشان دهد.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

Vafae Eslahi A, Olfatifar M, Barikbin F, Zaki L, Badri M. The Global Prevalence of *Diphyllbothrium* in Dogs, and Cats :A Systematic Review and Meta-analysis. *Journal of Inflammatory Diseases*. ۲۰۲۰.

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

badri۲۲.milad@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Badri M, Eslahi AV, Majidiani H, Pirestani M. *Spirometra erinaceieuropaei* in a wildcat (*Felis silvestris*) in Iran. *Vet Parasitol Reg Stud Reports*. ۲۰۱۷.
۲. Dorny P, Praet N, Deckers N, Gabriël S. Emerging food-borne parasites. *Vet Parasitol*. ۲۰۰۹.
۳. Sillero-Zubiri C, Hoffmann M, Macdonald DW. Canids: foxes, wolves, jackals, and dogs: status survey and conservation action plan. Switzerland: IUCN Gland; <https://www.researchgate.net/profile/Michael-Hoffmann-۱۹/>
۴. Kirkpatrick CE, Knochauer AW, Jacobson SI. Use of praziquantel for treatment of *Diphyllbothrium* sp infection in a dog. *J Am Vet Med Assoc*. ۱۹۸۷.



عنوان طرح تحقیقاتی: شیوع جهانی توکسوپلازما گوندی در پرندگان اهلی: یک بررسی نظام مند و فراتحلیل

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۴/۱۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

میلاد بدری (مجری و محقق اصلی)، استادیار پژوهشی گروه انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

آیدا وفای اصلاحی، دکترای انگل شناسی پزشکی، محقق مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

لیلا زکی، دکترای انگل شناسی پزشکی، محقق

امیر کریمی پور، دانشجوی دکترای انگل شناسی پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

عنوان پیام پژوهشی:

شیوع جهانی انگل توکسوپلازما گوندی در پرندگان ۲۴٪ است و بیشترین آلودگی در قوش ها، بوقلمون ها و مرغ ها دیده می شود. یافته ای که زنگ هشدار مهمی برای پایش و کنترل بیماری های مشترک انسان و حیوان است. پیام کلیدی:

این مطالعه به بررسی شیوع انگل زئونوتیک *T. gondii* در پرندگان پرداخته و با استفاده از مرور سیستماتیک و متا-تحلیل، داده های ۲۵۸ مقاله را تجزیه و تحلیل کرده است. نتایج نشان می دهد که شیوع جهانی این انگل ۲۴٪ است و بالاترین شیوع در قوش ها، بوقلمون ها و مرغ ها مشاهده شده است. این تحقیق نمای جامعی از اپیدمیولوژی *T. gondii* در پرندگان ارائه می دهد.

متن پیام پژوهشی:

این مطالعه به بررسی جهانی شیوع انگل زئونوتیک *T. gondii* در پرندگان پرداخته است. با استفاده از یک مرور سیستماتیک و متا-تحلیل، داده های ۲۵۸ مقاله منتشر شده از ژانویه ۱۹۹۰ تا مارس ۲۰۲۴ جمع آوری و تجزیه و تحلیل شده است. هدف این تحقیق ارائه یک نمای کلی از اپیدمیولوژی عفونت *T. gondii* در پرندگان و تعیین شیوع آن در گونه های مختلف است. نتایج نشان می دهد که شیوع جهانی این انگل در پرندگان ۲۴٪ (با فاصله اطمینان ۹۵٪: ۲۱ - ۲۶٪) است. بالاترین شیوع در قوش ها (۵۲٪)، با فاصله اطمینان ۳۴ - ۷۰٪، بوقلمون ها (۳۱٪)، با فاصله اطمینان ۱۷ - ۴۶٪) و مرغ ها (۳۰٪، با فاصله اطمینان ۲۶ - ۳۴٪) مشاهده شده است. این تحقیق به روشن شدن وضعیت شیوع *T. gondii* در پرندگان کمک کرده و نیاز به توجه بیشتر به این موضوع را در زمینه بهداشت عمومی و کنترل بیماری های زئونوتیک نشان می دهد. نتایج این مطالعه می تواند به سیاست گذاران و محققان در زمینه بهبود استراتژی های پیشگیری و کنترل عفونت های زئونوتیک کمک کند. اهمیت موضوع شیوع انگل *T. gondii* در پرندگان به دلیل نقش آن در انتقال بیماری های زئونوتیک به انسان ها و تأثیرات بهداشتی آن بر جوامع انسانی و حیوانی است. درک بهتر اپیدمیولوژی این انگل می تواند به بهبود استراتژی های کنترل و پیشگیری از عفونت های زئونوتیک کمک کند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که حدود ۲۴٪ از پرندگان به انگل *T. gondii* آلوده هستند. بیشترین شیوع این انگل در قوش ها، بوقلمون ها و مرغ ها مشاهده شده است. این یافته ها اهمیت نظارت بر سلامت پرندگان و کنترل عفونت های زئونوتیک را نشان می دهد و می تواند به بهبود استراتژی های بهداشتی کمک کند. نتایج این تحقیق می تواند در چندین زمینه کاربرد داشته باشد. اولاً، به محققان و متخصصان بهداشت عمومی کمک می کند تا درک بهتری از شیوع *T. gondii* در پرندگان داشته باشند. ثانیاً، این یافته ها می توانند به سیاست گذاران در تدوین استراتژی های مؤثر برای کنترل عفونت های زئونوتیک و بهبود سلامت عمومی کمک کنند. همچنین، اطلاعات به دست آمده می تواند در برنامه های آموزشی برای افزایش آگاهی عمومی در مورد خطرات مرتبط با این انگل مورد استفاده قرار گیرد.

تأثیرات و کاربردها:

افزایش آگاهی عمومی: این مطالعه می تواند به افزایش آگاهی عمومی درباره خطرات زئونوتیک ناشی از *T. gondii* کمک کند. با شناخت بهتر شیوع این انگل در پرندگان، مردم می توانند اقدامات پیشگیرانه ای را برای کاهش خطر ابتلا به عفونت های زئونوتیک اتخاذ کنند. بهبود استراتژی های کنترل بهداشت: یافته های این تحقیق می توانند به توسعه و بهبود استراتژی های کنترل و پیشگیری از عفونت های زئونوتیک در سطح جامعه و بهداشت عمومی کمک کنند. این اطلاعات به سیاست گذاران امکان می دهد تا برنامه های مؤثرتری را برای مدیریت سلامت حیوانات و انسان ها طراحی کنند.

محدودیت های شواهد:

محدودیت های شواهد در این مطالعه شامل موارد زیر است:

تنوع جغرافیایی: داده های جمع آوری شده از مناطق مختلف ممکن است به دلیل تفاوت های اقلیمی، زیست محیطی و فرهنگی، نتایج متفاوتی را نشان دهند که می تواند بر قابلیت تعمیم نتایج تأثیر بگذارد.

متغیرهای محیطی و رفتاری: عدم کنترل کامل بر متغیرهای محیطی و رفتاری پرندگان، مانند نوع زیستگاه، رژیم غذایی و رفتار اجتماعی، می تواند به تفسیر نادرست شیوع عفونت کمک کند.

کیفیت داده ها: کیفیت و دقت داده های موجود در مقالات مورد بررسی ممکن است متفاوت باشد. برخی از مطالعات ممکن است از روش های تشخیصی متفاوت یا نادرست استفاده کرده باشند که می تواند بر نتایج نهایی تأثیر بگذارد.

عدم وجود داده های کافی: در برخی مناطق یا گونه ها، ممکن است داده های کافی برای تحلیل دقیق شیوع *T. gondii* وجود نداشته باشد، که می تواند به ایجاد نقص در نتایج منجر شود.

مخاطبان طرح پژوهشی:

محققان و دانشمندان، متخصصان بهداشت عمومی، سیاست گذاران، دامپزشکان و کارشناسان دامپروری، عموم مردم

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ این خبر می تواند تبعات و تأثیرات متعددی از جنبه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، و همچنین ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو داشته باشد. در زیر به برخی از این تأثیرات اشاره می شود:

تأثیرات اجتماعی: آگاهی عمومی: افزایش آگاهی مردم درباره خطرات زئونوتیک می تواند منجر به تغییر رفتارهای اجتماعی، مانند بهبود عادات بهداشتی و تغذیه ای شود.

پشتیبانی اجتماعی: ممکن است نیاز به ایجاد گروه های حمایتی و آموزشی برای ترویج اطلاعات صحیح درباره بهداشت و پیشگیری از عفونت ها احساس شود.

تأثیرات سیاسی: سیاست گذاری بهداشتی: این یافته ها می تواند به تدوین سیاست های بهداشتی جدید و بهبود قوانین موجود در زمینه کنترل عفونت های زئونوتیک کمک کند.

تخصیص منابع: ممکن است نیاز به تخصیص منابع بیشتر برای تحقیقات و برنامه های پیشگیرانه در زمینه بهداشت عمومی احساس شود. تأثیرات فرهنگی: تغییر نگرش ها: ممکن است نگرش ها و باورهای فرهنگی درباره پرندگان و عفونت های زئونوتیک تغییر کند و به افزایش توجه به سلامت حیوانات و انسان ها منجر شود.

آموزش و پرورش: این یافته ها می تواند به برنامه های آموزشی در مدارس و جوامع محلی برای ترویج بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماری ها کمک کند.

تأثیرات بهداشتی: بهبود سلامت عمومی: با افزایش آگاهی و اجرای برنامه های پیشگیرانه، می توان به بهبود سلامت عمومی و کاهش شیوع عفونت های زئونوتیک دست یافت.

پیشگیری از عفونت ها: این نتایج می تواند به توسعه روش های مؤثرتر برای پیشگیری از عفونت ها در انسان و حیوانات کمک کند.

تأثیرات ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو:

توجه به سلامت انسان: در بسیاری از ادیان، حفظ سلامت انسان و حیوانات از اهمیت بالایی برخوردار است و این یافته ها می تواند به ترویج ارزش های دینی در این زمینه کمک کند.

تنظیم قوانین بهداشتی: نتایج این تحقیق می تواند به بهبود قوانین و مقررات سازمان غذا و دارو در زمینه کنترل عفونت ها و بهداشت عمومی کمک کند.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S240567312400014X>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

badri22.milad@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Nie, L.B., Gong, Q.L., Wang, Q., Zhang, R., Shi, J.F., Yang, Y., Li, J.M., Zhu, X.Q., Shi, K., Du, R., ۲۰۲۲. Prevalence of Toxoplasma gondii infection in chickens in China during ۱۹۹۳: a systematic review and meta-analysis. Parasitol. Res. ۲۰۲۱.
۲. Omonijo, A.O., Kalinda, C., Mukaratirwa, S. Toxoplasma gondii infections in animals and humans in Southern Africa: A systematic review and meta-analysis. Pathogens ۲۰۲۲.
۳. Opsteegh, M., Dam-Deisz, C., de Boer, P., DeCraeye, S., Far'ee, A., Hengeveld, P., Luiten, R., Schares, G., van Solt-Smits, C., Verhaegen, B., Others, Methods to assess the effect of meat processing on viability of Toxoplasma gondii: towards replacement of mouse bioassay by in vitro testing. Int. J. Parasitol. ۲۰۲۰.
۴. Rahimi, M.T., Daryani, A., Sarvi, S., Shokri, A., Ahmadpour, E., Mizani, A., Sharif, M., Teshnizi, S.H., Cats and Toxoplasma gondii: a systematic review and metaanalysis in Iran. Onderstepoort J. Vet. Res. ۲۰۱۵.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی میزان بقاء یک، پنج و ده ساله از زمان تشخیص تا مرگ ناشی از ایدز در بیماران HIV مثبت تحت مراقبت مرکز مشاوره بیماریهای رفتاری استان قزوین – یک مطالعه هم گروهی گذشته نگر مبتنی بر ثبت داده‌ها
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

زهرا حسین خانی (مجری و محقق اصلی)، استادیار پژوهشی، مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، پژوهشکده پیشگیری از بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

فاطمه حاجی آبادی، کارشناس پژوهش و محقق دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

مژگان اسمعیلی، کارشناس پژوهش و محقق دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

همزمانی HIV و سل، خطر پیشرفت به AIDS را به طور جدی افزایش می‌دهد؛ در مقابل، درمان ترکیبی ضد ویروسی (cART) بقا را به طور چشمگیری بهبود می‌بخشد.

پیام کلیدی:

این مطالعه به بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده زمان بقا در بیماران HIV مثبت پرداخته و نشان می‌دهد که عفونت همزمان با سل یکی از مهم‌ترین عوامل خطر پیشرفت به AIDS است. همچنین، درمان ترکیبی ضد ویروسی cART به عنوان یک اقدام مؤثر در سرکوب ویروس HIV و بهبود بقا بیماران شناخته شده است. نتایج این تحقیق می‌تواند به بهبود استراتژی‌های درمانی و پیشگیری کمک کند.

متن پیام پژوهشی:

عفونت HIV یکی از چالش‌های عمده بهداشت عمومی در سطح جهانی است و شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده زمان بقا در بیماران مبتلا به این ویروس اهمیت زیادی دارد. در این مطالعه، اطلاعات مربوط به بیماران HIV مثبت و مبتلا به سندرم نقص ایمنی اکتسابی AIDS در استان قزوین طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که عفونت همزمان با سل به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل خطر پیشرفت به AIDS شناخته می‌شود. نرخ بقا یک ساله، پنج ساله و ده ساله از HIV به AIDS به ترتیب ۹۸٪، ۸۹٪ و ۷۱٪ بود، در حالی که نرخ بقا از زمان تشخیص تا مرگ به ترتیب ۹۳٪، ۶۹٪ و ۴۳٪ بود. همچنین، درمان ترکیبی ضد ویروسی cART تأثیر قابل توجهی در کاهش خطر مرگ ناشی از علل مرتبط با AIDS داشت، به طوری که نسبت خطر مرگ در بیمارانی که تحت درمان قرار داشتند، ۰٫۱۹ بود. این یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت

درمان های مؤثر در بهبود بقا و کیفیت زندگی بیماران HIV مثبت است و می تواند به سیاست گذاران و متخصصان بهداشت کمک کند تا برنامه های درمانی و پیشگیری بهتری را طراحی و اجرا کنند. اهمیت موضوع مطالعه حاضر در شناسایی عوامل پیش بینی کننده زمان بقا در بیماران HIV مثبت و تأثیر درمان های ضد ویروسی بر بهبود کیفیت زندگی و کاهش مرگ و میر ناشی از AIDS است. این اطلاعات می تواند به سیاست گذاران و متخصصان بهداشت در طراحی برنامه های مؤثر درمان و پیشگیری کمک کند. مهم ترین نتایج این مطالعه نشان می دهد که عفونت همزمان با سل یکی از عوامل خطر اصلی پیشرفت بیماری HIV به AIDS است. همچنین، درمان ترکیبی ضد ویروسی CART به طور قابل توجهی بقا و کیفیت زندگی بیماران را بهبود می بخشد. به طور کلی، این یافته ها اهمیت درمان مناسب و پیشگیری از عفونت های همزمان را در مدیریت بیماران HIV مثبت تأکید می کند. نتایج این مطالعه می تواند در چندین زمینه کاربرد داشته باشد. اولاً، به پزشکان و متخصصان بهداشت کمک می کند تا درمان های مؤثرتری برای بیماران HIV مثبت طراحی کنند. ثانیاً، این یافته ها می توانند به سیاست گذاران در توسعه برنامه های پیشگیری و درمان عفونت های همزمان مانند سل کمک کنند. همچنین، اطلاعات به دست آمده می تواند به بیماران و خانواده های آنها در درک بهتر وضعیت و گزینه های درمانی یاری رساند و به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کند.

تأثیرات و کاربردها:

بهبود بقا در بیماران HIV مثبت: این مطالعه نشان می دهد که درمان ترکیبی ضد ویروسی CART به طور قابل توجهی بقا و کیفیت زندگی بیماران HIV مثبت را افزایش می دهد. با استفاده از این درمان، بیماران می توانند مدت زمان بیشتری را بدون پیشرفت به AIDS زندگی کنند و در نتیجه، نیاز به مراقبت های پزشکی و هزینه های درمانی کاهش می یابد.

اهمیت پیشگیری از عفونت های همزمان: یافته ها نشان می دهد که عفونت همزمان با سل به عنوان یک عامل خطر اصلی برای پیشرفت بیماری HIV شناخته می شود. این موضوع بر اهمیت پیشگیری و درمان به موقع عفونت های همزمان تأکید دارد و می تواند به بهبود استراتژی های بهداشتی و درمانی در جوامع آسیب پذیر کمک کند.

محدودیت های شواهد:

محدودیت های شواهد در این مطالعه شامل موارد زیر است:

حجم نمونه کوچک: اگر تعداد بیماران مورد بررسی محدود باشد، نتایج ممکن است به طور کامل نمایانگر جمعیت کلی بیماران HIV مثبت نباشد و به تعمیم پذیری نتایج آسیب برساند.

طبیعت مقطعی: اگر مطالعه به صورت مقطعی انجام شده باشد، نمی تواند روابط علی را به خوبی مشخص کند و فقط وضعیت فعلی بیماران را بررسی می کند.

عدم کنترل متغیرهای مخدوش کننده: ممکن است برخی از عوامل مؤثر بر بقا (مانند وضعیت اقتصادی، دسترسی به خدمات بهداشتی و غیره) در تجزیه و تحلیل ها کنترل نشده باشند، که می تواند نتایج را تحت تأثیر قرار دهد.

اطلاعات خودگزارشی: در صورتی که داده ها به صورت خودگزارشی جمع آوری شده باشند، ممکن است دقت اطلاعات تحت تأثیر سوگیری های پاسخ دهندگان قرار گیرد.

فاکتورهای منطقه ای: نتایج ممکن است به دلیل تفاوت های فرهنگی، اقتصادی و بهداشتی در مناطق مختلف قابل تعمیم نباشد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

پزشکان و متخصصان بهداشت، سیاست گذاران بهداشتی، بیماران و خانواده های آنها، سازمان های غیر دولتی و خیریه ها، جامعه عمومی
آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
این خبر می تواند تبعات متعددی از جنبه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، و حقوقی داشته باشد. در ادامه به برخی از این تبعات اشاره می شود:

تبعات اجتماعی: افزایش آگاهی: انتشار نتایج این پژوهش می تواند به افزایش آگاهی عمومی درباره HIV و عفونت های همزمان کمک کند و به کاهش استیگما و تبعیض علیه بیماران منجر شود.

تقویت حمایت اجتماعی: این نتایج می تواند به ایجاد شبکه های حمایتی برای بیماران و خانواده های آنها کمک کند.

تبعات سیاسی: تأثیر بر سیاست گذاری: نتایج پژوهش می تواند به سیاست گذاران در تدوین برنامه های بهداشتی و اجتماعی مؤثرتر کمک کند و منابع مالی را به سمت پیشگیری و درمان عفونت های همزمان هدایت کند.

مشارکت سازمان های دولتی و غیردولتی: ممکن است به همکاری بیشتر بین سازمان های دولتی و غیردولتی در زمینه مبارزه با HIV و عفونت های همزمان منجر شود.

تبعات فرهنگی: تغییر نگرش ها: نتایج پژوهش می تواند به تغییر نگرش های فرهنگی نسبت به بیماران HIV مثبت و عفونت های همزمان کمک کند و در نهایت به پذیرش بیشتر آنها در جامعه بی انجامد.

آموزش و آگاهی بخشی: می تواند به توسعه برنامه های آموزشی در مدارس و مراکز اجتماعی برای افزایش آگاهی در مورد پیشگیری و درمان HIV کمک کند.

تبعات بهداشتی: بهبود دسترسی به خدمات بهداشتی: نتایج می تواند به افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی برای بیماران HIV مثبت و عفونت های همزمان کمک کند. توسعه برنامه های پیشگیری: می تواند به طراحی و اجرای برنامه های پیشگیری مؤثرتر در جوامع آسیب پذیر منجر شود.

تبعات حقوقی و قانونی: حقوق بیماران: ممکن است به تأسیس و تقویت قوانین و سیاست هایی که حقوق بیماران HIV مثبت را حمایت می کند، منجر شود.

تنظیم مقررات بهداشتی: ممکن است نیاز به تنظیم مقررات جدید در زمینه تأمین داروها و درمان های مؤثر برای بیماران HIV مثبت و عفونت های همزمان ایجاد شود.

تبعات مرتبط با سازمان غذا و دارو: تأثیر بر تأمین داروها: نتایج پژوهش می تواند به بهبود فرآیند تأمین داروهای ضد ویروسی و عفونت های همزمان کمک کند و تأمین آنها را تسهیل کند.

توسعه داروهای جدید: ممکن است به تشویق تحقیقات بیشتر در زمینه توسعه داروهای جدید برای درمان HIV و عفونت های همزمان منجر شود.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://brieflands.com/articles/jid-۱۵۰۹۰۶>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

z.hoseinkhani@qums.ac.ir

منابع و مراجع:

۱. Celesia B, Castronuovo D, Pinzone M, Bellissimo F, Mughini M, Lupo G, et al. Late presentation of HIV infection: predictors of delayed diagnosis and survival in Eastern Sicily. Eur Rev Med Pharmacol Sci. ۲۰۱۳.
۲. Dowdy DW, Geng EH, Christopoulos KA, Kahn JS, Hare CB, Wlodarczyk D, et al. Mortality among antiretroviral-eligible patients in an urban public clinic. Journal of acquired immune deficiency syndromes (۱۹۹۹). ۲۰۱۱.
۳. Tadesse K, Haile F, Hiruy N. Predictors of mortality among patients enrolled on antiretroviral therapy in Aksum hospital, northern Ethiopia: a retrospective cohort study. PloS one. ۲۰۱۴.
۴. diseases hssaiNgfAast. <https://shc.sbm.ac.ir/> National guidelines for AIDS and sexually transmitted diseases. ۱۳۹۹.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط سطح پاراتورمون با عوارض همودینامیک و مورتالیتی در بیماران مبتلا به کووید و هیپوکالسمی

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

سیما هاشمی پور (مجری اصلی)، استاد غدد و متابولیسم بالغین، مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، پژوهشکده پیشگیری از بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

صابره افشار، دستیار گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

افزایش هورمون پاراتیروئید در بیماران کرونایی بستری، خطر مرگ را به طور چشمگیری بالا می برد و ضرورت پایش این هورمون را برجسته می کند.

پیام کلیدی:

این مطالعه به بررسی رابطه بین سطوح بالای هورمون پاراتیروئید PTH و مرگ و میر در بیماران بستری مبتلا به COVID-۱۹ پرداخته است. نتایج نشان داد که افزایش PTH در مرحله دوم بستری با نرخ مرگ و میر بالاتر مرتبط است. هایپرپاراتیروئیدیسم دیررس با ۱۱،۴ برابر خطر مرگ را افزایش می دهد. این یافته ها اهمیت پایش PTH در مدیریت بیماران مبتلا به COVID-۱۹ را نشان می دهد.

متن پیام پژوهشی:

این مطالعه به بررسی ارتباط بین سطوح بالای هورمون پاراتیروئید (PTH و مرگ و میر در بیماران بستری مبتلا به COVID-۱۹ پرداخت. در این تحقیق، ۱۲۳ بیمار در دو مرحله ارزیابی شدند: مرحله اول در زمان پذیرش و مرحله دوم در روزهای ۴ تا ۶ بستری. بیماران بر اساس وضعیت PTH به چهار گروه تقسیم شدند: نرمال در هر دو مرحله، بالا در مرحله اول و نرمال در مرحله دوم، بالا در هر دو مرحله، و نرمال در مرحله اول و بالا در مرحله دوم. یافته ها نشان داد که سطح PTH در مرحله دوم در بیماران غیرزنده به طور معناداری بالاتر از بیماران زنده بود (40.9 ± 57.5 pg/mL در مقابل 16.2 ± 27.6 pg/mL). همچنین، نرخ مرگ و میر در گروه های با PTH بالا در مرحله دوم به طور قابل توجهی بیشتر از گروه های با PTH نرمال بود (۵۰٪ و ۴۲،۹٪ در مقابل ۶،۶٪ و ۱۸،۲٪). این مطالعه نشان داد که هایپرپاراتیروئیدیسم دیررس با ۱۱،۴ برابر افزایش خطر مرگ و میر مرتبط است. نتایج این تحقیق اهمیت پایش سطوح PTH را در بیماران مبتلا به COVID-۱۹ و تأثیر آن بر پیش آگهی بالینی نشان می دهد و می تواند به بهبود مدیریت درمانی این بیماران کمک کند. اهمیت موضوع بررسی ارتباط بین سطوح بالای هورمون پاراتیروئید و مرگ و میر در بیماران مبتلا به COVID-۱۹ در توانایی ما برای شناسایی عوامل خطر و بهبود مدیریت بالینی این بیماران نهفته است. شناخت این ارتباط می تواند به پیش بینی بهتر نتایج درمانی و اتخاذ تصمیمات درمانی مناسب تر کمک کند. این مطالعه نشان داد که سطوح بالای هورمون پاراتیروئید در بیماران مبتلا به COVID-۱۹ با افزایش خطر مرگ و میر مرتبط است. بیماران با PTH بالا در روزهای ۴ تا ۶ بستری، به طور قابل توجهی بیشتر از بیماران با PTH نرمال جان خود را از دست دادند. این یافته ها اهمیت پایش PTH در مدیریت درمان بیماران مبتلا به COVID-۱۹ را تأکید می کند. نتایج این مطالعه می تواند در چندین زمینه کاربرد داشته باشد. اولاً، پزشکان می توانند از سطوح هورمون پاراتیروئید به عنوان یک نشانگر بیولوژیک برای ارزیابی خطر مرگ و میر در بیماران مبتلا به COVID-۱۹ استفاده کنند. ثانیاً، این یافته ها می توانند به طراحی پروتکل های درمانی بهینه کمک کنند. در نهایت، اطلاعات به دست آمده می تواند به پژوهش های آینده در زمینه ارتباط هورمون ها و بیماری های عفونی کمک کند و به درک بهتری از تأثیرات هورمونی در شرایط بحرانی منجر شود.

تأثیرات و کاربردها:

شناسایی عوامل خطر: این مطالعه نشان می‌دهد که سطوح بالای هورمون پاراتیروئید (PTH) می‌تواند به عنوان یک نشانگر خطر برای مرگ و میر در بیماران مبتلا به COVID-۱۹ عمل کند. این اطلاعات به پزشکان کمک می‌کند تا بیماران را بهتر ارزیابی کرده و به موقع اقدامات درمانی مناسب را اتخاذ کنند.

بهبود مدیریت درمانی: نتایج این تحقیق می‌تواند به طراحی پروتکل‌های درمانی بهینه‌تری منجر شود. با شناسایی بیماران در معرض خطر بر اساس سطوح PTH، می‌توان درمان‌های هدفمند و مراقبت‌های ویژه‌تری ارائه داد که ممکن است نتایج بالینی را بهبود بخشد و شانس بقاء بیماران را افزایش دهد.

محدودیت‌های شواهد:

محدودیت‌های شواهد در این مطالعه شامل موارد زیر است:

حجم نمونه کوچک: تعداد بیماران مورد مطالعه ممکن است به اندازه کافی بزرگ نباشد تا نتایج به‌دست‌آمده به‌طور کلی قابل تعمیم باشد. طراحی مقطعی: اگرچه این مطالعه ارتباط بین PTH و مرگ و میر را بررسی کرده است، اما طراحی مقطعی نمی‌تواند رابطه علت و معلولی را به وضوح مشخص کند.

عدم کنترل متغیرهای مزاحم: ممکن است عوامل دیگری مانند سن، جنس، شرایط پزشکی پیشین و درمان‌های همزمان بر نتایج تأثیر گذاشته باشند که در این مطالعه به‌طور کامل کنترل نشده‌اند.

تنوع در پروتکل‌های درمانی: بیماران ممکن است تحت درمان‌های مختلفی قرار گرفته باشند که می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر سطوح PTH و نتایج بالینی داشته باشد.

عدم پیگیری طولانی‌مدت: عدم پیگیری بیماران در طول زمان می‌تواند منجر به از دست رفتن اطلاعات مهم در مورد روند بهبودی یا عوارض بعدی شود.

مخاطبان طرح پژوهشی:

پزشکان و متخصصان بالینی، پژوهشگران و دانشمندان، مدیران بهداشت و درمان، بیماران و خانواده‌های آنها، مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌ها: آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ این خبر می‌تواند تبعات مختلفی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزشی و قانونی داشته باشد:

تبعات اجتماعی: افزایش آگاهی عمومی: نتایج این مطالعه می‌تواند به افزایش آگاهی مردم درباره خطرات و عوامل مؤثر بر بیماری‌های عفونی منجر شود.

تغییر رفتارهای بهداشتی: با اطلاع‌رسانی درباره نقش هورمون‌ها در بیماری‌ها، ممکن است افراد به بهبود سبک زندگی و مراقبت‌های بهداشتی خود توجه بیشتری کنند.

تبعات سیاسی: سیاست‌گذاری بهداشتی: نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا برنامه‌های بهداشتی و درمانی بهتری طراحی کنند و منابع را به‌طور مؤثرتری تخصیص دهند.

تقویت همکاری‌های بین‌المللی: در شرایط جهانی مانند پاندمی، نتایج این‌گونه مطالعات می‌تواند به تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه بهداشت عمومی کمک کند.

تبعات فرهنگی: تغییر در نگرش‌ها: ممکن است نتایج این مطالعه به تغییر نگرش‌های فرهنگی نسبت به بیماری‌های عفونی و روش‌های درمانی منجر شود.

آموزش و پرورش: می‌تواند به گنجاندن مباحث جدید در برنامه‌های آموزشی مرتبط با بهداشت و درمان کمک کند.

تبعات بهداشتی: بهبود مراقبت‌های بهداشتی: با شناسایی عوامل خطر، می‌توان مراقبت‌های بهداشتی را بهبود بخشید و درمان‌های هدفمندتری ارائه داد.

پیشگیری از بیماری: با توجه به یافته‌ها، می‌توان برنامه‌های پیشگیری بهتری طراحی کرد.

تبعات ارزشی و قانونی: تدوین قوانین جدید: ممکن است نیاز به تدوین یا اصلاح قوانین مرتبط با بهداشت عمومی و درمان های پزشکی به وجود آید.

توجه به اخلاق پزشکی: این نتایج می تواند به بحث های اخلاقی درباره روش های درمان و استفاده از داده های بیولوژیک بیماران منجر شود. تبعات سازمان غذا و دارو: تنظیم مقررات جدید: این یافته ها می توانند به تنظیم مقررات جدید در زمینه تأیید داروها و درمان ها کمک کنند. توسعه داروهای جدید: ممکن است به تحقیقات جدید در زمینه داروهای مؤثر بر سطوح هورمونی و درمان بیماری های عفونی منجر شود. در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

https://scholar.google.com/citations?view_op=view_citation&hl=en&user=j9SqZ6oAAAAJ&sortby=pubdate&citation_for_view=j9SqZ6oAAAAJ:rO6llkc54NcC

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

hashemipour.sima@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. Murthi M, Shaka H, El-Amir Z, Velagapudi S, Jamil A, Wani F, Atluri R, et al. Association of hypocalcemia with in-hospital mortality and complications in patients with acute pulmonary embolism: Results from the ۲۰۱۷ nationwide inpatient sample. BMC Pulm Med. ۲۰۲۱.
۲. Steele T, Kolamunnage-Dona R, Downey C, Toh CH, Welters I. Assessment and clinical course of hypocalcemia in critical illness. Crit Care. ۲۰۱۳.
۳. Torres B, Alcubilla P, González-Cordón A, Inciarte A, Chumbita M, Cardozo C, et al. Impact of low serum calcium at hospital admission on SARS-CoV-۲ infection outcome. Int J Infect Dis. ۲۰۲۱.
۴. J Infect Dis. ۲۰۲۱.
۵. Davis WT, Ng PC, Medellin KL, Cutright JE, Araña AA, Strilka RJ, et al. Association of hypocalcemia with mortality of combat casualties with brain injury and polytrauma transported by critical care air transport teams. Mil Med. ۲۰۲۲.



عنوان طرح تحقیقاتی: نقش ۲HG-MIR۴۴۳۵ LncRNA در سرطان های انسانی، یک مطالعه مروری

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

سعیده غلامزاده خوئی (مجری اصلی)، محقق مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، پژوهشکده پیشگیری از بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

حمید صادقی، دانشجوی دکترای باکتری شناسی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

نعمت الله غیبی، استاد بیوفیزیک، مرکز سلولی و مولکولی، پژوهشکده پیشگیری از بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

این پژوهش نشان می دهد LncRNA AWPPH با نقش مهم در رشد و گسترش سلول های سرطانی، می تواند به عنوان یک نشانگر تشخیصی و هدف درمانی در انواع سرطان ها مورد استفاده قرار گیرد.

پیام کلیدی:

این مقاله به بررسی نقش lncRNA AWPPH در انواع سرطان ها می پردازد. lncRNA AWPPH به عنوان یک ژن رونویسی شده بلند غیر کدکننده با نقش کلیدی در فرآیندهای مختلف بیولوژیکی شامل تکثیر سلولی، متاستاز، و مهاجرت سلولی شناخته شده است. همچنین، این مقاله اهمیت AWPPH lncRNA را به عنوان یک بیومارکر و هدف درمانی در سرطان ها مطرح می کند.

متن پیام پژوهشی:

lncRNA AWPPH به عنوان یک مولکول بلند غیر کدکننده در سرطان ها اهمیت زیادی دارد. نقش آن در فرآیندهایی مانند تکثیر، مهاجرت و متاستاز سلولی، آن را به یک هدف بالقوه برای تشخیص و درمان سرطان تبدیل می کند. شناسایی و هدف گذاری این lncRNA می تواند به بهبود نتایج درمانی و پیش بینی های بالینی کمک کند. lncRNA AWPPH نقش مهمی در پیشرفت سرطان ها دارد و به عنوان یک آنکوژن در فرآیندهای مختلف سرطان زایی، از جمله تکثیر سلولی، متاستاز و انتقال اپی تلایل-مزانثیمی EMT، دخیل است. این مولکول در سرطان های مختلف مانند سرطان سینه، معده و کولورکتال شایع است و می تواند به عنوان یک بیومارکر برای تشخیص و درمان سرطان ها استفاده شود. نتایج تحقیق در مورد lncRNA AWPPH می تواند در زمینه های مختلف کاربردی باشد. این مولکول به عنوان یک بیومارکر برای تشخیص سرطان ها و پیش بینی پیش آگهی بیماران استفاده می شود. همچنین، lncRNA AWPPH می تواند به عنوان هدفی برای درمان های جدید در سرطان ها با هدف مهار آنکوژن ها و تنظیم مسیرهای سیگنالینگ کلیدی نظیر $p53$ ، $TGF-\beta$ و Wnt/β -catenin باشد. تحقیقات بیشتر به منظور شناسایی کاربردهای بالینی آن ضروری است.

تأثیرات و کاربردها:

lncRNA AWPPH به عنوان یک آنکوژن در تومورزایی و پیشرفت سرطان ها شناخته شده است و می تواند به عنوان یک بیومارکر تشخیصی و هدف درمانی برای سرطان های مختلف مانند سرطان سینه، معده، کولورکتال و کبد استفاده شود. AWPPH با تأثیرگذاری بر مسیرهای بیولوژیکی مانند تکثیر سلولی، مهاجرت، متاستاز، و تنظیم miRNA به پیشرفت سرطان ها کمک می کند، به همین دلیل بررسی های درمانی برای مهار آن ضروری است.

محدودیت های شواهد:

عدم تحقیق در مدل های حیوانی و بالینی: در بسیاری از تحقیقات، بررسی های پیش بالینی و بالینی جهت ارزیابی کارایی درمانی AWPPH در مدل های انسانی محدود است و مطالعات بیشتری لازم است.

مخاطبان طرح پژوهشی:

پزشکان و متخصصان سرطان، شرکت های دارویی و بیوتکنولوژی، دانشجویان و استادان علوم پایه و پزشکی
آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
اجتماعی: بررسی lncRNA AWPPH در سرطان ها می تواند به بهبود درمان های پزشکی و در نتیجه کاهش بار بیماری ها و هزینه های درمانی در سطح جامعه کمک کند.

سیاسی: شناخت و درمان بهتر سرطان ها می تواند سیاست های بهداشتی و درمانی کشورهای مختلف را تحت تأثیر قرار دهد.
فرهنگی: این تحقیق می تواند به فرهنگ عمومی در زمینه اهمیت پیشگیری از سرطان و استفاده از روش های نوین درمانی افزوده و آگاهی اجتماعی را افزایش دهد.

بهداشتی: یافته های این پژوهش می تواند به درمان و شناسایی بهتر سرطان ها کمک کند و کیفیت درمان های بهداشتی را بهبود بخشد.

ارزش های دینی: پژوهش های علمی در راستای سلامتی افراد می تواند با اصول انسانی و دینی هم راستا باشد.

قوانین سازمان غذا و دارو: این تحقیق می تواند به فرآیند ارزیابی و تأسیس مجوزهای دارویی توسط سازمان غذا و دارو کمک نماید.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.ingentaconnect.com/content/ben/cmm/pre-prints/content-bms-cmm-2022-451>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

s.gholamzadeh@yahoo.com

منابع و مراجع:

۱. V. Aboyans, C.o.D. Collaborators, Global, regional, and national age-sex specific all-cause and cause-specific mortality for ۲۴۰ causes of death, ۱۹۹۰-۲۰۱۳: a systematic analysis for the Global Burden of Disease Study ۲۰۱۳, The Lancet (British edition), ۳۸۵ (۲۰۱۵) ۱۱۷-۱۷۱.
۲. H. Wu, X. Shang, Y. Shi, Z. Yang, J. Zhao, M. Yang, Y. Li, S. Xu, Genetic variants of lncRNA HOTAIR and risk of epithelial ovarian cancer among Chinese women, Oncotarget. ۲۰۱۶.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی نقش غلظت های ضد عفونی کننده ی اتانول در بیان ژن های ۱-rpfF و smf مولد بیوفیلیم در سویه های XDR باکتری استنوتروفوموناس مالتوفیلیا جدا شده از نمونه های بالینی بیمارستان های شهر قزوین
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

فاطمه فردصانعی (مجری طرح)، استادیار باکتری شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

فرهاد نیکخواهی، استادیار باکتری شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.
محدثه استواری دیلمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد میکروب شناسی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

استفاده درست و هدفمند از مواد ضد عفونی کننده مناسب (اتانول) در بیمارستان، نقشی کلیدی در کاهش عفونت های بیمارستانی و جلوگیری از گسترش میکروب های مقاوم دارد.

پیام کلیدی:

استفاده صحیح از ضد عفونی کننده های مناسب در محیط بیمارستان به منظور کاهش عفونت های بیمارستانی و پاتوژن های بیمارستانی در حال گردش
متن پیام پژوهشی:

استنوتروفوموناس مالتوفیلیا سومین عامل رایج در ایجاد عفونت های بیمارستانی با درصد بالای مرگ و میر مخصوصا در بیماران دارای نقص سیستم ایمنی می باشد. درمان عفونت های ناشی از استنوتروفوموناس مالتوفیلیا به دلیل پتانسیل بالای مقاومت چندگانه آن به طیف وسیعی از آنتی بیوتیک ها همیشه موفقیت آمیز نمی باشد.

استفاده صحیح از ضد عفونی کننده های مناسب در محیط بیمارستان به همراه EDTA می تواند منجر به کاهش غلظت موثر ضد عفونی کننده های رایج نظیر اتانول شود و همچنین بر روی بیوفیلیم باکتریایی که یکی از عوامل شکست در درمان آنتی بیوتیکی می شود گردد. این امر می تواند باعث کاهش عفونت های بیمارستانی و پاتوژن های بیمارستانی در حال گردش شود.

باتوجه به اهمیت کنترل عفونت های بیمارستانی و صدمات جبران ناپذیر جانی و مالی ناشی از این عفونت ها، استفاده مناسب از ضد عفونی کننده ها در محیط بیمارستان و جلوگیری از گسترش عفونت های ناشی از باکتری های فرصت طلب می تواند، در مدت زمان بستری شدن بیماران در بیمارستان، مصرف بیش از حد آنتی بیوتیک های وسیع الطیف و خطرات ناشی از مصرف بی رویه و نامناسب آنتی بیوتیک ها را کاهش دهد.

تأثیرات و کاربردها:

کنترل عفونت بیمارستانی

جلوگیری از گسترش پاتوژن های فرصت طلب در محیط بیمارستان

محدودیت های شواهد:

نمونه گیری، بودجه محدود طرح

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

https://scholar.google.com/citations?view_op=view_citation&hl=en&user=RpUjMAAAAJ&sortby=pubdate&citation_for_view=Rp-LUjMAAAAJ:blknAaTinKkC

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

Atefeh_fardsanei@yahoo.com

منابع و مراجع:

1. EVALUATION OF THE EFFECT OF CHLORHEXIDINE AND EDTA ON MULTI-DRUG RESISTANT STRAINS OF KLEBSIELLA PNEUMONIAE AND BIOFILM-PRODUCING AND NON-PRODUCING ESCHERICHIA COLI S Safavi, M Khakpour, F Fardsanei, F Nikkhahi Studies in Medical Sciences.
2. Evaluation of antibacterial activity of five biocides and the synergistic effect of biocide/EDTA combinations on biofilm-producing and non-producing Stenotrophomonas ...RK Anari, F Nikkhahi, A Javadi, M Bakht, M Rostamani, FZ Kelishomi, ...BMC microbiology .
3. Phenotype and genetic determination of resistance to common disinfectants among biofilm-producing and non-producing Pseudomonas aeruginosa strains from ...M Bakht, SA Alizadeh, S Rahimi, R Kazemzadeh Anari, M Rostamani, ...BMC microbiology .



عنوان طرح تحقیقاتی: اپیدمیولوژی جهانی و توزیع ساب تایپ های بلاستوسیسیتیس در حیوانات دریایی: یک مرور نظام مند و فراتحلیل

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

علی اصغری (مجری اصلی)، دکترای انگل شناسی پزشکی محقق مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

محمد غفاری چراتی، استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

امین کرم پور، استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

سیده سارا ناظم ساداتی، استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

عنوان پیام پژوهشی:

وجود بلاستوسیسیتیس در حیوانات دریایی می تواند از طریق مصرف غذاهای خام یا آلوده، به عنوان یک منبع بالقوه انتقال بیماری به

انسان عمل کند.

پیام کلیدی:

بلاستوسیسیتیس در حیوانات دریایی می تواند یک منبع مناسب برای انتقال بیماری به انسان از طریق مصرف غذاهای خام یا آلوده باشد.

متن پیام پژوهشی:

بلاستوسیسیتیس یک تکیاخسته انگلی است که در دستگاه گوارش حیوانات و انسان زندگی می کند. این انگل می تواند علائم گوارشی مختلفی را در

انسان ها ایجاد کند. بلاستوسیسیتیس یک انگل زئونوز است که قابلیت انتقال از حیوانات به انسان را دارد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که مصرف

غذای دریایی ناپخته می تواند خطرات جدی برای سلامتی ایجاد کند و نیاز به اقدامات پیشگیرانه مانند پخت کامل غذا و کنترل کیفیت بهداشتی وجود دارد.

موارد زیر می تواند از نتایج کاربرد طرح باشد:

طراحی برنامه های کنترل و پیشگیری از انتقال بیماری های منتقله از راه غذا.

افزایش آگاهی عمومی درباره خطرات مصرف غذاهای دریایی ناپخته.

توسعه استانداردهای بهداشتی برای محصولات دریایی

تأثیرات و کاربردها:

حفاظت از سلامت عمومی با کاهش خطر انتقال انگل از طریق غذا.

تقویت سیاست های ایمنی غذایی.

ارائه شواهد علمی برای تحقیقات بیشتر در مورد انگل های منتقله از راه غذا.

محدودیت های شواهد:

با اینکه مطالعه حاضر تمام مطالعات انجام شده در این حیطه را پوشش داده است، اما با توجه به محدودیت های زیر، نتایج مطالعه حاضر باید با احتیاط تفسیر شوند:

کمبود داده های فراوانی در برخی مناطق جغرافیایی.

استفاده از داده های تکی در برخی از آنالیزها.

اندازه نمونه کوچک در برخی از بررسی ها.

مخاطبان طرح پژوهشی:

سیاست گذاران و محققین حوزه سلامت، ارائه دهندگان خدمات سلامت، محققین

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

نتایج این پژوهش با افزایش سطح آگاهی عمومی و اطلاع رسانی به پزشکان، دامپزشکان و متخصصین حوزه مواد غذایی، می تواند باعث به حداقل رساندن مصرف غذاهای خام و نپخته شود و خطر انتقال انگل های منتقله از غذا به انسان ها را کاهش دهد و نهایتاً باعث حفاظت از بهداشت و سلامت عمومی شود.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2405676624000246>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

Asghari^۳@yahoo.com

منابع و مراجع:

1. Słodkiewicz-Kowalska A, Majewska AC, Rzymski P, Skrzypczak Ł, Werner A. Human waterborne protozoan parasites in freshwater bivalves (*Anodonta anatina* and *Unio tumidus*) as potential indicators of fecal pollution in urban reservoir. *Limnologia*. ۲۰۱۵.
2. Compean, José Mijail Campos, et al. Detection and typing of *Blastocystis* spp. in oysters (*Crassostrea virginica* (collected in Actopan River, Chachalacas, Veracruz. ۲۰۱۸.
3. Ryckman M, Gantois N, Dominguez RG, Desramaut J, Li LL, Even G, Audebert C, Devos DP, Chabé M, Certad G, Monchy S. Molecular Identification and Subtype Analysis of *Blastocystis* sp. Isolates from Wild Mussels (*Mytilus edulis*) in Northern France. *Microorganisms*. ۲۰۲۴ Mar ۳۰;۱۲(۴):۷۱۰.

۴. Wang Y, Zhang C, Nan H, Yin S, Cao M, An R, Ma L. Molecular Detection and Subtype Distribution of Blastocystis sp. Cold-Water Fish and Cultured Water. ۲۰۲۴.



عنوان طرح تحقیقاتی: اثرات درمانی miRNA-۴۷۳۱-۵p اگزوزومی به دست آمده از سلول های بنیادی بافت چربی بر سلول های سرطان گلیوبلاستوما انسانی در شرایط آزمایشگاهی
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

ابوذر بابائی (مجری اصلی)، استادیار دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.
عنوان پیام پژوهشی:

اگزوزوم های حاوی miRNA-۴۷۳۱ استخراج شده از سلول های بنیادی چربی، در آزمایشگاه توانسته اند رشد سلول های گلیوبلاستوما انسانی را مهار کنند و به عنوان یک رویکرد درمانی نوین مطرح شوند.
پیام کلیدی:

غلظت ۵۰ ng/ml اگزوزوم های ترانسفکت شده با miRNA-۴۷۳۱-۵p، دوز ایمن برای انجام تست های ضد سرطانی بود. اگزوزوم های ترانسفکت شده با miRNA-۴۷۳۱-۵p به دست آمده از سلول های بنیادی باعث افزایش میزان مرگ و میر، القا آپوپتوز و مهار چرخه سلولی در آپوپتوز در رده های سلولی GBM سرطان گلیوبلاستوما می گردد.
متن پیام پژوهشی:

این مطالعه به بررسی نقش میکرو RNA-۴۷۳۱-۵p (miR-۴۷۳۱-۵p) مشتق از سلول های بنیادی مزانشیمی گرفته شده از بافت چربی (AD-MSCs) در گلیوبلاستوما (GBM)، به عنوان یک عامل درمانی جدید می پردازد. این تحقیق با شناسایی میکرو RNA های مرتبط با GBM با استفاده از ابزارهای بیوانفورماتیک آغاز شد و سطوح بیان و ژن ها و سیتوکین های هدف بالقوه مرتبط با miR-۴۷۳۱-۵p را برجسته کرد. در مرحله بعدی AD-MSC های خالص شده با یک پلاسمید طراحی شده برای بیان بیش از حد miR-۴۷۳۱-۵p ترانسفکت شدند. پس از ترانسفکشن، اگزوزوم ها از AD-MSC ها جداسازی شدند که سپس برای آزمایش های بعدی مورد بررسی قرار گرفتند. ترانسفکشن miR-۴۷۳۱-۵p تأیید شد و غلظت مهار ۵۰٪ (IC_{۵۰}) برای سلول های سرطانی تعیین شد تا دوز ایمن و مؤثر برای درمان سلول سرطان گلیوبلاستوما، U-۸۷ و U-۲۵۱ مشخص شود. اثرات ضد سرطانی با انجام فلو سیتومتری، رنگ آمیزی DAPI، تحلیل چرخه سلولی، Real-time PCR و بهبودی زخم بررسی شد. یافته ها نشان داد که اگزوزوم های miR-۴۷۳۱-۵p پیشرفت چرخه سلولی را مهار کرده، مهاجرت را کاهش داده و آپوپتوز را در سلول های GBM القا کردند. این اثرات به تعدیل مسیرهای سیگنال دهی کلیدی، به ویژه مسیر PI3K-AKT و مسیر سیگنال دهی NF-kB مرتبط بود. این مطالعه نتیجه گیری می کند که miR-۴۷۳۱-۵p مشتق از اگزوزوم دارای خواص ضد توموری قابل توجهی در برابر گلیوبلاستوما است که با هدف قرار دادن مسیرهای سیگنال دهی حیاتی درگیر در تکثیر و بقای سلولی عمل می کند. این نشان می دهد که miR-۴۷۳۱-۵p می تواند به عنوان یک گزینه درمانی امیدوارکننده برای درمان GBM عمل کند و ممکن است استراتژی های درمانی فعلی برای این بدخیمی چالش برانگیز را تقویت کند.

تأثیرات و کاربردها:

نتایج حاصله بیانگر این است که miRNA-۴۷۳۱-۵p اگزوزومی دارای اثرات ضد توموری قابل قبولی برای درمان رده های سلولی گلیوبلاستوما بوده و ممکن است یک گزینه درمانی اساسی برای این تومور مغزی باشد.

محدودیت های شواهد:

در مطالعه حاضر فقط به بررسی اثرات ضد سرطانی miRNA-۴۷۳۱-۵p اگزوزومی به دست آمده از سلول های بنیادی بر روی سرطان گلیوبلاستوما پرداخته که جهت تایید بیشتر اثر ضد سرطانی این miRNA می توان به نقش ضد توموری بر روی سلول های سرطانی مختلف پرداخت. مخاطبان طرح پژوهشی:

متخصصان و پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0188440924001139>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

a.babaei@qums.ac.ir

Abouzar.babaei۹۵@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Babaei A, Mousavi SM, Ghasemi M, Pirbonyeh N, Soleimani M, Moattari A. Gold nanoparticles show potential in vitro antiviral and anticancer activity. Life Sciences. ۲۰۲۱;۲۸۴:۱۱۹۶۵۲.
۲. Wu W, Klockow JL, Zhang M, Lafortune F, Chang E, Jin L, et al. Glioblastoma multiforme (GBM): An overview of current therapies and mechanisms of resistance. Pharmacological Research. ۲۰۲۱.
۳. Ostrom QT, Patil N, Cioffi G, Waite K, Kruchko C, Barnholtz-Sloan JS. CBTRUS statistical report: primary brain and other central nervous system tumors diagnosed in the United States in ۲۰۱۳-۲۰۱۷.
۴. Gheidari F, Arefian E, Adegani FJ, Kalhori MR, Seyedjafari E, Kabiri M, et al. miR-۴۲۴ induces apoptosis in glioblastoma cells and targets AKT¹ and RAF¹ oncogenes from the ERBB signaling pathway. European journal of pharmacology. ۲۰۲۱.



عنوان طرح تحقیقاتی: ارتباط بین انگل های تک یاخته ای و اختلالات روانی: یک بررسی نظام مند و فراتحلیل

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

میلاد بدری (مجری اصلی)، استادیار پژوهشی گروه انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

امیر عبدلی (مجری اصلی)، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

آیدا وفای اصلاحی، دکترای انگل شناسی پزشکی، محقق مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

زینب مقدمی زاد، دکترای انگل شناسی پزشکی

رسول صمیمی، دانشیار بیماری های گوارش مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

افراد مبتلا به اختلالات روانی بیش از افراد سالم در معرض عفونت‌های تک‌یاختگی قرار دارند و بالاترین شیوع در اختلالات عصبی-رشدی و با غالبیت انگل توکسوپلازما گوندی گزارش شده است.

پیام کلیدی:

افراد مبتلا به اختلالات روانی در مقایسه با افراد سالم، به‌طور معناداری در معرض خطر بالاتر عفونت‌های تک‌یاخته‌ای هستند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که پیشگیری، غربالگری منظم، و درمان این عفونت‌ها باید به‌عنوان اولویت‌های بهداشتی برای این گروه آسیب‌پذیر مورد توجه قرار گیرند. بالاترین میزان شیوع در اختلالات عصبی-رشدی مشاهده شد و *Toxoplasma gondii* شایع‌ترین انگل شناسایی شده بود.

متن پیام پژوهشی:

بیماران مبتلا به اختلالات روانی به دلیل ترکیبی از عواملی که بر سیستم ایمنی، سبک زندگی و سلامت کلی آنها تأثیر می‌گذارد، می‌توانند بیشتر مستعد ابتلا به عفونت می‌باشند. شرایط مرتبط با بیماری‌های روانی ممکن است منجر به بی‌توجهی به بهداشت فردی، فقدان انگیزه برای جستجوی مراقبت‌های پزشکی یا محدودیت دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی شود. علاوه بر این، اختلالات روانی می‌توانند بر عملکرد سیستم ایمنی بدن (به عنوان مثال، به دلیل سوء تغذیه، اختلال خواب، استرس مزمن، عوارض جانبی داروها، اثرات نورواندوکراین و التهاب مزمن) تأثیر بگذارند، که منجر به اختلال در تنظیم و کاهش پاسخ‌های ایمنی می‌شود و افراد را مستعد این عفونت‌ها نماید. علائم ذهنی متعددی با علت ناشناخته وجود دارد که ممکن است به دلیل پاتوژن‌های میکروبی باشد. بسیاری از بیماری‌های عفونی اغلب با مشکلات رفتاری شدید از جمله افسردگی، کاهش فعالیت‌های فیزیکی و اجتماعی، کم‌خوابی یا پرخوابی، بی‌اشتهایی، بی‌حالی، خستگی و اختلالات شناختی مرتبط هستند. بیماری‌های انگلی نوروتروپیک از جمله مالاریا، توکسوپلاسموز، تریپانوزومیازیس انسان آفریقایی، بیماری شاگاس، سیستیسرکوز و توکسوکاریازیس انسانی وجود دارد. بررسی شیوع عفونت‌های انگلی در بیماران با اختلالات روانی بسیار مهم است، زیرا این عفونت‌ها می‌توانند سلامت کلی آنها را بیشتر به خطر بیندازند، شرایط سلامت روانی آنها را تشدید کنند و منجر به دوره‌های درمانی چالش برانگیزتر شوند. اختلالات روانی با کاهش سطح بهداشت فردی همراه هستند که خطر ابتلا به عفونت‌های تک‌یاخته‌ای را افزایش می‌دهد. بررسی شیوع این عفونت‌ها در بیماران مبتلا به اختلالات روانی برای شناسایی عوامل خطر و طراحی راهبردهای پیشگیرانه و درمانی ضروری است و به بهبود سلامت جسمی و روانی این گروه آسیب‌پذیر کمک می‌کند. این مطالعه نشان داد که افراد مبتلا به اختلالات روانی نسبت به افراد سالم بیشتر در معرض عفونت‌های انگلی تک‌یاخته‌ای قرار دارند. شایع‌ترین انگل شناسایی شده *Toxoplasma gondii* بود و بیشترین خطر ابتلا در افرادی با اختلالات عصبی-رشدی دیده شد. نتایج نشان می‌دهد که غربالگری منظم، اقدامات پیشگیرانه و درمان عفونت‌های انگلی می‌تواند به بهبود وضعیت سلامت این بیماران کمک کند و کیفیت زندگی آنها را ارتقا دهد. نتایج این مطالعه می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های بهداشتی و درمانی برای بیماران مبتلا به اختلالات روانی مورد استفاده قرار گیرد. غربالگری منظم عفونت‌های تک‌یاخته‌ای، طراحی برنامه‌های آموزشی برای بهبود بهداشت فردی، و ارائه درمان‌های مناسب می‌تواند به کاهش شیوع این عفونت‌ها کمک کند. همچنین، این نتایج برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران در زمینه توسعه راهبردهای پیشگیری از بیماری‌های عفونی و ارتقای سلامت روانی و جسمی در این گروه‌های آسیب‌پذیر بسیار کاربردی است.

تأثیرات و کاربردها:

شناسایی گروه‌های پرخطر: این مطالعه به شناسایی بیماران مبتلا به اختلالات روانی به‌عنوان گروهی پرخطر برای عفونت‌های تک‌یاخته‌ای کمک می‌کند و برنامه‌ریزان بهداشت را قادر می‌سازد تا اقدامات هدفمندتری انجام دهند. بهبود سیاست‌های پیشگیری و درمان: یافته‌ها می‌توانند در تدوین سیاست‌های بهداشتی مؤثر، از جمله برنامه‌های غربالگری، آموزش بهداشت و ارائه درمان‌های اختصاصی برای کاهش بار عفونت‌های انگلی در این بیماران، مورد استفاده قرار گیرند.

محدودیت‌های شواهد:

ناهمگونی مطالعات: تنوع در طراحی مطالعات، روش‌های تشخیصی، و جمعیت‌های مورد بررسی باعث ایجاد ناهمگونی در نتایج شد. کمبود مطالعات در برخی مناطق جغرافیایی: اطلاعات محدودی از کشورهای کم‌درآمد و مناطقی با شیوع بالای انگل‌های تک‌یاخته‌ای وجود دارد.

کیفیت متغیر داده‌ها: برخی از مطالعات از روش‌های غیر استاندارد برای تشخیص عفونت‌های انگلی استفاده کرده‌اند که ممکن است بر دقت نتایج تأثیر بگذارد.

نبود اطلاعات دقیق در مورد عوامل خطر: بسیاری از مطالعات اطلاعات کافی درباره تأثیر عوامل محیطی، بهداشتی و اجتماعی بر شیوع عفونت ارائه نکرده‌اند.

مخاطبان طرح پژوهشی:

متخصصان و پژوهشگران، سیاست‌گذاران، سازمان‌های غیردولتی، (NGO)، مردم

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
خیر هیچگونه تبعاتی ندارد.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://doi.org/10.1186/s13099-024-00602-2>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

badri22.milad@gmail.com

منابع و مراجع:

1. de Freitas JT, da Silva MJ, Scarabeli SC, Fonseca ABM, da Silva BA, Bastos OMP, et al. Intestinal parasites in children with neurological disorders treated at a rehabilitation institution in Niterói . Rio de Janeiro Brazil. Rev Patol Trop Trop Pathol. ۲۰۱۷.
2. McNab SE, Dryer SL, Fitzgerald L, Gomez P, Bhatti AM, Kenyi E, et al. The silent burden: a landscape analysis of common perinatal mental disorders in low-and middle-income countries. BMC Pregnancy Childbirth. ۲۰۲۲.
3. Soldevila-Matias P, Guillén AI, de Filippis R. Mental health and internalized stigma in people with severe mental illness. Front Psychiatry. ۲۰۲۳.
4. Bolton DJ, Robertson LJ. Mental health disorders associated with foodborne pathogens. J Food Prot. ۲۰۱۶.



عنوان طرح تحقیقاتی: ارزیابی اثر ضد توکسوپلاسمایی عصاره قارچ گانودرما لوسیدیوم در شرایط آزمایشگاهی

تاریخ خاتمه طرح: ۰۸/۰۳/۱۴۰۲

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

الهام حاجی علیلو (مجری و محقق اصلی)، دانشیار انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

محمد احمدی علیایی، دانشجوی کارشناسی ارشد انگل شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

فائزه محمدی، استادیار قارچ شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

احسان عالی، دانشیار داروشناسی (فارماکولوژی)، گروه فارماکولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

مهرزاد سرائی، استاد انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

امیر جوادی، دانشیار انفورماتیک پزشکی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

عصاره هیدروالکلی یک قارچ گانودرما لوسیدیوم با اثر ضدانگلی قابل توجه، می تواند گزینه ای امیدوارکننده برای مهار توکسوپلاسما گوندی در شرایط آزمایشگاهی باشد.

پیام کلیدی:

توکسوپلاسما گوندی انگل درون سلولی اجباری و عامل بیماری توکسوپلاسموزیس در انسان و حیوانات است. درمان انتخابی توکسوپلاسموزیس ترکیبی از دو داروی پیریمتامین و سولفادیازین است. متأسفانه مصرف این داروها، عوارض جانبی بسیاری دارد. با توجه به تاثیر ضد انگلی این قارچ و نبود مطالعه ای در مورد تاثیر عصاره این قارچ بر روی توکسوپلاسم گوندی ای مطالعه حاضر طراحی شد، که نتایج مطالعه نشان داد عصاره هیدروالکلی قارچ بیشترین تاثیر را بر روی انگل داشت.

متن پیام پژوهشی:

با توجه به تاثیر ضد انگلی قارچ گانودرما و نبود مطالعه ای در مورد تاثیر عصاره این قارچ بر روی توکسوپلاسم گوندی ای مطالعه حاضر طراحی شده است که در آن تاثیر عصاره الکلی قارچ گانودرما لوسیدیوم بر روی توکسوپلاسم در شرایط آزمایشگاهی مورد ارزیابی قرار گرفت. قارچ گانودرما لوسیدیوم می تواند در زمینه درمان توکسوپلاسموزیس کمک کننده باشد و از طرفی کمترین عوارض جانبی را دارد. با توجه به تاثیر عصاره قارچ بر انگل و از طرفی در دسترس بودن و بدون عارضه بودن قارچ، می توان از آن برای درمان انسان و حیوان آلوده به منظور بیشگیری از عوارض آن از جمله مرگ و میر نوزادان و کاهش عوارض جانبی آلودگی مانند ناهنجاری های مادرزادی و... بهره برد. البته مطالعات تکمیلی در این راستا باید صورت بگیرد.

تأثیرات و کاربردها:

قارچ گانودرما لوسیدیوم می تواند در زمینه درمان توکسوپلاسموزیس کمک کننده باشد و از طرفی کمترین عوارض جانبی را دارد.

محدودیت های شواهد:

تهیه سلول که جهت حل این محدودیت سلول های شناسنامه دار از انستیتو پاستور ایران خریداری شد.

مخاطبان طرح پژوهشی: مردم، مسئولین بهداشت و سیاستگذاران پژوهش

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://link.springer.com/article/10.1186/s13104-023-06355-6>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

e.hajialilo@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Keypour Sangesari S, Riahi H, Rafati H, Moradali MF. Antibacterial Activity of Aqueous Extract of *Ganoderma lucidum* Karst. (Basidiomycota) from Iran. J. Med. Plants. ۲۰۰۹; ۸ (۳۲):۵۳-۵۹.
2. Oluba OM. *Ganoderma* terpenoid extract exhibited anti-plasmodial activity by a mechanism involving reduction in erythrocyte and hepatic lipids in *Plasmodium berghei* infected mice. Lipids Health Dis. ۲۰۱۹; ۱۸(۱):۱۲.
3. Akbari S, Chabavizadeh J, Abtahi SM, Yegdaneh A, Namdar F, Saberi S. Evaluation of Antileishmanial Effect of Hydroalcoholic Extract of *Ganoderma Leucidum* on *Leishmania Major* in Vitro. J Isfahan Med Sch ۲۰۱۹.
4. Gao JJ, Min BS, Ahn EM, Nakamura N, Lee HK, Hattori M. New triterpene aldehydes, lucialdehydes A-C, from *Ganoderma lucidum* and their cytotoxicity against murine and human tumor cells. Chem Pharm Bull (Tokyo). ۲۰۰۲; ۵۰(۶):۸۳۷-۴۰.



عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی سیستماتیک به کارگیری عوامل باکتریایی و ویروسی به عنوان جدیدترین روش های درمان سرطان
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

ابوذر بابائی (مجری اصلی)، استادیار دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
عنوان پیام پژوهشی:

درمان سرطان با بهره گیری از باکتری ها و ویروس ها رویکردی نوین و امیدوارکننده است که با نفوذ به تومور و هدف گیری مستقیم سلول های سرطانی، می تواند محدودیت های روش های مرسوم را کاهش دهد.

پیام کلیدی:

درمان سرطان با واسطه میکروارگانسیم ها (باکتری ها و ویروس ها) در واقع یک استراتژی درمانی امیدوارکننده برای غلبه بر بسیاری از این محدودیت های فعلی است که در درمان مرسوم مشهود است.

ویروس های انکولیتیک (OVS) نتایج مثبتی را برای درمان سرطان از طریق تکثیر انتخابی تومور و حمله چند وجهی خود علیه سرطان ها نشان داده اند.

سموم باکتریایی نیز به عنوان راهبردی موثر در درمان سرطان ظاهر شدند.

باکتری ها توانایی نفوذ به بافت سرطانی را دارند علاوه بر این، باکتری ها می توانند به عنوان ناقلی برای انتقال مولکول های درمانی و انتقال دارو عمل کنند.

متن پیام پژوهشی:

بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO)، بیش از ۱۰ سال است که سرطان عامل اصلی مرگ و میر در سراسر جهان بوده است و انتظار می رود تعداد بیماران سرطانی در سال های آینده به طور مداوم افزایش یابد. درمان های موجود برای تومورها نه تنها برای سلول های طبیعی سمی هستند و نمی توانند به لایه های عمیق بافت های تومور نفوذ کنند، بلکه باعث ایجاد مقاومت دارویی در سلول های تومور می شوند. همچنین عوامل شیمی درمانی باعث ایجاد اثرات نامطلوب متعددی می شوند، زیرا آنها بر تمام سلول های در حال تقسیم فعال تأثیر می گذارند. بنابراین، جامعه پزشکی در تلاش برای یافتن یک روش درمانی با اثربخشی بالاتر و سمیت کمتر هستند. اخیراً برخی از رویکردهای درمانی جدید بر اساس میکروارگانسیم ها مورد توجه قرار گرفته است. درمان سرطان با واسطه باکتری (Bacteria-mediated cancer therapy) به دلیل مزایای قابل توجهی که دارد توجه زیادی را به خود جلب کرده است. در حالی که مسلماً باکتری ها در هدف قرار دادن تومور بهتر عمل می کنند، استدلال می شود که ویروس ها دارای توانایی های بی سابقه ای برای کشتن سلول های سرطانی هستند. بسیاری از ویروس ها مانند ویروس واکسینیا، ویروس بیماری نیوکاسل، ویروس ریو و آدنوویروس با حذف E1a که برای دستیابی به تکثیر انتخابی و کشتن سلول های تومور در نظر گرفته شده اند، مورد بررسی قرار گرفته اند.

تأثیرات و کاربردها:

درمان سرطان با به کارگیری ویروس های انکولیتیک (OVS) و باکتری های انکولیتیک نتایج مثبتی را برای درمان انواع سرطان های مختلف از طریق تکثیر انتخابی تومور و حمله چند وجهی خود علیه سرطان ها نشان داده اند و به عنوان یک استراتژی درمانی امیدوارکننده برای سرطان مطرح هستند.

محدودیت های شواهد:

با توجه به اینکه که مطالعه حاضر ک یک پژوهش مروری بوده لذا محدودیت اصلی دسترسی به مقالات پایگاه بانکی Scopus و یک سری از پایگاه های بانکی پولی می باشد.

مخاطبان طرح پژوهشی

متخصصان و پژوهشگران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0024320524003242>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

a.babaei@qums.ac.ir

Abouzar.babaei^{۹۵}@gmail.com.

منابع و مراجع:

۱. Jain RK. Delivery of molecular and cellular medicine to solid tumors. Adv Drug Deliv Rev. ۲۰۰۱.
۲. Choi AH, O'Leary MP, Fong Y, Chen NG. From Benchtop to Bedside: A Review of Oncolytic Virotherapy. Biomedicines. ۲۰۱۶.
۳. Moyer VA. Screening for oral cancer: U.S. Preventive Services Task Force recommendation statement. Ann Intern Med. ۲۰۱۴.
۴. Crosby D. Delivering on the promise of early detection with liquid biopsies. Br J Cancer. ۲۰۲۲.



عنوان طرح تحقیقاتی: جداسازی *Sphingomonas paucimobilis* از عفونت چشمی و شناسایی با استفاده از توالی یابی ژن ریبوزومی RNA: گزارش اولین مورد از ایران
تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

فرهاد نیکخواهی (مجری اصلی)، استادیار باکتری شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

فائزه محمدی، استادیار قارچ شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
زینلی کلیشمی، دانشجوی کارشناسی ارشد میکروب شناسی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

گزارش ها نشان می دهد *S. paucimobilis* می تواند هم در افراد سالم و هم بیماران با ضعف ایمنی بیماری زا باشد و شناسایی آن همراه با الگوی مقاومت آنتی بیوتیکی، برای کنترل عفونت در بیماران بستری اهمیت زیادی دارد.

پیام کلیدی:

باسیل های گرم منفی غیر تخمیری یکی از مشکلات بزرگ در محیط ها و مراکز درمانی هستند که می توانند از علت های شایع عفونت های بیمارستانی باشند.

Sphingomonas paucimobilis یکی از باسیل های گرم منفی غیرتخمیری است که به عنوان پاتوژن فرصت طلب در حال ظهور است. عفونت های مرتبط با جامعه و یا عفونت های بیمارستانی ایجاد شده توسط این ارگانیسم شامل باکتری می، سپسیس مرتبط با کاتتر، مننژیت، پریتونیت، عفونت های پوستی، آبسه های احشایی، عفونت های ادراری، آدنیت و بیماری های اسهالی می باشد. تا زمان های اخیر، *S. paucimobilis* به ندرت در محیط های بیمارستانی به ویژه در بیماران دچار نقص سیستم ایمنی و یا افرادی که دارای بیماری زمینه ای هستند ایجاد بیماری می کرد، اما در حال حاضر گزارش های موردی فراوانی وجود دارد که نشان می دهد این پاتوژن فرصت توانایی ایجاد بیماری هم در افراد سالم و هم بیماران دچار نقص سیستم ایمنی و یا دارای بیماری زمینه ای می باشد.

متن پیام پژوهشی:

تا زمان های اخیر، *S. paucimobilis* به ندرت در محیط های بیمارستانی به ویژه در بیماران دچار نقص سیستم ایمنی و یا افرادی که دارای بیماری زمینه ای هستند ایجاد بیماری می کرد، اما در حال حاضر گزارش های موردی فراوانی وجود دارد که نشان می دهد این پاتوژن فرصت توانایی ایجاد بیماری هم در افراد سالم و هم بیماران دچار نقص سیستم ایمنی و یا دارای بیماری زمینه ای می باشد. شناسایی این عامل و مشخصات الگوی آنتی بیوتیکی کمک به کنترل این عامل برای بیماران و افراد بستری خواهد داشت.

مهمترین نتایج طرح عبارت است از:

کنترل شیوع مقاومت های آنتی بیوتیکی

تشخیص سریع *Sphingomonas paucimobilis* با استفاده از تعیین توالی ژن ۱۶srRNA

کاهش عوارض مرتبط با مصرف تجربی آنتی بیوتیک ها

افزایش سرعت بهبود بیمار

موارد کاربرد نتایج طرح عبارت است از:

ارائه نتایج مطالعات موردی و نحوه درمان عفونت های نادر به پزشکان محلی

تجهیز مراکز دانشگاهی به دستگاه Sequencer جهت تشخیص سریع عفونت های نادر

تقویت همکاری های بین پزشکان و آزمایشگاه های دانشگاه در مورد نمونه های عفونی

تأثیرات و کاربردها:

با توجه به نوظهور بودن این باکتری ها شناسایی این عامل در کنترل عفونت های آینده بسیار حائز اهمیت می باشد

مخاطبان طرح پژوهشی:

سیاستگذاران درمانی

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1002/ccr3.7715>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

farhadnikkhahi@gmail.com

منابع و مراجع:

1. Ryan MP, Adley CC. *Sphingomonas paucimobilis*: a persistent Gram-negative nosocomial infectious organism. J Hosp Infect. ۲۰۱۰.
2. Bavaro DF, Mariani MF, Stea ED, Gesualdo L, Angarano G, Carbonara S. *Sphingomonas paucimobilis* outbreak in a dialysis room: Case report and literature review of an emerging healthcare associated infection. Am J Infect Control. ۲۰۲۰.

۳. Saboor F, Amin F, Nadeem S. Community acquired *Sphingomonas paucimobilis* in a child - A rare case. JPMa J Pak Med Assoc. ۲۰۱۸ .
۴. Bayram N, Devrim İ ,Apa H, Gülfidan G, Türkyılmaz HN, Günay İ .*Sphingomonas Paucimobilis* Infections in Children: ۲۴ Case Reports. Mediterr J Hematol Infect Dis. ۲۰۱۳.



عنوان طرح تحقیقاتی: جداسازی و ژنوتایپینگ آمیب‌های آزادزی از آب شرب قزوین

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

الهام حاجی علیلو، دانشیار انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

آلودگی آب شرب به آمیب‌های آزادزی و ضرورت فیلترینگ آب آشامیدنی برای کاهش خطرات بهداشتی

پیام کلیدی:

نتایج آنالیز مورفولوژی و مولکولی نشان داد، که آب شرب قزوین آلوده به آمیب‌های آزاد زی است. نتایج تست پاتوژنیسیته مشخص کرد، که ۵۵٪ از ایزوله های آکانتامبا پاتوژن هستند، که البته در شرایط خاص و بویژه در افراد مصرف کننده لنزهای تماسی که از آب لوله کشی شهری برای شستشوی لنز استفاده می کنند، می تواند بیماری زا باشد. نتایج این پژوهش پیشنهاد می کند، که آب آشامیدنی فیلتر شود.

متن پیام پژوهشی:

آمیب‌های آزادزی دسته بزرگی از تک یاخته‌ها می‌باشند که به صورت دوگانه زیست در انواع محیط‌ها از جمله منابع آبی، خاک و گرد و غبار یافت می‌شوند. آلودگی به آمیب در ایران بیشتر به صورت آلودگی لنزهای تماسی و متعاقباً کراتیت در بیماران است. آلودگی به آمیب‌های آزادزی در ایران بیشتر به صورت آلودگی لنزهای تماسی و متعاقباً کراتیت در بیماران است. از آنجائیکه نتایج این پژوهش آلودگی به آمیب را در آب شرب نشان داد، به جهت پیشگیری از بیماری باید از تماس لنزها با آب شرب جلوگیری شود و همچنین آب شرب فیلتر شده استفاده شود. تعیین وضعیت آب شرب شهر قزوین از نظر آلودگی به آمیب‌های آزادزی می‌تواند به ارتقاء بهداشت در جامعه کمک شایانی کند.

تأثیرات و کاربردها:

توجه بیشتر به بهداشت آب شرب و بویژه فیلتر کردن آب شرب. انتشار نتایج به جهت بهره برداری دست اندرکاران بهداشتی منطقه می‌تواند کمک کننده باشد.

محدودیت‌های شواهد:

با توجه به نمونه مورد نظر که آب شرب است هیچگونه محدودیتی در نمونه‌گیری و جود ندارد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، ارائه دهندگان خدمات سلامت، سیاستگذاران

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

https://jims.mui.ac.ir/article_۳۱۱۵۸_en.html?lang=en

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

منابع و مراجع:

۱. Eftekhari M, Nazemalhosseini Mojarad E, Haghighi A, Sharifi Sarasiabi K, Nochi Z, Athari A. Detection of Acanthamoeba from fresh water using polymerase chain reaction. *Pejouhesh dar Pezeshki (Research in Medicine)*. ۲۰۰۹.
۲. Bagheri HR, Shafiei R, Shafiei F, Sajjadi SA. Isolation of Acanthamoeba Spp. from Drinking Waters in Several Hospitals of Iran. *Iranian J Parasitol* ۲۰۱۰.
۳. Behniafar et al. Molecular Characterization of Pathogenic Acanthamoeba Isolated from Drinking and Recreational water in East Azerbaijan, Northwest Iran. *Environmental Health Insights* ۲۰۱۵.
۴. Elham HAJIALILO, Maryam NIYYATI, Mohammad SOLAYMANI, Mostafa
۵. REZAEIAN. Pathogenic Free-Living Amoebae Isolated From Contact Lenses of Keratitis Patients. *Iran J Parasitol*, ۲۰۱۵.



عنوان طرح تحقیقاتی: جداسازی و شناسایی: باکتری لاکتوباسیلوس از لبنیات سنتی استان گیلان و بررسی در مسیرهای سیگنالی Casp^۳,

AKT/PTEN, P53 در کشت همجوار با سلول های سرطانی گردن رحم ۳-HT و سلول های نرمال HUVEC

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

حسین پیری (مجری اصلی)، دانشیار بیوشیمی بالینی، گروه بیوشیمی و ژنتیک دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

پیمان حیدریان، دانشیار انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عباس آسوده فرد، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

میترا صالحی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

محصولات لبنی در حفظ سلامت گردنه رحم در زنان موثر است.

پیام کلیدی:

مصرف محصولات لبنی می تواند به عنوان پروبیوتیک موثر در جلوگیری از سرطان دهانه رحم مورد توجه قرار گیرد.

متن پیام پژوهشی:

طبق مطالعات پیشین، تعدادی از پروبیوتیک ها من جمله Bifidobacteria و لاکتوباسیلوس ها که از محصولات لبنی استخراج می شوند دارای اثرات ضد سرطانی هستند. بر پایه تحقیقات انجام شده در این زمینه، سویه Ab.RS۲۲ fermentum از لاکتوباسیلوس نخستین بار در پژوهش حاضر از محصولات لبنی سنتی استان گیلان استخراج شده و توالی مربوط به آن در پایگاه NCBI به ثبت رسید. جهت بررسی اثر ضد سرطانی این پروبیوتیک بر روی سلول های سرطانی گردن رحم ۳-HT و سلول های نرمال HUVEC، از تکنیک های فلوسایتومتری و ریل تایم پی سی آر کمک گرفته شد. نتایج این مطالعه که در ژورنال Basic Medical Science Iranian Journal of به چاپ رسیده است، بر اثر ضد سرطانی پروبیوتیک، سویه Ab.RS۲۲ fermentum لاکتوباسیلوس بر روی سلول های سرطانی گردن رحم ۳-HT از طریق تنظیم بیان ژن های AKT/PTEN و Casp^۳/P53 و در نتیجه تحریک مسیر آپوپتوز و مسیرهای مرتبط با سرطان بحث کرده است. از باکتری های مفید در محصولات لبنی می توان در صنایع غذا و دارو جهت مقابله با بدخیمی ها توجه خاص داشت.

تأثیرات و کاربردها:

تنظیم بیان ژن های مسیر آپوپتوز سلولی جهت کنترل بدخیمی سلول های دهانه رحم در زنان
تعیین غلظت اثر گذار لاکتوباسیلوس و روش های استخراج از محصولات لبنی جهت تیمار سلول های سرطانی و حذف سمیت بر سلول های سالم
بدن

مخاطبان طرح پژوهشی:

مدیران و سیاست گذاران

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
تنها از منظر سازمان غذا و دارو بایستی قبل از توزیع و ارائه به جامعه هدف اثرات بالینی این پروبیوتیک در سطح کارآزمایی بالینی در فازهای
مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته شود.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

doi:/۱۰,۲۲۰۳۸ IJBMS.۲۰۲۳,۷۲۸۲۵,۱۵۸۴۶

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

hosseinpiry@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Isazadeh A, Hajazimian S, Shadman B, Safaei S, Babazadeh Bedoustani A, Chavoshi R, et al. Anti-cancer effects of probiotic Lactobacillus acidophilus for colorectal cancer cell Line Caco-۲ through apoptosis induction.
۲. Jahanshahi M, Maleki Dana P, Badehnoosh B, Asemi Z, Hallajzadeh J, Mansournia MA, et al. Anti-tumor activities of probiotics in cervical cancer. J Ovarian Res ۲۰۲۰.
۳. Asoudeh-Fard A, Barzegari A, Dehnad A, Bastani S, Golchin A, Omid Y. Lactobacillus plantarum induces apoptosis in oral cancer KB cells through upregulation of PTEN and downregulation of MAPK signalling pathways. BioImpacts ۲۰۱۷.
۴. Salehi M, Piri H, Farasat A, Pakbin B, Gheibi N. Activation of apoptosis and G₀/G₁ cell cycle arrest along with inhibition of melanogenesis by humic acid and fulvic acid: BAX/BCL-۲ and Tyr genes expression and evaluation of nanomechanical properties in A۳۷۵ human melanoma cell line. Iran J Basic Med Sci ۲۰۲۲.



عنوان طرح تحقیقاتی: ژنوتایپینگ و آنالیز شبکه هاپلوتایپی ایزوله های اکینوкокوس گرانولوزوس در کیست های هیداتید انسانی و دامی استان
قزوین

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

الهام حاجی علیلو (مجری اصلی)، دانشیار انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
مجید فصیحی هرنیدی، استاد انگل شناسی پزشکی، گروه انگل شناسی و قارچ شناسی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات بیماری هیداتید، دانشگاه
علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

مهرزاد صحنه سرایی، استاد انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

علیرضا محمدزاده، استادیار جراحی قفسه صدری، گروه جراحی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

مرتضی قنبری جوهکل، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

شیوع قابل توجه کیست هیداتید در بیماران و دام‌های قزوین لزوم معدوم‌سازی احشاء آلوده دام‌ها و آموزش مردم برای پیشگیری از انتقال بیماری را برجسته می‌کند.

پیام کلیدی:

نتایج بدست آمده از بیماران و دام‌های آلوده نشان دهنده شیوع قابل توجه انگل در منطقه است، که ضبط و معدوم کردن اعضاء و احشاء آلوده دام‌ها در کشتارگاه‌ها می‌تواند به قطع سیکل زندگی انگل کمک کند. از طرفی اطلاع‌رسانی به مردم در مورد عدم تماس با سگ‌های ولگرد و شستشوی دقیق میوه و سبزیجات می‌تواند در پیشگیری از بیماری بسیار موثر باشد.

متن پیام پژوهشی:

کیست هیداتید یکی از مهمترین بیماری‌های مشترک انسان و دام است، که میزبان واسط انگل علفخوارام و میزبان نهایی انگل سگ می‌باشد. کاوش ژنتیکی در جمعیت‌های انگل می‌تواند در کنترل و پیشگیری از بیماری در جامعه تاثیر بسزایی داشته باشد. نتایج بدست آمده از بیماران نشان می‌دهد که رده سنی بیماران ۲۸ تا ۷۳ سال و بیشتر بیماران مرد هستند. همچنین نتایج این مطالعه ژنوتایپ (۹۷ % G۱ و (۵/۲ % G۳ را در بین نمونه‌ها شناسایی کرد. از آنجائیکه میزبان واسط ژنوتایپ G۱، گوسفند می‌باشد، نتایج این پژوهش بر اهمیت چرخه گوسفند-سگ انگل اکینوкокوس گرانولوزوس در منطقه تأکید می‌کند. اطلاع‌رسانی به مردم و آگاه کردن دست اندرکاران بهداشت و سلامت در مورد راه‌های انتقال انگل به انسان و بسیج نیرو به جهت کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد در منطقه. همچنین بازرسی دقیق کشتارگاه‌ها به منظور ضبط و معدوم کرده احشاء آلوده دام‌ها.

تأثیرات و کاربردها:

اطلاع‌رسانی به مردم در مورد عدم تماس با سگ‌های ولگرد و شستشوی دقیق میوه و سبزیجات می‌تواند در پیشگیری از بیماری بسیار موثر باشد.

محدودیت‌های شواهد:

محدودیت طرح هزینه بالای تعیین توالی نمونه‌ها می‌باشد، که درک صحیح از ژنوتایپ‌های بدست و آنالیز آنها مستلزم تعیین توالی تمام ایزوله است.

مخاطبان طرح پژوهشی:

مردم، مسئولین بهداشت و سیاستگذاران پژوهش

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
خیر

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<https://link.springer.com/article/10.1007/s12639-024-01738-3>

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

e.hajjalilo@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Fasihi Harandi M, Budke CM, Rostami S . The monetary burden of cystic echinococcosis in Iran. PLOS Negl Trop Dis .۲۰۱۲.
۲. Shahnazi M, Habibvand M, Johkool MG, Hajjalilo E, Sharifdini M, Javadi A, Saraei M . Molecular characterization of Echinococcus Granulosus Senu Stricto isolated from the livestock of Qazvin, Iran. Infect Disorders-Drug Targets (Formerly Curr Drug Targets-Infectious Disorders) .۲۰۲۱.

۳. Thompson RA, Mcmanus DP . Towards a taxonomic revision of the genus Echinococcus. Trends Parasitol . ۲۰۰۲.
۴. Deplazes P, Rinaldi L, Rojas CA, Torgerson P, Harandi M, Romig T, Antolova D, Schurer J, Lahmar S, Cringoli G . Global distribution of alveolar and cystic echinococcosis. Adv Parasitol ۲۰۱۷.



عنوان طرح تحقیقاتی: شیوع جهانی گونه های ایمریا در بین پرندگان اهلی: یک بررسی سیستماتیک و متاآنالیز

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

میلاد بدری (مجری اصلی)، استادیار پژوهشی گروه انگل شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

آیدا وفای اصلاحی، دکترای انگل شناسی پزشکی، محقق مرکز تحقیقات میکروب شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

شیوع و عوامل خطر بیماری کوکسیدیوز در طیور خانگی بر ضرورت به کارگیری راهبردهای پیشگیری و مدیریت مؤثر برای کنترل این بیماری تأکید می کند.

پیام کلیدی:

این پژوهش به بررسی شیوع و عوامل خطر بیماری کوکسیدیوز ناشی از انگل Eimeria در طیور خانگی پرداخته است. در این مطالعه از متاآنالیز برای ارزیابی شیوع جهانی و شناسایی عوامل خطر مختلف استفاده شد. نتایج نشان می دهند که شیوع این بیماری به طور قابل توجهی در مناطق مختلف جغرافیایی و شرایط اقلیمی متفاوت است و اهمیت استراتژی های پیشگیری و مدیریت این بیماری را برجسته می سازد.

متن پیام پژوهشی:

کوکسیدیوز به عنوان یک بیماری انگلی با بیشترین تأثیر اقتصادی بر صنعت تولید طیور شناخته شده است. طیف گسترده ای از گونه های حیوانی اهلی و وحشی از جمله گاو، گوسفند، بز، خوک، مرغ، بوقلمون، خرگوش، خزندگان و ماهی، تحت تأثیر کوکسیدیوز قرار می گیرند که قوی ترین عامل زیان های اقتصادی به ویژه در مورد طیور و دام است. این بیماری جوجه ها را تحت تأثیر قرار می دهد و میزان آلودگی در موارد بالینی و فرعی به ترتیب به ۵٪ و ۲۰٪ می رسد. این عفونت معمولاً با درگیری شدید روده، اسهال، کم آبی بدن، کاهش وزن، بی اشتها و ضعف، مرگ و میر است. ضررهای اقتصادی کوکسیدیوز بر صنعت پرورش ماکیان بسیار قابل توجه است و سالانه بین ۲٫۴ تا ۳ میلیارد دلار تخمین زده می شود. هدف مطالعه حاضر افزایش درک ما از شیوع جهانی انگل های Eimeria در جوجه ها با تجزیه و تحلیل کامل مطالعات موجود است که به بهبود شیوه های مراقبت از طیور کمک می کند و بینش های ارزشمندی را برای تحقیقات آینده ارائه می دهد. عفونت ایمرنیا در طیور، به ویژه مرغ ها، نگرانی بزرگی است به دلیل تأثیرات قابل توجه آن بر سلامت حیوانات و صنعت طیور. کوکسیدیوزیس، که توسط ایمرنیا ایجاد می شود، منجر به کاهش سرعت رشد، تبدیل ضعیف غذا و در موارد شدید، مرگ و میر می شود که باعث زیان های اقتصادی قابل توجهی می گردد. درک شیوع جهانی و عوامل خطر مرتبط با آن برای اجرای اقدامات کنترل مؤثر، بهبود سلامت طیور و کاهش بار اقتصادی بر صنعت ضروری است. نتایج این مطالعه نشان داد که بیماری کوکسیدیوزیس که توسط انگل ایمرنیا در مرغ ها ایجاد می شود، در سطح جهانی شیوع بالایی دارد. به طور متوسط، ۴۴٫۳ درصد از مرغ ها مبتلا به ایمرنیا هستند و گونه Eimeria tenella بیشترین شیوع را دارد. شیوع این بیماری در مناطق غرب اقیانوس آرام و مناطق با آب و هوای مرطوب استوایی بالاتر است. این یافته ها بر لزوم اجرای راهکارهای پیشگیرانه و مدیریتی مؤثر برای کنترل این بیماری و کاهش آسیب های اقتصادی ناشی از آن در صنعت طیور تأکید دارد. نتایج این مطالعه می تواند به عنوان مبنای اطلاعاتی برای برنامه ریزی های بهداشتی در صنعت طیور استفاده شود. همچنین، این اطلاعات به متخصصان بهداشت حیوانات و مسئولان کشاورزی کمک می کند تا راهکارهای مؤثری برای مدیریت و کنترل

بیماری کوکیدیوزیس در مرغ‌ها طراحی کنند. شناسایی عوامل خطر مانند مناطق جغرافیایی و ویژگی‌های اقلیمی می‌تواند به تعیین اولویت‌های درمانی و پیشگیرانه در نواحی مختلف کمک کند. این نتایج همچنین در تحقیقاتی که به بهبود روش‌های تشخیص و درمان بیماری‌های طیوری می‌پردازند، کاربرد دارد.

تأثیرات و کاربردها:

این مطالعه می‌تواند به کاهش شیوع بیماری کوکیدیوزیس در مرغ‌ها کمک کند و در نتیجه، هزینه‌های اقتصادی صنعت طیور را کاهش دهد. شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی مناطق با خطر بالاتر برای شیوع بیماری به مدیران صنعتی و مسئولان بهداشت کمک می‌کند تا استراتژی‌های پیشگیری و درمان مؤثری را اتخاذ کنند.

نتایج این مطالعه می‌تواند مبنای تحقیقاتی برای توسعه روش‌های نوین تشخیص و درمان بیماری‌های تک‌یاخته‌ای در مرغ‌ها باشد. این اطلاعات همچنین می‌تواند به تنظیم سیاست‌های کشاورزی و بهداشتی در کشورهایی که با این بیماری مواجه هستند، کمک کند.

محدودیت‌های شواهد:

تنوع روش‌های تشخیصی: استفاده از روش‌های تشخیصی مختلف مانند میکروسکوپی، کشت، و PCR ممکن است منجر به تفاوت‌های جزئی در نتایج گزارش شده شود که باعث محدودیت در مقایسه‌پذیری شواهد می‌شود.

تعداد محدود مطالعات در برخی مناطق: اگرچه برخی از مناطق مانند منطقه اقیانوس آرام غربی بیشترین شیوع را نشان دادند، تعداد کمی از مطالعات در این مناطق انجام شده است که ممکن است بر تعمیم‌پذیری نتایج تأثیر بگذارد.

متغیر بودن شرایط جغرافیایی و اقلیمی: مطالعات انجام‌شده در مناطق با شرایط اقلیمی مختلف ممکن است تفاوت‌هایی در میزان شیوع *Eimeria* نشان دهند که این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از عوامل محیطی خاص باشد که در برخی مطالعات لحاظ نشده‌اند.

شواهد محدود از مطالعات طولانی‌مدت: بیشتر مطالعات کوتاه‌مدت بوده‌اند و ممکن است تغییرات زمانی در میزان شیوع بیماری را در نظر نگرفته باشند.

مخاطبان طرح پژوهشی:

پژوهشگران و متخصصان، ارائه دهندگان خدمات سلامت، متخصصان صنایع طیور، مردم

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته‌باشد؟
خیر تبعاتی ندارد

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

DOI: ۱۰.۱۰۰۲/vms۳,۱۴۶۹

ایمیل ارتباطی مجری اصلی طرح:

badri۲۲.milad@gmail.com

منابع و مراجع:

۱. Aarthi, S., Dhinakar Raj, G., Raman, M., Gomathinayagam, S., & Kumanan, K. Molecular prevalence and preponderance of *Eimeria* spp. Among chickens in Tamil Nadu, India. *Parasitology Research*, ۲۰۱۰.
۲. Abdelrahman, W., Mohnl, M., Teichmann, K., Doupovec, B., Schatzmayr, G., Lumpkins, B., & Mathis, G.. Comparative evaluation of probiotic and salinomycin effects on performance and coccidiosis control in broiler chickens. *Poultry Science* ۲۰۱۴.
۳. Abebe, E., & Gugsu, G. A review on poultry coccidiosis. *Abyssinia Journal of Science and Technology*. ۲۰۱۸.
۴. Adem, D.M. Prevalence of poultry coccidiosis and its associated risk factors in and around Haramaya district, Ethiopia. *Veterinary Medicine Open Journal*. ۲۰۲۳.

